

اهمیت نسخه های خطی برای مطالعه تاریخ تشیع

— محمد کاظم رحمتی^۱ —

مقدمه

نسخه های خطی و اهمیت آنها در مطالعات اسلامی به نحو عام و تاریخ تشیع به نحو خاص، موضوعی است که به ما امکان می دهد، صفحات تازه ای در مطالعات تاریخ تشیع بگشاییم. به عنوان مثال بررسی نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان امامی ایرانی پیش از صفویه، به روشنی وجود شیعیان را در حوزه های خاص جغرافیایی در نواحی مرکزی ایران و خاصه در شهرهای چون قم، کاشان و روستاهای میان دو شهر اخیر نشان می دهد. از نام روستاهای میان قم و کاشان نام روستاهای جوشقان، جاست^۲، سرابشونوه که ظاهراً همان

۱. استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

۲. درباره اهمیت جاست و عالمان امامی آن همچنین بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، «مناظره ای منظوم میان قم و کاشان»، قیام (مجموعه مقالات درباره قم) (نیوجرسی: مؤسسه انتشاراتی زاگرس، ۱۳۸۶ش)، ص ۷۵-۸۴ که متن اشعاری از عزالدین علی بن فضل الله حسینی راوندی آمده در برگ آخر نسخه ۴۰۹۵ مرعشی را تصحیح کرده است. نسخه ای از شرح دیوان الحماسة ابی تمام تألیف ابوزکریا یحیی بن علی تبریزی در کتابخانه مرحوم مهدوی است که کاتب آن حسین بن حسن بن حسین ابی القاسم رزی جاستی - در متن چاپ شده جاسبی آمده - است که در روز پنجشنبه یکم رجب ۵۹۳ در قم از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. به احتمال بسیار وی با کاتب نسخه ۴۰۹۵ مرعشی یکی است اما ظاهراً خطای در قرائت

و شنوه کونی باشد و خوچجان^۱ را باید برشمرد که بر اساس نسخه های خطی موجود، عالمان مختلفی در سده های پیشین خاصه قرون ششم تا هفتم هجری از میان آنها برخاسته اند. روستای جاست که در گذشته از توابع بلوکات قم به حساب می آمده در نزدیکی دلیجان قرار

تاریخ کتابت نسخه و یا حتی شهرت رزی آمده برای اورخ داده باشد که باید به اصل نسخه مراجعه کرد. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳. دوست عزیزم آقای جواد بشری در مقاله ای نکاتی درباره کاتبان جاستی آورده است. بنگرید به: جواد بشری، «گناه بخت من است این گناه دریا نیست (بررسی قطعه ای منسوب به فردسی)»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۹ (پاییز ۱۳۸۷ش)، ص ۶۱-۶۶.

۱. نسخه ای کهن از کتاب خصائص الائمة در دست است که عبد الجبار بن الحسين بن ابی القاسم الحاج الفراهانی ساکن در قریه خوچجان در ۵۵۳ کتابت کرده است (...تتمت کتابه کتاب خصائص الائمة علیهم السلام و فرغ من کتبه العبد المذنب الراجی الی غفران الله و عفوہ عبد الجبار بن الحسين بن ابی القاسم الحاج الفراهانی الساکن بقریه خوچجان عمرها الله يوم الاربعاء الرابع من شوال سنة ثلاث و خمسين و خمس مائة غفر الله له و لوالديه و لجميع المؤمنین و المسلمات انه هو الغفور الرحیم....). در بخش زیادات نسخه کاتب اشاره کرده که همراه با سید ابوالرضا راوندی و به قصد تفرج به روستای جوشقان رفته است (انتهت الزیادة... بحمد الله و منه، و صلواته علی نبیه محمد و آله اجمعین و فرغ من کتبه العبد المذنب عبد الجبار بن الحسين بن ابی القاسم الحاجی الفراهانی يوم الأربعاء التاسع عشر من جمادی الأولى من سنة ثلاث و خمسين و خمسمائة فی خدمة مولانا الأمير الأجل السيد ضیاء الدین تاج الإسلام أبی الرضا فضل الله بن علی بن عیید الله الحسنی أدام الله ظلّه و قد آوی الی قریه جوشقان راوند متفرجاً حامداً لله و مصلياً علی النبی و آله اجمعین و السلام). از دیگر عالمان خوچجانی، حسین بن ابی عبدالله بن ابراهیم خوچجانی را می شناسیم که نسخه ای نفیس از امالی سید مرتضی که در سال ۵۶۷ کتابت شده را در تملک داشته که اکنون به شماره ۱۴۵ در کتابخانه اسکواریال موجود است و اساس تصحیح امالی سید مرتضی توسط محمد ابوالفضل ابراهیم بوده است. خوچجانی نسخه را نزد سید فضل الله بن علی بن عیید الله بن محمد بن عیید الله بن حسین راوندی خوانده و از وی در سال ۵۶۸ اجازه روایت آن را دریافت کرده است. سید ابوالرضا راوندی کتاب امالی را به روایت استادش عبدالرحیم بن احمد بن اخوه بغدادی از ابوغانم عصمی از سید مرتضی روایت کرده است. همچنین ابوالرضا کتاب را به روایت ابن اخوه از نقیب حمزة بن ابی اعز حسینی از ابوالعالی احمد بن قدامه از سید مرتضی و از سید مرتضی بن داعی حسنی از ابو عبدالله جعفر بن محمد دوریستی در روایت داشته است. خوچجانی در ظهر نسخه و در صفحه عنوان اجازه ای برای کمال الدین مرتضی مرعشی در ۵۸۴ نوشته است (قرأ علی اول هذا الكتاب الی المجلس الحادی و الثلاثین فی تأویل قوله عز من قائل... صاحبہ الامیر السید العالم کمال الدین محمد.. المرتضی بن الرضی... الحسینی المرعشی وقاه الله... و اجزت له روایتہ عنی عن... الامام العلامة باسناده المثبت بخطه هذا الی المرتضی رضی الله عنه، کتبه الحسین بن ابی عبدالله بن ابراهیم الخوچجانی بيمينه فی اول شعبان عمت برکنه سنة اربع و ثمانین و خمس مائة متوکلاً علی الله تعالی).

دارد. صورت ضبط کهن آن برخلاف آنچه امروزه به شکل جاسب رایج است، جاست بوده و شواهد مختلفی از قرن ششم و هفتم در دست است که نام کهن آن جاست است. سوی مواردی که استاد ارجمند علی اشرف صادقی از آن بحث کرده اند^۱، نسخه ای کهن از شرحی بر کتاب المراسم العلویة فی الاحکام النبویة تألیف شده از قرن ششم در کتابخانه کاشف الغطاء به شماره ۳۱۶ موجود است. نسخه اخیر ضمن مجموعه ای است مشتمل بر سه رساله؛ الجواهر فی الفقه ابن براج طرابلسی (متوفی ۴۸۱) که دارای اجازه ای از سعید بن هبة الدین راوندی که از خواندن متن توسط پسرش در نزد خود سخن گفته است (کتاب الجواهر فی الفقه، تألیف القاضی ابی القاسم عبدالعزیز بن نحریر ابن البراج رضی الله عنه قرأ علی ولدی نصیر الدین ابوعبدالله الحسین - أبقاءه الله و متعنی به - قراءة إتقان، وأجزت له أن یرویه عنی، عن الشیخ ابی جعفر محمد بن المحسن الحلبی عنه کتبه سعید بن هبة الله)؛ المراسم العلویة و سرانجام شرحی بر کتاب اخیر بدون اشاره به نام شارح نخست. شخصی به نام محمد بن محمد ابن علی الفراهانی محمد آبادی در شعبان ۶۱۸ آن را کتابت کرده و از روی آن ابوجعفر علی بن الحسن بن ابی العباس جاستی وارانسی در رمضان ۶۱۸ از روی آن در مجموعه حاضر کتابت کرده است. عبارت کاتب اول در انجامة کتاب چنین است: «انتسخ منه أضعف عباد الله وأحوجهم إلى رحمته محمد بن محمد بن علی الفراهانی محمد آبادی فی عشر الأواخر من شهر الله المبارک شعبان سنة ثمان عشر و ستمائة داعياً لصاحبه و مستغفراً لمصنّفه». کاتب دوم نیز در انجامة نوشته است: «انتسخ من هذا الكتاب العبد الضعیف الفقیر المحتاج إلى رحمة الله تعالی ابوجعفر علی بن الحسن بن ابی العباس الجاستی الوارانسی فی شهر الله المبارک رمضان عظیم الله برکته سنة ثمان عشر و ستمائة داعياً لصاحبه بالخیر» (این شرح را فاضل ارجمند حجت الاسلام و المسلمین سید محمد جواد الغریفی با عنوان «شرح المراسم العلویة فی الأحکام النبویة» تحقیق کرده و در مجله دراسات علمیه، العددان التاسع و العاشر، ۱۴۳۷، ص ۴۵۹ - ۵۷۵ منتشر کرده است). از عالمان اهل جاست در قرن هفتم، حسین بن حسن بن حسین جاستی وارانسی رامی

۱. بنگرید به: علی اشرف صادقی، «جاسبی یا جاستی؟»، یغمای سی و دوم: یادنامه حبیب یغمائی، گردآوری ایرج افشار با همکاری قدرت الله روشنی (زغفرانلو) (تهران، ۱۳۷۱ش)، ص ۲۸۵-۲۸۹.

شناسیم که در روز جمعه چهارم ربیع الاول ۶۷۳ از کتابت الايضاح فی شرح المقامات ابوالفتح ناصر بن عبدالسید مطرزی (متوفی ۶۱۰) که شرح خود را در ۵۶۳ به پایان رسانده، فراغت حاصل کرده است. این نسخه به شماره ۴۰۹۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. کاتب در پایان نسخه خود را چنین معرفی کرده است:

«... ووقع الفراغ من تنميقة على يدي صاحبه اضعف عباد الله خليقة واسوءهم طريقة الحسين بن الحسن بن الحسين الجاستي الواراني ضحوة يوم الجمعة الرابع من ربيع الاول سنة ثلاث وسبعين وستمائة اللهم اغفر له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين».

این مطلب که وی خود را جاستی و نه جاسبی معرفی کرده نشان می دهد که در قرن هفتم نام آن مکان جاست بوده و تغییر آن به جاست در ادوار بعدی رخ داده است. درباره نام روستای جاست و تفاوت تلفظ کهن و متداول کنونی آن به تفصیل در آغاز مقاله صحبت شده است، جز آنکه در کتابخانه مدرسه صدر بازار به شماره ۲۵۴ نسخه ای از کتاب اللمعة الدمشقية شهید اول موجود است که در سال ۹۷۸ کتابت شده است. نام کاتب اسعد بن احمد بن اسعد الانجدانی الجاستی است و شاهدی از تداول نام روستای در قرن دهم به صورت جاست. عبارت کامل انجامة نسخه چنین است:

«... هذا تمام كلام شيخنا الشهيد - رضوان الله عنه و غفرانه عليه وله بحق المجيد - قد خدم بكتابتها لاجل حضرت المولوى الاعظم، حاوى المعقول والمنقول، جامع الفروع والاصول، عمدة الافاضل والاماجد، المستغنى عن الالقاب بذاته الشريف المحمود، القاضى جلال الملة و الدين مسعود - روح الله روح والده المغفور المرحوم، المستريح الى جوار رحمة الله فتوحاً للدنيا و الدين، فتح الله الكاشانى فى دار السلطنة قزوين - حفظه الله تعالى مقيمه من المؤمنين عن كيود المفسدين - فى السنة الثامنة من العشر السابعة من المائة التاسعة من الهجرة النبوية المصطفوية صلوة الله عليه وآله وانا المفتقر الى الله الصمد ابن احمد بن اسعد بن اسعد الانجدانى مولداً الجاستى محتداً غفر ذنوبهم بمحمد وآله»^۱.

۱. این نسخه بعدها در اختیار میر داماد بوده است. برای توصیفی از نسخه و تصویر انجامة و برگى از نسخه داراى

همچنین نسخه ای از کتاب تحصیل النجاة فخرالمحققین در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۷۷۱ موجود است که آن را به خواهشی یکی از علویان به نام ناصرالدین حمزه بن حمزه بن محمد علوی حسینی تألیف کرده است. فخرالمحققین در مقدمه کتاب به خواهش سید حمزه برای نگارش کتاب تحصیل النجاة از خودش اشاره کرده و درباره سید و مکان اقامتش نوشته است:

«...أما بعد فهذا كتاب تحصيل النجاة في اصول الدين وفروعه صَنَّفته خدمة للسيد المعظم الشريف المكرم سلالة الأئمة المعصومين، خلف أجداده الطاهرين، السيد ناصر الملة والحق و الدين حمزة بن حمزة العلوي المتوطن بقرية شريف آباد من ناحية جاست من اعمال قم...» (طبقات اعلام الشيعة: الحقائق الراهنة في المائة الثامنة، ص ۶۴-۶۵).

فخرالمحققین کتاب را باید درمَدّت کوتاهی و ایامی که خود و سید ناصرالدین در نجف بوده اند، و به احتمال زیاد در رجب ۷۳۶ به رشته تحریر درآورده باشد. نسخه رایگی از پنج خواهرزاده علامه حلی یعنی سید غیاث الدین عبدالکریم بن محمد بن الاعرج حسینی در آخر ظهر یکشنبه بیست و چهارم رجب سال ۷۳۶ در نجف کتابت کرده است (...فرغ من نسخها اضعف عباد الله تعالى عبدالکریم بن محمد بن الاعرج الحسینی بالحضرة الشريف الغروية صلوات الله على مشرفها في آخر نهار السبت رابع عشرين رجب المبارك من سنة ست و ثلاثين و سبعمائة و الحمد لله وحده). در کنار انجامه نسخه انهاء قرائتی است که ممکن است برای کاتب نسخه که نسخه را نزد فخرالمحققین خوانده، باشد اما از آنجایی بر ظهر نسخه اجازه عامه روایتی از فخرالمحققین به خط خودش کما اینکه خط انهاء نیز به دستخط اوست، ظاهراً باید انهاء قرائت برای سید ناصرالدین نوشته شده باشد (انهاه أیده الله تعالی قراءة و بحثاً و فهماً و ضبطاً و استشرحاً و ذلك في مجالس آخرها سبع عشرين رجب سنة ست و ثلاثين و

دارای بلاغ سماع میرداماد بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار (اصفهان - ایران) (قم، ۱۳۸۴ ش/۱۴۲۶)، دفتر اول، ص ۱۷۸، ۱۷۹-۱۸۰. فتح الله بن شکرالله کاشانی که از نگارش تفسیر زبدة التفاسیر خود در میانه ماه ذی القعدة الحرام سال ۹۷۷ فراغت حاصل کرده به شهادت گفته کاتب نسخه پیش از تاریخ کتابت نسخه اللعة دمشقیة در ۹۷۸ درگذشته است. برای شرح حال فتح الله کاشانی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۱۸-۳۱۹..

سبعمائه، والحمد لله وحده وصلى الله على محمد سيدنا وآله وكتب محمد بن المطهر). نسخه توسط شخصی که شاید سید ناصرالدین باشد چرا که دست خط عبارت مورد بحث با دست خط نسخه تفاوت دارد، با مقابله نسخه حاضر با اصل که به خط فخرالمحققین بوده، تصریح کرده است (بلغت المقابلة بنسخة اصل بخط المصنف فى المشهد المقدس الغرورى صلوات الله على مشرفها فى تاريخ سنة ست وثلاثين وسبعمئة هجرية والحمد لله رب العالمين). افندى نسخه حاضر را دیده و گفته که منضم به آن پرسش و پاسخ های میان فخرالمحققین و سید ناصرالدین به خط هر دو تن بوده که اکنون این بخش همراه نسخه حاضر تحصیل النجاة نیست. این نسخه زمانی در تملک علی بن محمد بن حسن بن زین الدین عاملی، یعنی شیخ علی کبیر نواده شهید ثانی بوده و او بر ظهر نسخه نوشته است: «فى نوبة اقل العباد على بن محمد بن حسن بن زین الدین العاملی». افندى (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۹۹) گفته که کتاب اخیر از جمله کتابهای شهید ثانی بوده است و در معرفی نسخه اشاره شده که تملکی به سال ۹۲۳ بر نسخه موجود است. بر این اساس کتاب اخیر از جمله کتابهای متعلق به کتابخانه شهید ثانی است که در روزگار شیخ علی کبیر به ایران آمده است. افندى (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰) اجازه فخرالمحققین به سید ناصرالدین را آورده و تصویر اجازه که در متن ریاض چند کلمه افتادگی دارد، در فهرست نسخه های خطی دانشگاه تهران موجود است.^۱

شهرکاشان در قرن ششم به یمن وجود عالم برجسته ای چون سید ابوالرضا راوندی و حامیان قدرتمند و ثروتمندی که در آن شهر داشته، مرکزیت علمی در عراق عجم داشته است. همچنین بر اساس اطلاعات آمده در انجمنه نسخه های خطی می دانیم که عالمان امامی در مراکز دیگری چون فراهان، ری و ورامین، آوه / آبه و گاه طبرستان و برخی شهرهای آن چون آمل حضور داشته اند.^۲ شهر استرآباد نیز از قرن هفتم به بعد یکی از مراکز مهم علمی شیعیان بوده و

۱. توجه به این نسخه را و امدا را اطلاع دوست گرامی آقای مصطفی احمدی هستم. بنگرید به: الذریعة، ج ۲۶، ص ۱۵۷؛ محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۳۹ ش)، ج ۸، ص ۳۰۵، ۳۰۹-۳۱۱.

۲. نسخه ای از کتاب النهایة شیخ طوسی که محمد بن حسین بن محمد بن حسن متعلم در روز دوشنبه محرم ۶۲۷ کتابت آن را به پایان رسانده به شماره ۳۹۷۰ در کتابخانه ملک موجود است که در سال ۶۴۴ از آن نور

عالمان بسیاری از آن رامی شناسیم که برخی از آنها از شاگردان علامه حلی بوده اند. علیرغم آنکه اطلاعات تاریخی اندکی درباره شهر استرآباد در دست است اما مطالب فراوانی درباره عالمان امامی شهر استرآباد از قرن هفتم تا دهم رامی توان در انجامة‌های نسخه‌های خطی که عالمان استرآبادی کتابت کرده و نزد استادان خود در عراق یا حتی در جبل عامل خوانده اند، گردآوری کرد که بخشی از این مطالب را افندی در شرح حال این عالمان و آقابزرگ در مجلدات طبقات اعلام الشیعة مربوط به قرون هفتم تا دهم گردآوری کرده است. هرچند گاه علیرغم گسترش تشیع و غلبه آنها در برخی مکان‌های ذکر شده، گاه در ادوار بعدی تشیع از آن شهرها رخت بر بسته و در نواحی اطراف و روستای به حیات خود ادامه داده است؛ نمونه‌ای بارز از این موارد تشیع در شهر کاشان و حلب است که ظاهراً باید به یک دلیل یعنی توجه حاکمان سنی در تقویت اهل سنت این شهرها، تشیع به حاشیه رانده شده باشد.^۱

در قرون ششم تا هفتم مرکزیت علمی شیعیان نواحی جبال ظاهراً همان شهر کاشان بوده و حتی خاندان‌های علمی چون فتحان از قم به آنجا مهاجرت کرده و در همانجا ساکن شده اند، هرچند عالمان قمی چندی را نیز می‌شناسیم که در همین ادوار در قید حیات بوده‌اند و داشتن

الدین ابراهیم بن افراسیاب طبری افروزآبادی کیان کلادی بوده است. این نسخه را محمد بن حسین بن محمد بن حسن متعلم نزد ابوطالب ابن الحسین حسینی از شاگردان قطب الدین راوندی خوانده است. حسینی اجازه ای به متعلم داده و در آن طریق خود به کتاب النهایة را چنین ذکر کرده است: «قرأ علیّ هذا الكتاب من اوله الی آخره صاحبه الامام الحافظ تاج الدین، فخر الفقهاء و الامراء محمد بن الحسین - آدم الله سعادتہ - قراءة باحث عن معانیہ، مستکشف عن مطاویہ و أنا قرأته علی الامام السعید المجتهد، شیخنا الامام محمد الراوندی و هو أجازنی عن الشیخ السعید ابی جعفر الطوسی... مولانا امیر المؤمنین صلی الله علیه و أنا بریء من التحریف و التصحیف و الحمد لله کثیراً، کتبه ابوطالب ابن الحسین الحسینی بخطه فی غرة جمادی الاولی سنة ثلاث و ثلاثین و ستمائة هجرية». در صفحه عنوان ابن معلم متذکر شده که او کاتب و مالک نسخه است (صاحبه و کاتبه و مالکه محمد بن الحسین بن محمد بن الحسن المتعلم رزقه الله علم ما فیه و عمله بحق محمد و آله الابرار).

۱. عبدالکریم بن محمد سمعانی (متوفی ۵۶۲) در کتاب الانساب خود در ذیل عنوان «القاسانی» یعنی کاشان امروز به اقامت خود در آنجا برای دو روز اشاره کرده و گفته که اهل آنجا جمله از شیعیان هستند (و أهلها من الشیعة) و از سید ابوالرضا راوندی یاد کرده و به سماع حدیث از او نیز اشاره کرده است. هرچند کاشان خالی از اهل سنت نیز نبوده و عالم ناموری چون احمد بن علی بن بابا قاشی رامی شناسیم که مؤلفات مختلفی داشته و سمعانی خود به یک واسطه از او روایت کرده است. بنگرید به: سمعانی، الانساب، ج ۴، ص ۴۲۶-۴۲۷.

شهرت قمی توسط آنها دلالت بر اقامت آنها علی القاعده در شهر قم دارد. به عنوان مثال نسخه ای مشتمل بر جلد اول کتاب قواعد الاحکام علامه حلی به شماره ۴۲۷۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که محمد بن محمد بن مهدی ابن مخلص قمی از کتابت آن در هنگام طلوع خورشید در روز پنجشنبه هفتم رمضان ۷۱۸ فراغت حاصل کرده است (تم النصف الاول من کتاب قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام ویتلوه النصف الثانی بعون الملک... و فرغ من تنمیقه العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف محمد بن محمد بن مهدی ابن مخلص القمی راجیاً رحمة الله وشفاعة النبی الامی عند طلوع الشمس من یوم الخمیس سابع شهر الله المعظم رمضان المکرم عظم الله برکته و عقب رحمته حول سنة ۷۱۸ من هجرة سید الابرار محمد المختار و یساله ان یرزق لصاحبه و کاتبه علم ما فیهما مع العمل علیها وان ینتهی الختم بالسلامة و الکرامة و النعم المستدامة و ان یصلح شانها و صانها عما شانها و جمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات انه قاضی الحاجات و مجیب الدعوات). کاتب در انجامه تصریح دارد که مالک نسخه خود اوست و با توجه به جایگاه کتاب قواعد الاحکام او تنها کاتبی معمولی نیست و باید از عالمان امامی باشد. نسخه در تملک عالمان بعدی بوده از جمله آنها عطاء الله بن معین الدین سروی است که تاریخ ۸۹۶ در پایان عبارت تملک او در انجامه آمده است. جلد دوم که ابن مخلص کتابت کرده در مدرسه فیضیه به شماره ۳۴ موجود است و تاریخ فراغت از کتابت نسخه یازدهم ربیع الثانی ۷۱۷ آمده است. احتمال دارد که تاریخ اخیر تصحیفی از ۷۱۸ باشد که فهرست نگاران را به خطا خوانده است.^۱

حضور عالم نامور امامی سید ابوالرضا راوندی و ساخت مدرسه مجدییه توسط مجد الدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود قاشانی (متوفی روز جمعه ششم جمادی الآخر ۵۳۵) که پس از نماز گزاردن بر پیکر او توسط ابوالرضا در مشهد بارکسف (مشهد اردهال) به خاک سپرده شد، نقش مهمی در رونق علمی کاشان داشته است. مدرسه اخیر در قرن هفتم همچنان



۱. بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۱۳۸. شهری نیز که ظاهراً قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبة الله راوندی (متوفی ۵۷۳) در آنجا اقامت داشته، یکی از مراکز علمی شیعه در این دوران است.

پابرجا بوده است و با داشتن به احتمال بسیار موقوفاتی و متولی، امکان تداوم حیات علمی آن رافراهم کرده بود. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۸۱۹۰ نسخه ای مشتمل بر مجموعه ای کتابت شده در قرن هفتم موجود است که کاتب به نگارش مطالبی در حاشیه نسخه خود در مدرسه مجدیه شهر کاشان تصریح کرده است. رساله اول که دفع المضار الكلية عن الابدان الانسانية ابن سینا می باشد در محرم ۶۲۸ و در شهر کاشان با نسخه ای مغلوط مقابله شده است. رساله دوم منهاج البیان فیما يستعمله الانسان از یحیی بن عیسی بن علی بن جزله طبیب مشهور به ابن جزله (متوفی ۴۹۳) است که کتابت آن در روز یکشنبه ۱۵ ذی القعدة ۶۱۵ در نوشاباد کاشان پایان یافته است (فرغت من تحشیه فی الثانی عشر من ربیع الاول سنة ست و عشرين و ستمائة و ذلك ببلدة قاشان فی المدرسة المجدیة - این نام را مرحوم زریاب خوبی که گزارشی از نسخه اخیر آورده، المحمدیة خوانده که نباید درست باشد و مراد مدرسه مجدیه است - عمرها الله بقاء بانها و کتبه الحسن بن علی بن الحسن الطیب غفر الله له ذنوبه و ستر عیوبه) و بعد افزوده است: «صَحَّتْ الْفَائِدَةُ مِنْ نَسْخَةِ الْاَصْلِ فِي سَلْخِ جَمَادِي الْاٰخِرَةِ سَنَةِ سِتِّ و عَشْرِيْنَ و سِتْمِائَةِ بَنُو شَابَادِ عَمْرَها اللهُ بَانِها و کتبه الحسن بن علی حامداً لله و مصلياً علی نبيه» (بنگرید به: ابوریحان بیرونی، کتاب الصيدنة فی الطب، به تصحیح و مقدمه و تحشیه عباس زریاب (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ ش)، ص سی و شش - سی و نه. با سپاس از دوست گرامی آقای جواد بشری برای معرفی منبع اخیر). حسن بن علی بن حسن طبیب جاستی در مدرسه مجدیه کاشان در ۱۲ ربیع الاول ۶۲۶ بر آن حواشی نوشته است. همونسخه را در پایان جمادی الثانی ۶۲۶ در نوشاپاد تصحیح کرده است. جاستی بخش ادویة کتاب اخیر را با کتاب النبات ابوحنیفه دینوری که تصمیم داشته گزیده آن را در پایان بیاورد در همان نوشاباد در دهة نخستین رجب ۶۲۶ مقابله کرده است. جاستی در محرم ۶۳۳ در یادداشتی متذکر شده که علامت «مو» در حاشیه نسخه اشاره به کتاب الموازنة بین العربیة و الفارسیة حسن بن حمزة اصفهانی است که وی در حواشی مطالب متعددی از آن نقل کرده است (برای مطالب اخیر به همراه توصیف کاملتری از نسخه بنگرید به: علی اشرف صادقی، «قطعه هایی یاز یافته از کتاب الموازنه حمزة اصفهانی»، نامه ایران باستان، سال دوم،

شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۱ ش، ص ۳-۶۲). جاستی همچنین فوآندی از کتاب عبدالله بن محمد بن عیسی باوردی در ربیع الاول ۶۲۷ در حاشیه نسخه نوشته است. وی در یادداشتی گفته که در صفر ۶۲۷ و هنگام اقامت در شهر کاشان کتاب عبید الله بن جبرائیل در منافع الاعضاء را دیده و بیشتر مطالب آن را بیهوده و تباه توصیف کرده است. حسین بن حسن طیب که ظاهراً باید پسر جاستی باشد در ۶۲۰ و اندی - یکانهای آن محوشده - می نویسد که کتاب را مقابله کرده است. در رمضان ۶۳۷ نسخه با نسخه ای که متعلق به امام ظهیرالدین ابوالقاسم بوده، مقابله شده است.^۱

هر چند شواهد روشنی در دست نیست اما باید تولیت آن در دست خاندان ابوالرضا راوندی بوده باشد که خود سرشناس ترین عالم کاشان در روزگار مجدالدین بوده و اعقاب و فرزندان او تا چند قرن بعد نیز در کاشان حضور داشته اند.^۲

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ ش)، ج ۱۷، ص ۴۹-۵۰. آخرین اطلاع از مدرسه مجدییه، در قرن یازدهم است که میر تقی کاشانی به اقامت خود در این مدرسه اشاره کرده و نسخه ای نیز به کتابت وی باقی است که او در این مدرسه کتابت نموده است. بخشی از کتاب ذکری الشیعة فی احکام الشریعة به شماره ۱۳۴۸ در کتابخانه مرعشی مشتمل بر کتاب طهارت تا صلاة دیگر اثری است که از تقی الدین در اختیار داریم و او در روز چهارشنبه سه روز مانده به پایان ذی الحجه ۹۸۰ در مدرسه مجدییه کاشان از کتابت آن فراغت حاصل کرده است (... و فرغ من کتابته ضحی یوم الاربعاء ثلاث بقین من ذی الحجة الحرام سنة ثمانین و تسعمائة فی مدرسة المجدیة - حماها الله عن التخریب لسبب فتن اهل الزمان و برع اهل الظلم و الطغیان بحق محمد و آله - و أنا اضعف عباد الله جرماً و اکثر خلق الله جرماً تقی الدین محمد بن شرف الدین علی الحسینی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما بحق محمد و آله اجمعین و سلم تسلیماً کثیراً). بنگرید به: مهدی رحیم پور، «چند نسخه به خط تقی الدین محمد کاشانی صاحب خلاصة الاشعار و زیدة الافکار»، اوراق عتیق، دفتر چهارم، به کوشش سید محمد حسین حکیم (تهران، ۱۳۸۹ ش)، ص ۲۸۹-۳۰۴.

۲. بنگرید به: حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش)، ص ۶۴-۶۵. اطلاعات تاریخی چندانی در منابع درباره مدرسه مجدییه و بانی آن نیامده است و بیشترین مطالب دانسته درباره مجدالدین، اشعاری است که سید ابوالرضا راوندی در دیوان خود آورده است. مجدالدین همچنین به تعمیر و بازسازی امام زاده علی بن محمد باقر در بارکسرف که اکنون به مشهد اردهال شهرت دارد، اقدام کرده است (برای بحثی درباره مجدالدین بنگرید به: حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۵۹-۶۰؛ پرویز رجبی، کاشان نگین انگشتی تاریخ ایران (تهران: نشر پژوهاک کیوان، ۱۳۹۰ ش)، ص ۹۴-۱۰۶). اطلاعات آمده درباره مدرسه

اطلاعات آمده در انجامة نسخه‌ها از جهات چندی قابل توجه است. به عنوان مثال بر اساس شواهد مختلف از نسخه‌های کهن آثار سید رضی و سید مرتضی علم الهدی دانسته است که روایت و تداول آثار وی در میان عالمان امامی کاشان اساساً به روایت سید ابوالرضا راوندی که خود سفری در سال ۵۱۱ به بغداد داشته و نسخه‌های مختلف آثار دو برادر را کتابت کرده و اجازه روایت آنها را به سماع از عالمان امامی و غیر امامی به دست اخذ کرده، متداول بوده است. به دیگر سخن نسخه‌های از قضا بسیار کهن آثار سید مرتضی و رضی موجود، اکنون نسخه‌های هستند که از روی نسخه‌های سید ابوالرضا راوندی کتابت شده و نزد او سماع شده که از میان این نسخه‌ها، نسخه‌ای کهن از خصائص الأئمة^۱، نهج البلاغه^۱ و

مجديه اندک است اما بر اساس انجامة برخی نسخه‌ها می‌توانیم مطالب بیشتری در باب آن بدست بیاوریم. امیر معزی ملک الشعراء دربار سنجر نیز اشارات کوتاهی به مجدالدین کرده است.

۱. سید ابوالرضا راوندی در بیان طریق روایت کتاب خصائص الأئمة به شیخ روایت خود ابوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن اخشید سراج اشاره کرده و گفته که او خصائص الأئمة را به روایت ابومظفر عبدالله بن شیب از ابوالفضل خزاعی از سید رضی روایت کرده است. ابوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن محمد بن اخشید تاجر اصفهانی معروف به سراج در شب پانزدهم شعبان سال ۴۳۶ دیده به جهان گشود. سمعانی از وی در کتاب التخبیر (ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۴) نام برده و گفته که سراج خود نسخه‌های خطی فراوانی را کتابت کرده و فردی «واسع الروایة» و «موثوقاً به» بوده است. سمعانی خود از سراج اجازه داشته است (کتب الی‌ بالاجازة). وی در رمضان یا شعبان ۵۲۴ درگذشت. همچنین بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۱، ص ۳۹۷-۳۹۸. سراج خود خصائص الأئمة را به روایت ابومظفر عبدالله بن شیب بن عبدالله اصفهانی ضبی مقری (متوفی ۴۵۱) که به عنوان «إمام أصهبان و خطیبها و واعظها و مقرئها» یاد شده روایت کرده است. ضبی کتاب خصائص الأئمة را به روایت ابوالفضل محمد بن جعفر خزاعی از سید رضی روایت کرده است (بنگرید به: ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱۰، ص ۱۹-۲۰). ابوالفضل محمد بن جعفر بن عبدالکریم خزاعی (متوفی ۴۰۸) مقری نویسنده کتاب الواضح فی القراءات است که یک چندی در بغداد ساکن بوده و بعدها به آمل رفته و در همانجا ساکن شده است (بنگرید به: خطیب بغدادی، تاریخ مدینة السلام، ج ۲، ص ۵۴۱-۵۴۲). اطلاعات اخیر در نسخه بسیار کهن خصائص الأئمة که در کتابخانه رضا شهر رامپور به شماره ۱۱۹۰ آمده است. نسخه اخیر را فردی به نام عبدالجبار ابن الحسین بن ابی القاسم الحاج الفراهانی ساکن در روستای خوجمان بوده، در روز چهارشنبه چهارم شوال ۵۵۳ کتابت کرده است. فراهانی نسخه را نزد ابوالرضا راوندی خوانده و ابوالرضا در صفحه عنوان نسخه اجازه روایت کتاب را به او داده است (قرأ الخصائص علیّ الشیخ رئیس الولد وجیه الدین، فخر العلماء أبوعلی عبدالجبار بن الحسین بن ابی القاسم - دامت نعمتهما - ورویتها له عن شیخی أبی الفتح اسماعیل بن الفضل بن أحمد بن

تلخیص بیان سید رضی و امالی سید مرتضی رامی شناسیم.^۲

الأخشید السراج، عن أبی المظفر عبد الله بن شیب، عن أبی الفضل الخزاعی، عن الرضی - رضی الله عنه - و کتب فضل الله بن علی الحسنی أبوالرضا الرواندى فی ذی القعدة، من سنة خمس وخمسين وخمسائة).
 ۱. فهرست نسخه های خطی منتشر شده کتابخانه رضا شهر رامپور توسط امتیاز علی عرشى به صورت بسیار موجز نوشته شده است. نسخه اعلام نهج البلاغه به شماره ۱۱۹۹ و به عنوان نسخه ای کتابت شده از قرن یازدهم معرفی شده و در توضیح بیشتر در خصوص آن گفته شده که شرحی بر نهج البلاغه است که به خطا مؤلف آن علی بن ناصر معاصر مؤلف معرفی شده است که نشان می دهد فهرست نگار شناخت روشنی از علی بن ناصر سرخسی که نامش در نسخه همراه به نام کتاب اعلام نهج البلاغه علی بن ناصر آمده، نداشته است. بنگرید به:

Imtiy AUYAIDYArshD Catalogue of The Arabic Manuscripts in Reza Library (Rampur, 1963), vol.1, pp.632-633.

نسخه کهن نهج البلاغه به شماره ۱۱۹۰، برگ های ۱۸ الف - ۱۶۹ الف که عبد الجبار بن حسین بن ابوالقاسم حاجی فراهانی در ۵۵۳ کتابت کرده و نزد فضل الله بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی خوانده نیز در همین مقدار معرفی شده است. بنگرید به:

Imtiy AUYAIDYArshD vol. 1, pp.630-631.

ادامه همین مجموعه ۱۱۹۰، برگ های ۱۷۲ ب - ۲۱۱، همان کاتب خصائص الائمه را کتابت کرده که تنها به تاریخ کتابت آن در ۵۵۳ و نام کاتب یعنی عبد الجبار بن حسین بن ابوالقاسم حاجی فراهانی اشاره شده است. بنگرید به:

Imtiy AUYAIDYArshD Catalogue of The Arabic Manuscripts in Reza Library (Rampur, 1977), vol. 6, pp.146-147.

صفحات میانی و پایانی نسخه ۱۱۹۰ مشتمل بر برخی نکات مهم دیگر نیز هست که مرحوم امتیاز علی عرشى، دقتی به آنها نکرده است. میکروفیلمی از نسخه اخیر در دانشگاه تهران موجود است و مرحوم دانش پژوه به برخی از این موارد اشاره کرده است که اهمیت خاص خود را دارد و اطلاعات جالب توجهی در خصوص کاشان و توجه عالمان آن به موازیت کهن امامیه دارد و گاه اشعار فارسی نیز در این میان آمده است. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلیم های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۶۳ ش)، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۸. در گذشته هنگامی که دانشگاه تهران میکروفیلیم های از کتابخانه ها درخواست می کرد، هنگام دریافت تمام آنها را در کنار هم قرار می داده اند، از این رو مجموعه اخیر مشتمل بر برخی سفارش های از کتابخانه رضا رامپور است و مشتمل بر چند نسخه با شماره های مختلف است. باتشکر از دوست گرامی آقای دکتر جواد بشری که این مطلب را متذکر شدند چرا که برای من عجیب بود مجموعه معرفی شده تاریخ کتابتهای دارد که از قرون مختلف است.

۲. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۴۷۰ مجموعه ای مشتمل بر چهار اثر به نام های الکشف و نکت المعانی و الاعراب و علل القراءات از علی بن حسین باقولی مشهور به جامع العلوم (متوفی ۵۴۳)؛ الوجوه و

النظائر ابو هلال حسن بن عبدالله عسکری؛ تلخیص البیان فی مجاز القرآن شریف رضی (متوفی ۴۰۶) و الاستدراک علی کتاب الحجۃ از جامع العلوم در دست است که محمد بن حسن بن محمد حافظ رهقی کتابت کرده است. وی کتاب نخست را در روز جمعه نیمه شوال ۵۴۲ در آبه، کتاب دوم را در دهه آخر ربیع الاول ۵۴۷ در همان آبه و کتاب سوم را در روز جمعه ۲۹ رجب ۵۴۷ کتابت کرده است. وی کتاب سوم را بعدها با نسخه‌هایی که از آن سید ضیاء الدین تاج الاسلام ابوالرضا فضل الله بن علی بن عبدالله حسنی راوندی بوده در شهر راوند در سلخ جمادی الآخرة ۵۶۴ مقابله کرده است (قابلت هذه النسخة بالأصل الذي كان لمولانا الأمير السيد الإمام الأجل، العالم الزاهد، ضیاء الدین، تاج الإسلام، أبی الرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله الحسنی الراوندی دامت أيامه، بمدينة اندوز و هی قاسان، فی سلخ جمادی الآخرة سنة اربع و ستین و خمسمائة حامداً مصلياً. بنگرید به: السيد عبدالعزيز الطباطبائي، «المتبقي من مخطوطات نهج البلاغة حتى نهاية القرن الثامن»، ص ۴۷) در چند جای نسخه تملک مالک بعدی با امضاء «صاحبه و مالکه العبد مطهر بن اسحاق بن موفق بن محمد الحموی اصلح الله شأنه» آمده است. تصویری از این مجموعه به شماره ۱۵۱ در مرکز احیاء میراث اسلامی نیز موجود است (بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری و سید صادق حسینی اشکوری، فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی (قم، ۱۳۷۷ ش/ ۱۴۱۹)، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۱). آثار سید مرتضی و شریف رضی در مراکز علمی دیگر ایران چون نیشابور کاملاً شناخته شده بوده است. به عنوان مثال یکی از عالمان زیدی نیشابور نقدی محترمانه بر کتاب المنقح سید مرتضی در مسئله اعتقاد به امام عصر عجل الله فرجه نوشته است که نسخه مهمی از آن باقی مانده است. در مکتبه الغریبه جامع کبیر صنعاء مجموعه ۳۱۸۹، توسط خود مرتضی بن سراهنگ حسینی مرعشی کتابت شده، مشتمل بر چند اثر است که عبارتند از: النقض المکتفی علی من یقول بالإمام المختفی از ابوالقاسم محمد بن احمد بن مهدی حسنی؛ شرح حال حکم؛ کتابی در علم فرائض از عبدالعزیز بن عبدالجبار کوفی؛ فوائد مختلف و اشعار و پایان آن کتاب فی الصرف به زبان فارسی از ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری (متوفی ۴۹۴) نویسنده تفسیر مشهور سوراآبادی (بنگرید به: فهرس المخطوطات الیمنیة لدار المخطوطات و المکتبه الغریبه بالجامع الکبیر صنعاء، ج ۲، ص ۱۸۴۶). مجموعه اخیر توسط مرتضی بن سراهنگ در سال ۶۰۵ هنگام تحصیل یا حضور وی در نیشابور کتابت شده است. وی در انجامة کتاب النقض المکتفی نوشته است: «تمت الرسالة بتوفیق الله و عونہ ببلدة شاذیاخ عمرها الله فی مدرسة السيد الإمام مجد الدین یحیی بن إسماعیل الحسینی - قدس الله روحه - سابع من جمادی الأولى سنة خمس ستمائة (کذا) علی يد العبد المذنب المرتضی بن سراهنگ الحسینی الرازی تجاوز الله عن سیئاته کتبه حامداً لله عزوجل علی آلائه و مصلیاً علی محمد خیر أنبیائه و علی آله و أصحابه». این مطلب که مرتضی بن سراهنگ از خود به رازی یاد کرده نشان از تولد و اقامت او در شهر ری دارد و از سوی دیگر نشانگر آن است که وی پیش از ۶۰۵ به نیشابور رفته و در مدرسه عالم زیدی مجد الدین یحیی بن اسماعیل حسینی اقامت داشته است. کتاب النقض المکتفی که وی کتابت کرده، ردیه ای بر کتاب المقنع سید مرتضی است که محمد بن احمد حسنی از شاگردان امام زیدی ابوطالب هارونی (متوفی ۴۲۴) تألیف کرده است. در صفحه عنوان رساله النقض المکتفی نیز مطالبی آمده که اهمیت تاریخی دارد (النقض المکتفی علی من یقول بالإمام المختفی عن السيد الإمام أبی القاسم محمد بن أحمد بن المهدی الحسینی سقی الله ثراه و طیب مثواه؛ مالکه العبد... أعانه الله علی حفظ معانیه و غفرله و لوالديه آمین. الحسینی المرعشی الرازی تاب الله علیه

سید ابوالرضا راوندی پیش از ۵۱۱ سفری به بغداد داشته و در آنجا ضمن دیدار با برخی عالمان، نسخه های مختلف و اصل آثار سید مرتضی و شریف رضی را کتابت کرده و با خود به اصفهان آورده است. مطلب اخیر در ضمن شرح حال وی نیامده اما بر اساس اطلاعی که در انجامة چند نسخه کهن نهج البلاغه آمده، قابل بیان است. احمد بن ابوطالب بلکوبن ابی طالب ابن علی آوی از شاگردان علامه حلی، در اصفهان و به سال ۷۲۳ نسخه ای از نهج البلاغه یافته که سید ابوالرضا راوندی در سال ۵۱۱ آن را از روی نسخه اصل که علی القاعده باید در بغداد بوده باشد، کتابت کرده است. نسخه اخیر اساس کتابت چند نسخه دیگر نهج البلاغه بوده و اطلاع اخیر در انجامة آنها تکرار شده است از جمله نسخه ۲۷۳ و ۴۱۶۱ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی که هر دو کتابتی از نسخه ابن بلکوهستند.^۱ در پایان نسخه ۲۷۳

بتاریخ منتصف ربیع الآخر سنة خمس ستمائة (کذا) بحضرة شاذیخ حامد الأربه ومصلياً علی نبیه خاتم الأنبياء و علی آله و أصحابه). مرتضی بن سراهنگ مرعشی حسینی رازی در سال ۶۲۴ به ین رفته و در آنجا با یکی از دختران امام زیدی المنصور بالله عبدالله بن حمزه ازدواج کرده و تا آخر عمر در همانجا اقامت داشته و در گذشته است. بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، چند جستار در تاریخ فرهنگی زیدیان طبرستان (تهران: شب افروز، ۱۳۹۴ش)، ص ۷۸-۷۹.

۱. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳-۱۴۴. متأسفانه در معرفی نسخه های مذکور در فهرست کتابخانه تاریخ ۵۱۱ که سید ابوالرضا راوندی در آن زمان از کتابت نسخه نهج البلاغه فراغت حاصل کرده، از قلم افتاده است. بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی مدظله العالی (قم، ۱۳۵۴ش/۱۳۹۵)، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۰۳؛ همو، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی مدظله العالی (قم، ۱۳۶۴ش)، ج ۱۱، ص ۱۷۴. مشکل ذکر عدم اشاره فهرستگاران به مطالب مختلف در انجامة هنگام معرفی نسخه های خطی نهج البلاغه باعث می شود که جز با رویت نسخه نتوان درباره اهمیت آنها سخن گفت. برای مثال بنگرید به نسخه های مختلف نهج البلاغه موجود در موزه عراق (المتحف العراقي) که به صورت بسیار موزج در فهرست معرفی شده اند. بنگرید به: اسامة نقشبندی و ظیماء عباس، مخطوطات الأدب فی المتحف العراقي (کویت: ۱۹۸۵/۱۴۰۶)، ص ۶۴۲-۶۴۵. نسخه ۲۶۱۹۶ نهج البلاغه متحف عراقی نیز بر اساس نسخه ابن بلکو کتابت شده باشد و بیشتر در تمکک حسین علی محفوظ بوده و گزارش تفصیلی از آن را سید محمد حسین حسینی جلالی در کتاب دراسة حول نهج البلاغة، ص ۹۷-۱۰۱ آورده است. نسخه شماره ۳۷۸۴ که محمد بن حسن بن محمد بن عباس قمی در ۵۵۶ کتابت کرده و بعدها آن را بر فضل الله بن علی حسنی در ۵۷۱ خوانده از نسخه های مهم نهج البلاغه است که در این فهرست معرفی شده است.



عبارت کاتب درانجامه چنین است:

«صورة خاتمة المنتسخ: وفرغ من تحرير هذه النسخة ابوالفتوح احمد بن ابى عبدالله بلکوبن ابى طالب الآبى باصفهان سادس شهر جمادى الاولى من ثلاث وعشرين وسبعمائة حامداً لله تعالى ومصلياً على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً رب اختم بالحسنى وقد انتسخت هذه النسخة من نسخة صحيحة هي خط السعيد المغفور فريد عصره ووحيدده دهره السيد الامام ضياء الدين ابى الرضا فضل الله بن على بن عبيد الله بن محمد الحسنى الراوندى تغمده الله برحمته نسخها فى سلخ ربيع الاول سنة احدى عشر وخمسائة من نسخة هي خط السيد الاجل ذى المفاخر والمعالي ذى الحسين ابى الحسن محمد بن طاهر الاوحد ذى المناقب ابى احمد الحسين بن بن موسى بن محمد بن موسى بن ابراهيم بن ابى ابراهيم موسى الكاظم الموسوى جامع الكتاب رضى الله عنه ووصلى الله على آبائه الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً قد فرغ من تحريره وتنميقة بعون الله وتوفيقه اقل المخلوقين عبادة و اكثرهم معصية واخفضهم قدراً ومنزلة واقبحهم آثاراً واشنعهم افعالاً المحتاج الى عفوره ابن محمد شفيع محمد صادق اليزدى جعله ذخرآله وغفر له ولوالديه...».

نسخه كهنى از نهج البلاغه نیز در کتابخانه رضا در شهر رامپور به شماره ۱۱۹۰ (برگ های ۸ الف - ۱۶۹ الف) موجود است که در ۵۵۳ توسط عبدالجبار بن حسین بن ابى القاسم حاجى فراهانى زمانى که سيد ابوالرضا راوندى برای استراحت به روستای جوشقان رفته، از روى نسخه وى کتابت شده جزآنکه در این نسخه، کاتب اشاره‌ای به اینکه نسخه اساس کتابت او که نسخه نهج البلاغه همراه ابوالرضا بوده، در چه سالی یا از روى کدام نسخه کتابت شده، نکرده اما مشخص است که نسخه اساس کتابت همان نسخه ای باید باشد که ابوالرضا در سال ۵۱۱ در بغداد از روى نسخه اصل کتابت کرده است. نسخه موجود ۱۱۹۰ در کتابخانه رضا مشتمل بر کتاب خصائص الأئمة نیز هست (برگ های ۱۷۲ ب - ۲۱۱).^۱ اعقاب سيد

۱. همچنين بنگريد به: السيد عبدالعزيز الطباطبائي، «المتبقي من مخطوطات نهج البلاغه حتى نهاية القرن الثامن»، تراثنا، السنة الأولى، ۱۴۰۶، ص ۴۳-۴۴، ۷۱. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۳۴۴ نسخه ای کهن و کتابت شده از نهج البلاغه در رجب ۶۶۰ موجود است که کاتب نام خود را ابو جعفر محمد بن

ابوالرضا راوندی باید نسخه‌ی اخیر و کتابخانه‌ی او را همچنان در اختیار داشته‌اند و دانسته‌است که نوّه‌ی دختری او، یعنی حسن بن محمد بن عبدالله بن علی جعفری حسینی در ۶۳۱ از کتابت نسخه‌ی از نهج البلاغه فراغت حاصل کرده‌است که علی القاعده و به احتمال بسیار باید کتابتی از همان نسخه‌ی جدش ابوالرضا راوندی باشد.^۱

بعد از خصائص الائمه در برخی صفحات نسخه مطالب دیگری نیز توسط کاتب نسخه آمده‌است. مثلاً شعری که بر دیوار رباطی بیرون شهر کاشان نوشته شده: «قرأت علی جدار فی الرباط خارج مدینة قاشان:

گر عدل کند شوم به یک باره هلاک	گر عفو کند ندارم از عالم باک
مشتی خاکم چی آید از مشتی خاک	روزی صدره بگویم ای صانع پاک
چون بیم شما راست فراموشی به	چون پر خطر است راه درویشی به
چون ننیوشند حدیث خاموشی به	چون کار به قسمت است کم کوشی به

همچنین الرسالة الاهوازیه فی مکارم الاخلاق با سلسله سندی متصل این گونه نقل شده است: «رسالة لمولانا ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام الی عبدالله بن النجاشی رحمه الله فی مکارم الاخلاق، بسمله؛ روی الشیخ العدل محمد بن یعقوب رحمه الله

محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی معرفی کرده و مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی معتقد است که وی به احتمال بسیار زین الدین ابوجعفر محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی قمی شاگرد سید ابوالرضا راوندی است. بنگرید به: «المتبقی من مخطوطات نهج البلاغه حتی نهاية القرن الثامن»، ص ۷۹. نسخه ۱۱۹۰ کتابخانه رامپور همچنین اطلاعاتی درباره کاشان قرن ششم دارد.

۱. افندی (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۶۴-۳۷۴) شرح حال نسبتاً مبسوط ابوالرضا راوندی را آورده اما تصریح روشنی به نقش مهم وی در روایت آثار شریف رضی و سید مرتضی و یا سفر راوندی به بغداد در ۵۱۱ نکرده‌است. تفتن به سفر راوندی به بغداد از نکات مورد اشاره مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی است (بنگرید به: همو، «نهج البلاغه عبر القرون: شروحه حسب التسلسل الزمني»، ترائنا، سال نهم، ربیع الثانی - رمضان ۱۴۱۴، شماره دوم و سوم، ص ۱۶۰، ۱۷۱). افندی نسخه‌ی از نهج البلاغه دیده که اجازه‌ی بر آن بوده و افندی آنچه که از متن اجازه قابل خواندن بوده، آورده‌است. افندی معتقد است که اجازه را ابوالرضا راوندی داده و کاتب نسخه به درستی نام او را نخوانده و ابوالفضل ذکر شده بدخوانی از ابوالرضا است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص

قال انا محمد بن جعفر الاسدی رحمه الله .. ما بنداد قال انا ادريس بن زياد عن عبيد الله بن سليمان النوفلي البصرى قال كنت عند ابي عبد الله عليه السلام فاذا انا بمولى عبد الله بن النجاشى ورد عليه بكتابه فسلم عليه واوصل الكتاب ففضه...». رساله اهوازيه در روز پنجشنبه چهاردهم محرم ۵۴۴ در مسجد جامع کاشان توسط همان خوجماني کتابت شده است (.. و فرغ من كتبه يوم رابع العشرين محرم سنة اربع و خمسين و خمس مائة فى المسجد الجامع بقاسان عمرها الله بيقاء مولانا الامير الاجل السيد العابد الزاهد ضياء الدين تاج الاسلام سلطان العلماء ابي الرضا فضل الله بن على بن عبيد الله الحسنى الراوندى اطال الله بقاه و ادام رفعتہ داعياً له بالخير). در پایان آن نیز آمده است: حدثنا الشيخ الحافظ حاكم الدين زين الحافظ خادم حديث رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ابو عبد الله النطنزى - ادام الله نعمائه - املاء فى المسجد الجامع بقاسان يوم الاربعاء العشرين من جمادى الاول سنة ... مائة قال اخبرنى القاضى اسفنديار بن رستم الغازى فيما قرأت عليه قال نام ابو الرجا بن بدار بن بانى (?) قال انا ابوسعيد الحسين بن على بن سهلان...» و در پایان اشعاری از شخصی که ابوالرضا راوندی برای کاتب نسخه خوانده است (انشدنى مولانا الامام ضياء الدين ادام الله ظله لغيره...). نسخه بعدها در تملک شخصی به نام ابوعبدالله اصفهانی در ۸۶۶ بوده است. در پایان نهج البلاغه نیز شعرهای عربی ناصح الدين ابوجعفر محمد حافظ آمده است: «للاخ ناصح الدين ابى جعفر محمد انشدنى الحافظ:

الموت لا ولادا يبقی ولا ولادا هذا السبيل الى ان لا ترى ابنا
للموت فينا سهام غير مخطئة من فاته اليوم سهم لم يفته غدا

ترجمتها:

بسیار مگود لا کی سوذی نکند و رجهد کسى بسى نموذی نکند
چون جان تو صد هزار برهم نهد او و آتش زند اندر آن کی دودی نکند».

سپس شعرابن نباته از روی نوشته ضیاء الدین تاج الاسلام دربارهٔ وداع ماه رمضان^۱ در قرن هشتم تا آغاز قرن دهم، استرآباد - گرگان کنونی - به عنوان یکی از مراکز مهم علمی شیعیان ایران است و عالمان فراوانی از این شهر می شناسیم که به جبل عامل و عراق عرب مهاجرت کرده و پس از تحصیل علم به شهر و زادگاه خود بازگشته اند. اطلاعات فراوانی در خصوص مراکز گفته شده در انجامة نسخه های خطی آمده که استخراج و بررسی آنها کاری است لازم و ضروری. تحلیل و بررسی چنین مسائلی در نبود اثری تاریخنگارانه یا تاریخ نگاری های محلی مربوط به شهرهای مذکور یا وجود تحریرهای ناقص از آثار تاریخی محلی چون نسخه ناقص تاریخ قم از شیعیان امامی منطقهٔ عراق عجم برای محققان بسیار مغتنم است. به عنوان مثال دربارهٔ برخی از افراد خاندان فتحان قمی که نامشان در انجامة یا تملک نسخه های خطی آمده، می توان به این موارد اشاره کرد که نشانگر علائق فکری آنها نیز می باشد:

در کتابخانهٔ مدرسهٔ جعفریهٔ شهر قائن به شمارهٔ ۱۵۲ نسخه ای از کتاب شرح طوابع الانوار موجود است که تملک ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله به سال ۸۹۶ با مهر دائری «المتوکل علی الله الحافظ عبده ابراهیم بن عبدالله الواعظ» دارد و او کتاب را بعدها به نوهٔ خود وجیه الدین ابی العلاء عبدالله در صفر ۹۲۸ بخشیده است (هو؛ هذا الكتاب حق للأعز الاغر الذی اسئل الله ان يطول عمره فی تحصیل الكمالات و المعارف و السعادات و وجیه الدین ابی العلاء عبدالله انبته الله نباتاً حسناً و ایده بمحمد و اله... له کتبه جده ابراهیم فی صفر سنة ۹۲۸). ابراهیم بن عبدالله در سال ۸۹۶ کتاب را بدست آورده و در تملکی چنین نوشته است: «دخل فی نوبة الفقیر الی الله سبحانه ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله کتبه فی سنة ۸۹۶». بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه های قائن، ص ۱۳۲-۱۳۳ که تصویری از صفحه تملکات نسخه نیز آمده است. این کتاب بعدها به دست شخصی به نام سلطان محمود قاینی افتاده است (انتقل الی العبد الاقل سلطان محمود القائینی).

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش)، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۲۸. از دوست گرامی آقای دکتر جواد بشری که میکروفیلم این نسخه را در اختیارم قرار داد، سپاسگزارم.

نسخه ای از مجمع البیان به شماره ۳۲۹۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله بن عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک واعظ کتابت کرده و در روز دوشنبه هشتم جمادی الثانی ۹۲۰ از استنساخ آن فراغت حال کرده و مهر روی با سجع «المتوکل علی الله الحافظ عبده ابراهیم بن عبدالله الواعظ» نیز بر آن هست (فهرست مرعشی، ج ۹، ص ۷۹). خاندان فتحان از خاندان های اصیل و بیوتات قم در میان استیلای مغول تا اوایل عصر صفوی است که دانشمندانی از آن برخاسته اند که از جمله نیای خاندان فتحان (فتح الله در تعبیر متداول قمی که به صورت فتحان تلفظ می شود) واعظ قمی که نامشان در شماری از اجازات و تملکات باقی مانده است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، «خاندان فتحان»، قیامت (مجموع مقالات درباره قم) (نیوجرسی، انتشارات زاگرس، ۱۳۸۶ش)، ص ۷-۳۶ و ذیل مقاله مذکور با عنوان «مدارک نویافته درباره خاندان فتحان» در همان، ص ۳۷-۴۸. ابراهیم فرزندی به نام محمد داشته که تملک او بر در آغاز نسخه ایضاح فخر المحققین در دانشگاه تهران شماره ۵۲۳۷ آمده است (دخل فی نوبة العبد الأقل محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله بن عبدالملک بن اسحق المذكور من قبل، حرره متوکلاً علی ربه). نسخه ای کهن از کتاب روض الجنان / تفسیر ابوالفتح رازی به شماره ۳۶۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که زمانی در تملک شمس الدین اسحاق بن عبدالملک بن فتحان بوده و دست خط او به تاریخ صفر ۷۷۳ بر نسخه آمده است (صار فی نوبة العبد الحافظ اسحق بن عبدالملک (بن) فتحان الواعظ احسن الله عواقبه (بالمبايعه) الشرعية من صاحبه فی ص... ثلاث و سبعین و سبعمائة الحمد لله رب العالمین). در حاشیه برگ تملک آمده که در سال ۷۷۳ شمس الدین اسحاق برای زیارت آستان قدس رضوی عاشقاً به خراسان رفته و در سبزوار نزد دانشمند شهر یعنی تاج الدین حسن شیعی سبزواری نسخه حاضر را دیده و از او خریداری کرده است. نسخه اخیر در تملک خانوادگی آنها بوده و بخشی از عبارت در خصوص تملک نسخه که سالم مانده، چنین است:

«هو واهب العطايا مما اعطاني جلّ جلاله و عمّ نواله ذلك الكتاب المبارك بالارث الشرعی وفيه خط ... اشتری ... شمس الدین إسحق المذكور اسمه و اسم ابيه و جده رحمهم الله تعالی

هذا الكتاب من مولانا الاعظم المغفور تاج الدين حسن الشيعي السبزواري رحمه الله بالمبايعة الشرعية... بلدة سبزوار حماها الله مع اهلها عن الآثام والاوزار حين توجه الى زيارة الحضرة المقدسة الرضوية عليه اطايب السلام والصلوة من الله الملك العلام في صفر سنة ثلث و سبعين و سبعمائة كما كتب بانامله الشريفة، ثم انتقل الى ابنه المخدوم العلامة المبرور رضی الدين عبد الملك طاب ثراه، ثم انتقل منه الى ابنه المرحوم العلامة المغفور علاء الدين فتح الله جعل الجنة مثواه ثم انتقل منه الى العبد المذنب المفتقر الى رحمة الله عبد الله ثم انتقل منه الى ابنه الاعز رضی الدين ابراهيم طالب الله عمره بمحمد وآله ثم انتقل الى ابنه الاعز علاء الدين اسحاق... طال عمره...».

کاتب نسخه روض الجنان ابوسعید بن الحسین الکاتب بیہقی است کہ در روز یکشنبه ۱۲ صفر ۵۹۵ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. برای معرفی نسخه بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹.^۱

۱. عالمان امامی و شیعیان در طول تاریخ به مشهد سفر می کرده اند و مدتی را در آنجا اقامت می گزیده اند جز آنکه اطلاعات مربوط به سفر به مشهد در منابع کمتر ثبت شده است اما در حواشی نسخه های خطی می توان اطلاعاتی در این خصوص یافت. به عنوان مثال در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۵۴۷۷ نسخه ای از کتاب مجموعه ورام است که کاتب عاملی آن در آخر آن گفته است:

«تم الكتاب بعون الملك الوهاب بقلم العبد الفقير الى الله تعالى حسن بن محمد العاملي التبنيني ضحوة نهار السبت الثاني والعشرين من شهر ربيع الآخر من شهور سنة ثلاثة وثمانين وتسعمائة بالمشهد الرضوي على مشرفه افضل الصلاة والتسليم بحق محمد وآله الطيبين الطاهرين». درباره مکان های مذهبی مشهور در برخی شهرهای ایران به نام چهل اختران یا چهل دختران چون مزار موجود در شهر قم، گلپایگان و یا کاشان (که به چهل دختران مشهور است. بنگرید به: پرویز رجبی، کاشان نگین انگشتی تاریخ ایران، ص ۱۶۵-۱۶۷) به نحو دقیق نمی توان اظهار نظر کرد، چرا که اسناد تاریخی درباره این امکان وجود ندارد. یک احتمال ضعیف آن است که مزارهای مذکور مربوط به اعراب مسلمان قرن اول باشد که در جریان فتوحات شهرهای ایران در همان مناطق کشته شده اند و به خاک سپرده شده اند. می دانیم که چنین مزاراتی سخت مورد توجه بوده اند و به عنوان مزاراتی مقدس مورد زیارت قرار می گرفته اند. بعدها و در پی تحولات مذهبی ایران از تسنن به تشیع، مقامات مذکور با تغییر یافتن هویت تاریخی همچنان مورد توجه باقی مانده اند. در شهر نیشابور، محله ای به نام شاهنبریا شهید انبار وجود داشته که سمعانی (متوفی ۵۶۲) آنرا مکان دفن گروهی از غزات مسلمان دانسته است که در جریان فتح نیشابور به قتل رسیده بودند (بنگرید به: سمعانی، الانساب، تحقیق عبدالله عمر بارودی (بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸/۱۹۸۸)، ج ۳، ص ۳۹۳). مکان های مشهور به چهل اختران یا چهل دختران که باید اختران

کاستی‌های موجود در سنت تراجم نگاری و البته متأخر بودن آن در مواردی با مراجعه به نسخه‌های خطی قابل جبران است. به عنوان مثال درباره عالم برجسته شیعی تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزه فوعی (متوفی ۹۲۷) از سادات بنوزهره حلب اطلاعات موجود در کتابهای تراجم اندک و حتی نام درست وی «جعفر» نیز ذکر نشده و او به صورت تاج الدین محمد بن حمزه بن جعفر بن زهره فوعی حلبی معرفی شده است. خوشبختانه اجازه ای بلند از او نیز در دست است که در آن برخی طرق روایی خود را نیز متذکر شده است. حافظ حسین کربلائی در اشاره به تاج الدین حلبی به عنوان یکی از مشایخ اجازه سید شهاب الدین عبدالله بن احمد حسینی حسنی مشهور به لاله (متوفی ۹۴۷) نوشته است:

«و همچنین بخدمت سیادت پناه، نقابت دستگاه، العالم العامل الکامل النسابة تاج الدین الحلبي - روح الله روحه - مشرف گشته اند که مشارالیه از طبقه سادات معتبر عالمند و در علوم نیز رتبه عالی داشته خصوصاً عربیت و منقولات و از علم نسب و فقه و احادیث و ادعیه بطریق اهل بیت طاهرین، كما ورد فی شأنهم فی کتاب العزیز: ﴿انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً﴾ (احزاب ۳۳) گذرانیده و سیادت پناه مشارالیه جهت خدام حضرت امیر شهاب الدین عبدالله - رحمه الله - بعضی از ادعیه و احراز و حجب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات ائمه اثنی عشر علیهم السلام نوشته اند و در آخر به تقریب کتابت آنها اجازه نوشته اند و در نوشتن آن کمال ادب را مرعی داشته اند، تیمناً و تبرکاً آن اجازه را نیز می نویسد، والله الموفق والمعین.

«تمت الاحراز و الحجب و الادعیه للنبی المختار و الائمة الاطهار - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الی یوم الدین - بکرة نهار الجمعة المبارکة فی الیوم العشرین من شهر شوال المیمون سنة اثنی عشر و تسعمائة بمدينة تبریز المحروسة و کتبت تذکرة للدعاء و تیمناً و تبرکاً و تشرفاً برسم المولی المعظم المکرم و الاکرم المقدم الاقدم، السید السند و الکهف المعتمد، ملاذ العلماء، مرجع الفضلاء، کنز الفقراء،.... أبی العباس احمد.... ابن السید المرحوم المبرور.... ابن السید الحسیب

تبدیل دیگری در گذر زمان از دختران باشد، گاه به عنوان مزار سادات شناخته می شود. باید توجه داشت که به دلیل نبود سند روشن تاریخی گمان ذکر شده تنها در حد حدسی است که بیان شد.

النسیب، شمس الدین محمد... أبی ابراهیم موسی کاظم علیه السلام ...

أقول: ان هذه الاحراز والحجب والدعوات النبوية والامامية يحتاج صاحبها الى الاجازة من العلماء لأنها مشتملة على أحاديث وروایات مثبتة في كتب الاحاديث والخبار والروایات متصلة رواها بالائمة السادات، منتهية الى الحضرة المحمدية صلوات الله وسلامه عليها... أنى قد أجزت لسيدنا المشار اليه جميع هذه الاحاديث.. بجمع طرقى الى الائمة الهدى... وطرقى اليهم كثيرة لا يحتمل هذه النبذة حصرها ولكن أذكر منها طرفاً مختصرة. فمن طرقى الى الشيخ السعيد أبى عبد الله الشهيد شمس الدین محمد بن مكى - قدس الله سره - عنى عن الشيخ زين الدين على عن الزردباوى عن الشيخ الشهيد المشار اليه ومن طرقى عنى عن والدى جدى عن الشيخ الشهيد - مراد ازوالدى جدى محمد بن محمد بن عبدالمحسن بن زهرة فوعى است - عن الشيخ الشهيد ومن طرقى عنى عن الشيخ عزالدین حسين بن عبدالعالى - ظاهراً مراد محقق كركى است - عن والده - شاهدى مهم براينكه پدر محقق كركى از اهل علم بوده است - عن جده عن الشيخ الشهيد....

قال ذلك جميعه وكتب تاج الدين بن محمد بن حمزة بن عبد الله بن محمد ابن محمد بن عبدالمحسن بن الحسن بن زهرة بن الحسن بن حمزة بن على بن زهرة ابن على بن محمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن الحسين بن اسحاق المؤمن ابن الامام أبى عبد الله جعفر الصادق... الاسحاقى الحسينى النقيب النسابة الحلبى (...).^۱

مرحوم آقا بزرگ مجموعه اى مشتمل بر مفتاح كنوز الاسماء والذخائر از شهاب الدين احمد بن هلال عارف را ديده كه تاج الدين جعفر بن محمد بن حمزة بن حسينى فوعى در پگاه (بكرة) روز دوشنبه سوم رجب ۸۹۲ از كتابت آن فراغت حاصل کرده و مشتمل بر شرح

۱. بنگريد به: حافظ حسين كربلايى، روضات الجنان و جنات الجنان، با مقدمه، تكملة تصحيح و تعليق جعفر سلطان القرائى (تبريز، ۱۳۸۳ ش)، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۵. مصحح مرحوم در بيان طريق تاج الدين به شهيد اول از آباءش (ومن طرقى عنى عن والدى جدى) تغييرى داده و آن را به صورت «ومن طرقى عنى عن والدى عن جدى عن الشيخ الشهيد»، تصحيح کرده اند كه با توجه به آنكه سيد شمس الدين ابو عبد الله محمد بن محمد بن زهره حسينى حلبى شاگرد شهيد بوده و در دوازدهم شعبان ۷۵۷ از او اجازة گرفته، عبارت همانگونه كه در اصل بود، نوشته شد.

بیتی از قصیده بوسیری از همان شهاب الدین نیز بوده که تاج الدین جعفر در همان سال کتابت کرده است (الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۲۸-۱۲۹، ج ۲۱، ص ۳۴۴؛ طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع في القرن التاسع، ص ۱۲۹ که در هر دو نام او به خط تاج الدین محمد بن حمزة بن زهرة حسینی فوعی آمده است. نسخه ای را که مرحوم آقابزرگ در نجف دیده، سید محسن امین نیز در اعیان الشيعة، ج ۳، ص ۲۰۰، نیز دیده امانام را به صورت صحیح تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزة حسینی فوعی آورده است). وی تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزة بن عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدالمحسن بن الحسن بن زهرة بن الحسن بن عزالدین ابی المکارم حمزة الحسینی است که شرح حال وی را ابن حنبلی در در الحجب چنین آورده است:

«الإسحاقی الحلبي، ثم الفوعی - عم جدی لأمی - القاضي شهاب الدین أحمد المتقدم ذكره كان شيخاً كبيراً معمرأ رحل إلى بلاد العجم، وحصل بها جانباً من العلم والمال وبقي بها غائباً قريباً من سبع عشرة سنة وعنى بعلم الأنساب، فكان نسابة عارفاً بها جداً، يدعى أن عنده كتاب مسمى ببحر الأنساب على تشيع عنده به. وكان لأهل الفوعة فيه مزيد الاعتقاد حتى انتصبوا معه لعداوة خالی الشریف شرف الدین عبدالله - الآتی ذكره - وكادوا يتقتلونه ولما عاد من بلاد العجم حسن عند خالی أن يتوجه إليه ويسلم عليه ففعل، فمادنا خالی منه في ملاء عظیم من أهل الفوعة مديده إلى عمامته فنقضها وحقره فيما بينهم، وسلط عليه من واجهوه بالسيوف نهراً فلم يمكنه الله تعالى عنه ثم كانت وفاته سنة سبع وعشرين وتسعمائة». ابن حنبلی، در الحجب فی تاریخ اعیان الحلب، ج ۱، قسم اول، ص ۴۰۹-۴۱۰ (محمد راغب طبایح حلبی در کتاب اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، صححه وعلق عليه محمد کمال (حلب: دار القم العربی، ۱۴۰۹/۱۹۸۹)، ج ۵، ص ۴۰۱ در شرح حال تاج الدین جعفر تنها همان مطالب ابن حنبلی را آورده است).

تاج الدین جعفر بن محمد فوعی در سال ۹۱۲ به هنگام حضور در تبریز اجازه روایتی به سید شهاب الدین عبدالله بن احمد حسینی موسوی از سادات لاله داده که متن اجازه را حافظ حسین کربلائی در روضات الجنان، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۵ به همراه مطالب دیگری نقل کرده که در مقدمه به آن اشاره و متن آن نیز نقل شد. تاج الدین جعفر در سال ۹۲۵ در حاشیه

مشجرهٔ انساب سید حسین بن ابی الحسن موسوی، ضمن تأیید مشجرهٔ نسب او، اجازهٔ روایت نیز به او داده و به محلّ اقامت خود یعنی دمشق نیز در متن اجازه تصریح کرده است. تعبیر به کاررفته در اجازهٔ تاج الدین نشانگر آن است که سید حسین بن ابی الحسن فردی میان سال باید باشد و براین اساس تاریخ ۹۰۶ که مرحوم شرف الدین و به نقل از هموسید حسن صدر در تکملة امل الآمل به عنوان زمان تولّد سید حسین بن ابی الحسن آورده اند، نباید صحیح باشد. همچنین با توجه به اینکه فرزند سید حسین بن ابی الحسن، یعنی سید نورالدین علی بن حسین بن ابی الحسن با دختر شهید ثانی ازدواج کرده و صاحب مدارک حاصل این ازدواج در سال ۹۴۹ به دنیا آمده، شاهد دیگری است بر اینکه تاریخ ۹۰۶ صحیح نیست. متن اجازهٔ تاج الدین جعفر که به لطف دوست عزیز سید علاء الموسوی در اختیارم قرار گرفته، چنین است:

«العبد الفقیر ابو عبد الله تاج الدین النقیب احببت ان الحق فروع بنی زهرة بهذا السفر الطاهر الجامع للفروع الموسویة الحسینیة المعظمة متبرکاً ببیت سیدنا العالم الجلیل الرئیس ابی الحسن الموسوی العاملی و سلالته الطاهرة من العلماء و الأجلاء و لا سیّما السید عزالدین الحسین - ائده الله بتأییده و عفی عنه - وقد اجزته بالروایة عنی فی جمیع ما رویه عن مشایخی الکرام و آبائی الأبرار و قد اجازنی بما رویه عن مشایخه الکرام و آبائه العظام. کتبت الجمعة الخامسة من شهر رجب المظفر سنة خمس و عشرين و تسعمائة بالشام دمشق و صلی الله [علی] سیدنا محمد و آله الطاهرين و الحمد لله رب العالمین».

در کنار آن مهر دایره ای شکل با سجع جعفر بن محمد بن زهرة الحسینی نیز آمده است. این مطلب که نام وی جعفر است و تاج الدین کنیه و شهرت اوست تقریباً در اکثر منابع نیامده است. در کتابخانهٔ مرحوم علامه سید محمد علی روضاتی رحمته الله مجموعه ای مشتمل بر الرسالة الیونسية فی شرح المقالة التکلیفیه تألیف زین الدین علی بن محمد بن علی بن محمد بن یونس عاملی بیاضی کتابت شده و تاج الدین از کتابت آن در آغاز ظهر بیست و پنجم صفر سال ۹۰۲ فراغت حاصل کرده است (تمت الرسالة الیونسية فی شرح المقالة التکلیفیه ضحوة نهار الثلاثاء خامس عشرين شهر صفر الخیر سنة اثنین و تسعمائة بقلم العبد الفقیر الی رحمة ربه العلیم

القدیر جعفر بن محمد بن حمزة بن عبد الله بن زهرة الحسينی غفر الله له ولوالديه و لجميع المسلمين) و الفرائد و القلائد منسوب به ثعالبی کتابت شده در ۱۹ محرم ۸۸۸ است که کاتب آنها تاج الدین بن محمد بن حمزة بن زهرة حسینی حلبی است و تصویری از آن به شماره ف ۱۰۸۹ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۴۸ ش)، ج ۱، ص ۵۶۳ که مجموعه به شکل ناقصی معرفی شده و برخی اطلاعات آن از قلم افتاده است). مجموعه اخیر همچنین مشتمل بر المقالة التکلیفیه شهید اول است که جعفر بن محمد بن حمزة بن زهرة حسینی در ۲۵ صفر سال ۹۰۲ آن را کتابت کرده است. مجموعه روضاتی همچنین مشتمل بر الباقیات الصالحات و الکلمات النافعات فی شرح الباقیات الصالحات است که تاج الدین از کتابت الکلمات النافعات در آغاز ظهر روز پنجشنبه آخر ذی القعدة الحرام ۸۹۳ و در روستای نامطی فراغت حاصل کرده است (وقع الفراغ من کتابتها بکرة نهار الخميس سلخ ذی القعدة الحرام ستة ثلاث و تسعين و ثمانائة بقلم العبد الفقير الخائف المستجير المؤمن من ربه مغفرة تنجيه يوم يشغل كل عن فضيلته و بنیه، تاج الدین بن محمد بن حمزة بن زهرة الحسينی الحلبي الفوعی عفا الله عنه بمنه و کرمه آمین، و الحمد لله رب العالمین و ذلك بقریة نامطی). در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ض ۱۵۷۴۸ نسخه ای از کتاب الجعفریة محقق کرکی - که از تألیف آن در روز پنج شنبه دهم جمادی الثانی ۹۱۷ در مشهد رضوی فراغت حاصل کرده - موجود است که جعفر بن محمد بن زهره حسینی یعنی همین تاج الدین در دمشق و در روز پنج شنبه ششم رجب ۹۲۴ کتابت کرده و نسخه اخیر تا پیش از ۱۳۶۷ ش در دمشق بوده و پس از آن به واسطه رایزنی فرهنگی ایران در دمشق به کتابخانه آستان قدس رضوی منتقل شده است. مطالب اخیر دلالت بر اقامت تاج الدین در دمشق در سالهای پایانی عمرش - وی در سال ۹۲۷ - در گذشته دارد. در صورتی که تاج الدین در دمشق اقامت داشته، به احتمال بسیار در محله شیعه نشین خراب زندگی می کرده است. سادات بنو زهره از خاندان های عریق شیعی هستند که قرن‌ها در شهر حلب تا روزگار کنونی حضور دارند. نسخه ای از کتاب مناقب آل ابی طالب تألیف ابن شهر آشوب سروی (متوفی ۵۸۸) در حلب در دست است که جزء نخست

آن را جعفر بن احمد بن حسین بن قزویه حائری در روز شنبه ۱۶ رجب ۵۸۷ کتابت کرده و در سوم شعبان ۵۸۷ در حلّه و در مسجد امیرزاهد نجم الدین عیسی بن نصر بن مداهر مقابله شده است. جزء دوم کتاب تا بخشی از نسخه توسط همان کاتب کتابت شده اما بخشی دیگر به توسط ابوالقاسم بن اسماعیل بن عنان الکتبی و راق حلّی در اواخر رجب ۶۵۸ کتابت شده است که نشان می دهد این بخش در گذر زمان آسیب دیده و او بر اساس نسخه ای دیگر، بخش از میان رفته را مجدداً کتابت کرده است. این نسخه زمانی در اختیار موسی بن محمد بن ابی الرجار سالم بن ابی الرجاریان بن ابراهیم الفوعی مولداً و الحلّبی اصلاً بوده و مطلبی به تاریخ پنجم ربیع الآخر ۷۲۸؛ محمد بن موسی بن محمد ابن الزعفران فوعی در شب جمعه ۱۹ رجب ۷۳۶؛ حسن بن محمد بن موسی بن محمد بن ابی الرجار بن سالم یعرف باین زعفران در آخر ربیع الاول ۷۵۵؛ علی بن محمد بن موحی بن زعفران فوعی در سال ۷۵۹؛ نامی ناخوانا در ۱۲ شوال سال ۸۶۸؛ خضر بن محمد بن خضر در محرم الحرام ۸۸۶. آخرین فردی که نسخه در اختیارش بوده، تاج الدین بن محیی الدین بن تاج الدین ابن محمد ابن زهره حسینی حلّبی است که در غره رمضان ۹۸۶ مطلبی دال بر تملک نسخه نوشته است. فرد اخیر نواده تاج الدین بن محمد بن زهره حلّبی است. مطالب دیگری نیز بر نسخه آمده که خواندن آنها دشوار است. برای توصیفی از نسخه بنگرید به: جواد مقصود همدانی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان (تهران، ۱۳۴۹ ش)، ج ۱، ص ۳۱۱-۳۱۴. همچنین در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۶۷۶۷ مجموعه ای مشتمل بر نهایی الاحکام و فقه القرآن موجود است که کاتب نهایی محمد بن جعفر بن محمد بن زهره حسینی فوعی است که در دوم ربیع الاول ۹۱۰ در استرآباد از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. وی کسی جز فرزند تاج الدین جعفر بن محمد بن حمزه فوعی نیست. وی باید به همراه پدرش که در آن سالها در ایران اقامت داشته، راهی زیارت امام رضا علیه السلام بوده باشد. در پایان رساله دوم یعنی فقه القرآن او خود و پدرش را به کنیه رکن الدین بن تاج الدین بن زهره حسینی معرفی کرده و تاریخ فراغت از کتابت سیزدهم محرم ۹۱۲ در استرآباد ذکر شده است که با توجه به دو تاریخ ۹۱۰ و ۹۱۲ به نظر می رسد که علاوه بر احتمال سفر به مشهد، ممکن است که تاج الدین فوعی به همراه خانواده اش در فاصله

زمانی مذکور در استرآباد اقامت داشته‌اند و یا احتمال دارد که وی در راه بازگشت از سفر خود به خراسان بوده باشد. قدر مسلم آن است که تاج الدین در شوال ۹۱۲ در تبریز بوده است (بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱۷، ص ۳۱۴).

درباره تشیع در شام خاصه دوشهر حلب و دمشق و جبل عامل نیز می‌توان با مراجعه به نسخه‌های خطی و گاه اطلاعاتی که در میان تواریخ تألیف شده آن مناطق اطلاعاتی ریافت. در خصوص شهر حلب و خاندان بنوزهره که برخی از آنها افرادی بسیار متمول بوده‌اند و نقابت سادات شهر را بر عهده داشته‌اند، اطلاعات فراوانی وجود دارد. آنها حتی در دوره عثمانی همچنان عهده دار نقابت اشرف شهر بودند. از خاندان بنوزهره، شریف ابوالفتح مرتضی بن احمد بن محمد (متوفی ۶۵۳) که پدرش دائی ابن زهره ابوالمکارم صاحب الغنیة بود، پس از مرگ برادرش نقابت سادات شهر حلب را بر عهده گرفت، هر چند در دورانی از این مقام عزل شد اما بعدها بار دیگر عهده دار مقام نقابت شده. تمول مالی او به گونه‌ای بود که در جبل جوشن مدرسه‌ای بنا کرد. در تاریخی بعد از ۶۵۰ فقیه شیعی ابوالقاسم نجیب الدین بن حسین بن عود اسدی زمانی که در حلب بود بیشتر به مجلس سید مرتضی بن احمد می‌رفت و یکبار در مجلس او سخنانی در خصوص خلفای ثلاثه بیان کرد که سید مرتضی مجبور شد هم برای حفظ جان خود و او، وی را از شهر بیرون کند. نجیب الدین پس از آن به جزین رفت و در میانه شعبان ۶۷۹ در آنجا درگذشت. رفتار سید مرتضی باعث نجات جان نجیب الدین شد و از سوی دیگر بر مقام و منزلت او نیز که به تشیع مشهور بود، افزود. زمانی که نجیب الدین ابن عود درگذشت، فقیه دیگر عاملی جمال الدین ابراهیم بن حسام عاملی اشعاری در رثای او سرود که برخی مطالب آن مورد نقد دیگر عالم امامی جمال الدین محمد بن یحیی بن مبارک حمصی قرار گرفت (برای تفصیل مطلب بنگرید به: سبط ابن عجمی، کوز الذهب، ج ۱، ص ۳۶۱-۳۶۵). ابن عجمی (متوفی ۸۸۴) اشاره‌ای به منبع خود در خصوص مطالب اخیر نکرده اما باید آنها را از کتاب ذیل مرآة الزمان یونینی اخذ کرده باشد که تفصیل مطالب را آورده است. از فقیهان و عالمان امامی شهر حمص که در قرن ششم و هفتم جمعیت شیعی قابل توجهی داشته،

ابوالعباس احمد بن علی بن حسین بن معقل از دی مهلبی را باید نام برد که در اواخر سال ۵۶۷ در حمص دیده به جهان گشود (برای ضبط دقیق نام او و شرح حالش بنگرید به: ابن صابونی، تکملة اکمال الکمال (بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶/۱۹۸۶)، ص ۳۰۴-۳۰۸). وی در زادگاهش نزد مهذب الدین عبدالله بن اسعد مشهور به ابن دهان موصلی (متوفی ۵۸۱) دانش صرف و نحو را فرا گرفت و سپس به حلّه رفت و در آنجا نزد فقیهان امامی به تحصیل پرداخت. یک چندی نیز در بغداد بود و در مجلس درس عبدالله بن حسین عکبری (متوفی ۶۱۶) حضور داشت که شیخ نحویان عصر خود بود. ابن معقل همچنین به درس مبارک بن مبارک بن دهان ضریر واسطی (متوفی ۶۱۲) می رفته و در یکی از این مجالس ابن نجار که او نیز نزد واسطی به تحصیل مشغول بوده، او را دید و درباره تاریخ تولد وی مطالبی از او پرسید و شرح حال او را در ذیل تاریخ بغداد خود به همراه نمونه هایی از اشعارش نقل کرده است. با توجه به تاریخ درگذشت واسطی، زمان سفر ابن معقل به بغداد باید پیش از ۶۱۲ بوده باشد. ابن معقل بعدها به حلب رفت. ابن عدیم (متوفی ۶۶۰) از ورود ابن معقل به حلب در سال ۶۱۳ سخن گفته و آورده که ابن معقل را بار دیگر در دمشق به سال ۶۲۶ دیده است. ابن معقل که بغداد را به احتمال بسیار بعد از مرگ استادش واسطی در ۶۱۲ ترک کرده بود، به دمشق رفت تا نزد ابوالیمن زید بن حسن کندی (متوفی ۶۱۳) به تحصیل بپردازد. ابن معقل جایگاه بلندی در ادبیات بدست آورد و کتاب الايضام والتکملة ابوعلی فارسی را به نظم درآورد و آنها را پیشکش امیر ایوبی، عیسی بن عادل بن محمد بن ایوب (متوفی ۶۲۴) نمود. وی یک چندی در بعلبک بود اما بار دیگر به دمشق بازگشت. وی در شب پنجشنبه، بیست و پنجم ربیع الاول ۶۴۴ در دمشق درگذشت و فردای آن روز بعد از نماز ظهر در سفح قاسیون به خاک سپرده شد. اثر مهم و موجود او کتابی به نام المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المتنبی است که نسخه مهمی از آن به خط شاگردش به شماره ۱۷۴۸ در کتابخانه فیض الله افندی موجود است که در حضور جمعی خوانده شده و گواه قرائت به دست ابن معقل برای آن جماعت و گواه قرائت جداگانه دیگری برای یکی از افراد حاضر در آن جمع نیز در آن آمده است (فرد اخیر ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن حسین اربلی هذبانی شافعی (متوفی ۶۵۶) که به

احتمال بسیار کاتب نسخه او باشد - است: «سمع منی بقراءتی مأخذی علی الشیخ ابی الفتح عثمان بن جنی، المولی الشیخ العلامة الفاضل البارع شرف الدین، أبو عبد الله الحسین بن ابراهیم بن الحسین الیربلی - ادام الله سعادتہ وإسعاده - وأجزت له أن یرویہ عنی ویقرأه لمن شاء حیث شاء. وکتب أحمد بن علی بن معقل الأزدی ثم المهلبی لثلاث بقین من رجب سنة ست و ثلاثین وست مئة حامداً لله علی نعمائه ومصلياً علی محمد وآله». ابن معقل در کتاب اخیر خود شرح پنج تن از شارحان متنبی را مورد بررسی قرار داده است. وی در پایان مطالب خود درباره شرح ابن جنی به شیوه مرسوم شیعه نوشته است: «فهذه آخر المآخذ علی الشیخ ابی الفتح عثمان بن جنی الذی قویت علیه ید الطاقة ووصلت إلیه ید المنه. الحمد لله حق حمده وصلواته علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین أئمة الدین وأصحابه المتجبین الأکرمین». کتاب المآخذ در پنج جلد توسط عبدالعزیز بن ناصر المناع (ریاض، ۱۴۲۲) منتشر شده است. چاپ دوم به همراه اصلاحاتی توسط مرکز الفیصل للبحوب والدراسات الإسلامیة، ۲۰۰۳/۱۴۲۴ به زیور طبع درآمده است. محقق کتاب اشعار موجود از ابن معقل در کتابهای مختلف را گردآوری کرده جز آنکه در خصوص تشیع ابن معقل سکوت کرده و اشاره ای به آن نکرده است. درباره ابن معقل همچنین بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی (متوفی ۷۲۶)، ذیل مرآة الزمان (حیدرآباد دکن، ۱۳۸۰/۱۹۶۰)، ج ۳، ص ۱۱-۱۴ با نمونه اشعاری از دیوان او؛ خلیل بن ایبک صفدی، کتاب الوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۲۰۱-۲۰۲ که شرح حال ابن معقل را به نقل از ابن نجار آورده و ص ۲۳۹-۲۴۰ که بار دیگر شرح حال ابن معقل را ظاهراً به نقل از ذهبی در تاریخ الاسلام (تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۴، ص ۴۹۴-۴۹۵) آورده است و متوجه یکی بودن آنها نشده است؛ جعفر مهاجر، «ابن معقل الحمصی»، الثقافة الإسلامیة، العدد الخامس عشر، ۱۴۰۸/۱۹۸۸، ص ۶۹-۹۵. از شاگردان ابن معقل، می توان به نجم الدین ابوالعباس احمد بن محسن بن ملی انصاری بعلبکی اشاره کرد.^۱

۱. بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی، ذیل مرآة الزمان، دراسة وتحقیق حمزة عباس (ابوظبی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸)، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۳۷.

یکی دیگر از جنبه های توجّه به نسخه های خطّی اهمّیت نسخه های خطّی برای شناخت رجال امامیه است. متأسفانه سنت تراجم نگاری شیعه به دلیل پراکندگی شیعیان در بخش های مختلف جهان اسلام و متأخر بودن آن باعث شده تا درباره بسیاری از عالمان امامی اطلاعات روشنی نداشته باشیم، حتّی این مشکل درباره جوامع شیعه نشین در اوایل قرن دهم خارج از قلمرو صفویه و یا سیاست های مالیک و عثمانی ها در خصوص آنها بسیار اندک است، اما شگفت این است که با این حال پژوهشگران به راحتی از و بدون در نظر گرفتن نبود یا کمی منابع به راحتی به بیان نظرات کلی در خصوص جوامع شیعه نشین قرن دهم پرداخته اند. اعلان تشیع در قرن دهم و منازعات مذهبی صفویه و عثمانی تأثیرات فراوانی بر زندگی شیعیان داشته است. شیعیان شام و جبل عامل که تحت حکم عثمانی می زیسته اند، به همان سنت معهود پیشین خود یعنی تقیه عمل می کرده اند. شیعیان حجاز خاصه اقلیم بحرین قدیم - مشتمل بر اوایل، قطیف و احساء - نیز که در سال ۹۵۷ به قلمرو عثمانی افزوده شد، با مشکلات خاص خود روبرو بوده اند. دوست و سرورم دانشمند عبدالحق الجنبی در اشاره به مشکلات شیعیان در دوره اخیر خاصه سالهای ۹۵۷-۱۰۸۲ در چند یادداشتی مکتوب متذکر شدند:

«کتابت فصلاً موثقاً بالمصادر حول معاناة شیعة القطیف و الاحساء مع الدولة العثمانية التي احتلت بلادهم منذ العام ۹۵۷ للهجرة و حتى العام ۱۰۸۲ للهجرة، و ذكرت فيه ما لا قوه من الاضطهاد و ظلم منهم، و ما فعلوه لرفع هذا الاضطهاد و الظلم و ذلك في كتابي: تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين القديم (بيروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۳۶/۲۰۱۵)، انظر الصفحات ۵۸۱-۶۱۱». ایشان در تکمیل مطلب اخیر یاد آور شدند: «سبق أن عرض .. کتابین عن تمییش و إقصاء و اضطهاد العثمانيين الشيعية في العراق و بلاد الشام... (فاطمة حسين العبيدي، سياسة الإقصاء في العهدین العثماني و الدولة العراقية: إقصاء الشيعة إنموذجاً، ۲۰۱۶؛ ستيفان ويتتر، الشيعة في لبنان تحت الحكم العثماني، ترجمة محمد حسين المهاجر (بيروت، ۲۰۱۶) و قد وثقت في الطبعة الثانية من كتابي (تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين

القديم) لانطلاق الدولة العثمانية في حربها للصفويين والشيعة بصفة عامة من مرتكز طائفى حيث استصدر سلاطينها منذ حكم السلطان سليم الأول فتاوى دينية بجواز أو وجوب قتل الشيعة، وسلب أموالهم، وسبى أولادهم ونساءهم باعتبارهم كفاراً غير مسلمين، وهذا الأمر صرح به كثير من ولاة العثمانيين على البلدان الشيعة أو ذات الأغلبية الشيعية التى احتلوها، و هو أمر مدون فى الوثائق العثمانية المعتمدة حينها كدفاتر المهمة ودفاتر الطابو وما شابه».

سياست مصادرة اموال شيعيان در بجرین قدیم، باعث شد تا شيعيان به شیوه های شرعى اموال خود را حفظ کنند. برای این کار آنها دوره را انتخاب کرده بودند؛ فروش اموال خود به اشخاصی از اهل سنت که مورد اعتماد بودند و از آنها سندی شرعى دال بر عدم حق تصرف مى گرفتند و یا بهره گرفتن از وقف. استاد ارجمند عبدالحالق جنبى در توضیح راه های شرعى حفظ اموال توسط شيعيان يعنى شیوه اول متذکر شدند: «هذه كانت إحدى الطرق التى اتبها القطيفيون والأحسائيون لحفظ بساتينهم، وهوان يقوموا ببيعها صورياً على أحد من يثقون به من البدو أو الشخصيات السنية لكى لا تصادر منه، ويأخذ عليه بالمقابل ورقة كهذه ليحفظ بها حقه». سندی که در این عبارت از آن سخن رفته و نمونه های دیگری از آن نیز در دست است، در مجله الواحة، العدد السادس والستون، السنة الحادية والعشرون، الربع الثالث ٢٠١٥، چاپ شده است. در توضیح بیشتر ایشان آوردند:

«وهو أسلوب -اي بيع الصورى- اتبعه شيعة القطيف والأحساء حتى قبل استيلاء بنى خالد على الحكم فى البلدين، فقد كان العثمانيون أدهى وأمر لأنهم كانوا ينظرون إلى الشيعة على أنهم كفار لا يتوارثون، فكان الوالى العثمانى يأخذ ميراث من يموت منهم، ولا سيما الأغنياء ولا يسمح لورثته بأخذها، وتضج دفاتر المهمة العثمانية لتلك الحقبة بالكثير من شكاوى الأهالى من هذا الحال. ومن الحيل التى ابتكرها شيعة القطيف والأحساء لحفظ أموالهم و بساتينهم بالإضافة إلى الحيلة الواردة فى هذه الوثيقة حيلة أخرى تقوم ببيع أحد الأغنياء الشيعة لبستان أو أكثر على شخص مقرب ومعروف لديه، ثم يقوم هذا الشيخ بوقف تلك البساتين على ذرية الواهب، ويتم تسجيله كذلك فى الأوقاف، وتوجد أكثر من وثيقة ذلك، ومنها وثيقتان لأبى السعود القطيفى ذاته الوارد فى هذه الوثيقة، وهو جد الأسرة القطيفية المعروفة بآل

أبی السعود و كان من أكثر القطیفیین غنی و ثراء فی زمنه». وثیقۀ مورد اشاره در یادداشت استاد ارجمند عبد الخالق جنبی که مشخصات چاپش را پیشتر آوردم، چنین است:

«نصّ الوثيقة: أقول وأنا الفقير إلى الله تعالى عبدالرحمن بن محمد بن عفالق بأن المبيعات النخيل المنتقلت من أبا (أبی) السعود إلىّ، وهو النخل المسمّى بالبدراني، والنخل المسمّى بشطیب الحلا (الجالی؟)، والنخل المسمّى بالعمارة، مع النخل المسمّى بالفلیتی، والنخل المسمّى بالغرسات، والنخل المسمّى بالکلیبی، کلّ هذی النخیل المذكورات لیس لی فیهم حقّ، ولا مستحقّ، ولا دعوی، ولا طلب بوجه من الوجوه، و لیس لی علیهم إجارة ولا صبرة، ولا رهن ولا إباحة، ولا لی من ثمانية آلاف قليل ولا كثير، وإتما هذا مواطاة على صورة قصدنا بها نفع أبا السعود عن يد غاشمة تخرج نخيل أبا السعود عن يده، وإلا فإلى من هذی النخیل حقّ ولا مستحقّ، ولا دعوی ولا طلب بوجه من الوجوه وهذا خطی شاهد علیّ، وكفی بالله شهيداً وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم. حضر لذلك محمد بن حسين ابن عفالق؛ حضر لذلك عبدالله بن محمد بن عفالق؛ حضر لذلك وأنا على بن عبدالله آل عمران». در توضیح بیشتر سند منتشر شده در پاورقی آمده است: «هذه الوثيقة غير مؤرخة، لكن يستدل من موضوعها على أنها كتبت في العقد الثاني من القرن ۱۳ هـ ففي هذه الفترة ظهرت وثائق أخرى مشابهة، حول إقرار أشخاص من الأخوة أهل السنة بوضع أيديهم على بعض مملكات أخوتهم الشيعة حفظاً لها من الإغتصاب، وإعطاء ملاكها هذه الأوراق إقراراً منهم بعدم ملكتهم لها. والسبب - كما هو ظاهر من نصوصها - أن أملاك أهل القطيف تعرضت للإغتصاب بذريعة أنهم ليسوا مسلمين. يمكن الرجوع في ذلك الكتاب (عنوان المجد في تاريخ نجد، تأليف عثمان بن عبدالله بن بشر، تحقيق عبدالرحمن بن عبداللطيف بن عبدالله آل الشيخ، مطبوعات دار الملك عبدالعزيز، الرياض، ط ۴، ۱۴۰۲ هـ ۱۹۸۲ م، ج ۱/ ۱۷۸)».

همین گونه مشکلاتی که حتی برای حجّاج ایرانی در قرن دهم و یازدهم وجود داشته و بیم مقامات رسمی صفوی از رفتن به حج داشته‌اند، از مسائلی است که نیازمند بررسی و گردآوری شواهد است. قرن دهم هجری، راه رسمی کاروان های حج برای حجّاج ایرانی رفتن به دمشق بوده است. حجّاج ایرانی در دهه اول شوال خود را باید به دمشق می رساندند تا با

کاروان‌های حج از دهه دوم شوال شهر دمشق راترک می‌کردند، به سمت حجاز بروند. برای رفتن به دمشق، حجاج ایرانی نخست به تبریز رفته و از آنجا به وان، سپس آمد و از آمد به حلب و دمشق می‌رفتند. در راه بازگشت نیز حجاج ایرانی از همین مسیر به ایران بازمی‌گشتند.

بیشتر افندی صاحب ریاض العلماء با مراجعه به نسخه‌های خطی مختلف که در دسترسش قرار گرفته بود، سعی در استخراج اطلاعات رجالی، اجازات، انشاءات و تملکات و مطالب دیگری که نوعی اطلاعات رجالی داشته کرده است کاری که در دوران معاصر ما مرحوم آقابزرگ با نگارش طبقات اعلام الشیعة و استاد بزرگوار آقای سید احمد اشکوری در کتاب تراجم الرجال انجام داده اند و بخش مهمی از این گونه مطالب را از میان نسخه‌های خطی گردآوری کرده‌اند. با این حال هنوز اطلاعات فراوانی وجود دارد و نیاز است تا با مراجعه دقیق به نسخه‌ها، به گردآوری آنها همت گمارد، مطالبی که فهرست نویسان به دلیل دشواری‌ها، گاه مطالب آمده در حاشیه و یا نوع فهرست نویسی که تنها به اطلاعات اندکی از کتاب منتهی می‌شود، مانع از آن است که بتوان هویت صحیح نسخه‌ها شناخته شود و گاه اطلاعات مهمی که در حاشیه آنها آمده به دلیل بی‌توجهی فهرست نویسان از قلم می‌افتد.

به عنوان مثال خانواده شهید اول پس از شهادت او در دمشق، در جزین اقامت داشته‌اند و به تدریس مشغول بوده‌اند. ابن فهد حلی سفری به جزین داشته و در اول محرم سال ۸۲۴ با فرزند شهید اول، ضیاء الدین ابوالحسن علی بن محمد بن مکی دیدار داشته و اجازه روایت الاربعین پدرش را از او اخذ کرده است. این مطلب در آخریکی از نسخه‌های الاربعین شهید اول بوده که افندی دیده و آن را در شرح حال ابن فهد نقل کرده است (ریاض العلماء، ج ۱، ص ۶۴). برادرزاده شهید اول، محمد بن محمد بن محمد بن داود مؤذن جزینی از دیگر عالمان امامی است که از ضیاء الدین ابوالحسن علی بن محمد بن مکی اجازه روایت داشته و طریق بیشتر عالمان عاملی در روایت شهید اول به واسطه او به ضیاء الدین علی منتهی می‌شود. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از کتاب ایضاح الفوائد فخر المحققین موجود است که در ۷۵۵ از روی نسخه ای نفیس کتابت شده (تم کتاب المیراث و به تم الجزء الثانی من ایضاح

الفواید فی شرح اشکالات القواعد و کتت قد فرغت من تسویده فی غرة رمضان سنة خمس و عشرين و سبعمائة ثم زدت علیه زیادات لطيفة و نسخت هذه النسخة من تلك النسخة السابقة مع زیادات لطيفة و نکت شريفة .. أفكار الفقهاء و لا وصل إليها أذهان العلماء و فرغت من نسختها فی غرة ربيع الاول سنة خمس و خمسين و سبعمائة الهلالية يتلوه كتاب القضاء و هو اول المجلد الثالث الذي بعده و قد تم الكتاب ان شاء الله تعالى و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله). در کنار انجامه ذکر شده، عبارتی دال بر مقابله نسخه در ۸۵۸ نوشته شده است (بلغت المقابلة الى هنا فصحت ذلك بحسب الجهد و الطاقة الا ما زاغ عنه البصر و حسر عنه النظر و ذلك فی عدّة مجالس آخرها عشية الثلاثاء من شهر ربيع الاول من شهر سنة ثمانی و خمسين و ثمان مائة الهلالية و الحمد لله رب العالمين). بر نسخه تملك محمد بن علی بن مؤذن الكونانی العاملی آمده که کسی جز این مؤذن مورد بحث است.^۱

از جمله این گونه نسخه ها، می باید به نسخه کهن مختصر جمهرة النسب موجود در کتابخانه راغب پاشا به شماره ۹۹۹ اشاره کرد که بر اساس تحریر کتاب جمهرة النسب به روایت سکری از ابن حبیب از ابن کلبی توسط فردی تلخیص شده است. حمد جاسر نسخه را مورد بررسی دقیق قرار داده و بر اساس مطالب آمده در حاشیه نسخه دریاخته که کاتب نسخه هر چند نامش در انجامه نیامده اما کسی است که در یکی از حواشی کتاب به نام خود تصریح کرده است؛ شرف الدین ابوالحسین علی بن محمد بن احمد یونینی بعلبکی حنبلی (متوفی ۷۰۱) که نسخه خود را بر اساس نسخه اصل مؤلف کتابت کرده است. این نسخه پیشتر در اختیار شیخ عبدالقادر بن عمر بغدادی (متوفی ۱۰۹۳) مؤلف کتاب خزانه الأدب بوده و ظاهراً زمانی که نسخه به دست او رسیده، صفحه عنوان یا برگگی از نسخه که نام مؤلف در آن ذکر شده، از نسخه جدا شده، چرا که او در ظهر برگ موجود نسخه نوشته است:

«هذا كتاب مختصر جمهرة ابن الكلبی و لم أعرف مصنفه و قد أنعم الله به علی عبده ... عبدالقادر بن عمر البغدادی ... ثم رأیت فی ترجمة بنی دارم قد صرح بکتابته و هو أبو جعفر».

۱. درباره اثری باقی مانده از ابن مؤذن و اهمیت آن بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «ملاحظاتى در باب برخی نسخه های خطی»، میراث شهاب، شماره ۷۵، سال بیستم، شماره اول (بهار ۱۳۹۳ش)، ص ۵۸.

حمد جاسر به درستی اشاره کرده که گفته‌ی اخیر شیخ عبدالقادر بغدادی که مؤلف کتاب را شخصی که کتبه اش ابوجعفر بوده، معرفی کرده، نادرست است و ابوجعفر کتبه راوی کتاب محمد بن حبیب است. نام کتاب در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی راغب پاشا براساس عنوان نادرستی که کسی بر ظهر نسخه نوشته، کتاب التبيين فی نسب القرشيين از موفق بن قدامه آمده که براساس خطای فردی از مالکان نسخه است که عبارتی در حاشیه‌ی نسخه را نادرست فهمیده و این عنوان نادرست را بر ظهر نسخه نوشته است. تاریخ پایان تلخیص کتاب توسط مؤلف در آخر نصف جزء اول بغداد و محرم سال ۶۴۸ (هَذَا آخِر مَا عَلَقْتَهُ مِنَ النِّصْفِ الْأَوَّلِ مِنْ كِتَابِ الْجُمُهِرَةِ فِي بَغْدَادِ الْمَحْرُوسَةِ مِنْ نَسْخَةِ الْمَسْتَنْصَرِيَّةِ مُقَابِلَةَ أَكْثَرِهَا بِنَسْخَةِ يَاقُوتَ، وَكَانَ فَرَاغَ هَذَا فِي الْمَحْرَمِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَأَرْبَعِينَ وَسِتٍّ وَمِئَةٍ؛ فِي آخِرِ كِتَابٍ: فَرِغَ مِنْ هَذَا الْمُخْتَصَرِ فِي الْمَجْلَدَيْنِ فِي أَوَّلِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَأَرْبَعِينَ وَسِتٍّ وَمِئَةٍ بِبَغْدَادِ الْمَحْرُوسَةِ) و تاریخچه که کاتب نسخه خود را از روی نسخه‌ی اصل مؤلف نوشته و با آن مقابله کرده ذی الحجة ۶۶۵ ذکر شده است (نقلت الجزئين من خط المختصر، في مدة آخرها يوم الجمعة لست بقين من ذی الحجة سنة خمس وستين وست مئة.. قابلته بأصل المختصر رحمه الله حرفاً بحرف). مؤلف در دو جای کتاب خود به استادش «شیخنا العز» و یا «قال العز» اشاره کرده که مطلبی درباره‌ی منتبئ را بیان کرده است. مراد از العز کسی جز ابوالعباس عزالدین احمد بن علی بن معقل ازدی مهلبی حمصی (متوفی ۶۴۴) نیست که مطالب نقل شده در کتابش با عنوان المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المنتبئ نیز آمده است. هویت مؤلف براساس شرح حال مفصلی از وی که قطب الدین موسی بن محمد یونینی پدر کاتب نسخه در ذیل مرآة الزمان خود آورده، قابل شناسایی است؛ وی کسی جز مخلص الدین مبارک بن یحیی بن مبارک غسانی حمصی (متوفی ۶۵۸) نیست.^۱ یونینی در ذیل وفيات سال ۶۵۸ از ابوالخیر مخلص الدین مبارک بن یحیی بن مبارک

۱. ذیل مرآة الزمان، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶.

۲. بنگرید به: الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۳۸۴. نام جمال الدین محمد بن یحیی بن مبارک بن مقبل غسانی حمصی به عنوان فردی که در رد جمال الدین ابراهیم بن حسام عاملی در رثای ابوالقاسم بن حسین بن عود حلّی سروده به همراه اشعارش نقل شده است. بنگرید به: یونینی، ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۴۳۴-۴۴۱ که تفصیل شرح احوال نجیب الدین و ماجرای اخراج او از حلب را نیز نقل کرده است؛ سبط ابن عجمی حلبی، کنوز الذهب

مبارک بن مقبل غسانی حمصی از عالمان شیعه ساکن در حمص سخن گفته و اشاره نموده او پس از شنیدن خبر نزدیک شدن سپاه مغولان در ربیع الاول سال ۶۵۸، حمص را ترک کرد و به جبل لبنان پناه برد و در یکی از روستاهای آنجا اقامت گزید که مرگش فرارسید.

یونینی شرح حال مخلص الدین را به گونه ای مختصر در جلد اول ذیل مرآة الزمان، آورده اما در جلد دوم، ص ۳۶-۳۸ مطالب مهمتری آورده است. او ابتدا در معرفی مخلص الدین وی را از «المشهورین بمعرفة الأدب و ایام الناس شیعی المذهب» (در متن چاپ شده سنی المذهب) اختصر کتاب الجمهرة فی الانساب لابن الکلبی اختصاراً حسناً دلّ علی عزارة فضله و معرفته» یاد کرده و اشعاری از وی از روی کتابی که دست خط مخلص الدین بر روی آن بوده، آورده است (و من شعره مما نقلته من خطه علی ظهر مجلد). وی برادری به نام جمال الدین محمد بن یحیی بن مبارک بن مقبل غسانی حمصی دارد (۶۰۷-۶۷۰) که صفدی شرح حال او را آورده است.

اشاره یونینی در خصوص اینکه مخلص الدین کتاب جمهرة الانساب کلبی را تلخیص کرده بسیار مهم است. نسخه مهم شناخته شده از کتاب مختصر جمهرة النسب کلبی در کتابخانه راغب پاشا به شماره ۹۹۹ که نام مختصر کننده در نسخه کهن آن شاید به عمد از بین رفته و تاریخ فراغت مختصر کننده ۶۴۸ ذکر شده و تاریخ کتابت نسخه نیز ۶۶۵ است تألیف مخلص

فی تاریخ حلب، تحقیق شوقی شعث و فالح بکور (حلب، ۱۴۱۷/۱۹۹۶)، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۵. مسئله اخراج نجیب الدین از حله، اهمیت دیگری نیز دارد؛ به واقع حادثه اخیر که تفصیل جزئیاتش در منابع مختلف دیگر نیز آمده شاید اجمال برخی مطالب آمده در شرح حال برخی رجال ادوار کهنتر امامی را نیز توضیح دهد. درباره برخی محدثان قی دانسته است که توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری، نخستین فرد مهاجر از خاندان اشعری کوفه به قم اخراج شده اند، در منابع رجالی امامیه از ادوار کهن البته اخراج آنها از قم به دلیل عقیده به غلو ذکر شده اما نکته مهمی که در شرح حال اشعری آمده جایگاه اداری او در قم است که شاید اساساً علت مهاجرت او به قم نیز همان باشد؛ «کان..الرئیس الذی یلقى السلطان بها...» (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة، ص ۸۲) بنظر می رسد که احمد بن محمد بن عیسی عهده دار مقامی در اداره قم بوده و از آنجا که حاکم شهر از سوی خلافت عباسی بوده، برخی محدثان قی در حضور او و رجال حکومتی دیگر، کلماتی بیان می کرده اند که مانند ماجرای ابن العود، احمد بن محمد بن عیسی مجبور به اخراج آنها از قم برای حفظ جانشان می شده است. مطلب اخیر تذکر استاد ارجمند سید حسین مدرسی طباطبائی است.

الدین است و اما از عبارتی در یکی از حواشی نسخه، کاتب نسخه شرف الدین ابوالحسین علی بن محمد بن احمد یونینی (متوفی ۷۰۱) بوده و نسخه ای که فرزند وی قطب الدین یونینی به عنوان مجلدی از آثار مخلص الدین اشاره کرده باید به احتمال بسیار همین کتاب مختصر جمهرة النسب باشد که در اوراق نخست و اکنون مفقود آن اشعاری بوده که قطب الدین آنها را نقل کرده است.^۱

نمونه دیگر از اهمیت بررسی نسخه های خطی برای شناخت عالمان امامیه را می توان در بررسی نسخه های خطی کتاب کتاب الروضة البهية شهيد ثانی (متوفی ۹۶۵) دید، هنگام بررسی نسخه های خطی این کتاب متوجه این مطلب شدم که بخش مهمی از نسخه های قابل توجه و اصیل کتاب به نسخه هایی باز می گردد که شاگردان شهيد کتابت کرده اند و نزد او خوانده اند. با بررسی نسخه های کتاب الروضة البهية می توان نام این شاگردان و نسخه هایی را که کتابت کرده اند، پیگیری نمود. درباره کتاب الروضة البهية شهيد ثانی و نسخه های مهم آن سوای نسخه ۷۰۹ مجموعه مرحوم سيد محمد مشكاة در دانشگاه تهران که مشتمل بر بخشی از کتاب به خط خود شهيد ثانی می باشد، چند نسخه دیگر را می شناسیم که توسط شاگردان شهيد ثانی کتابت شده و نزد او خوانده شده اند. این نسخه ها بر اساس نام شاگردان شهيد ثانی و تاریخ کتابت آنها چنین است: ۱- جلد اول الروضة البهية به خط سيد علی بن حسین صائغ حسینی که تاریخ فراغت از کتابت آن ۱۵ صفر ۹۵۸ است و به شماره ۴۸۸۶ در کتابخانه مجلس موجود است. جلد دوم نیز باید توسط ابن صائغ کتابت شده باشد اما متأسفانه از آن اطلاعی در دست نیست. ۲- نسخه های کتابت شده توسط سيد حسن بن علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی حسینی که در انجامة نسخه ها نام وی به

۱. حمد جاسر در دو مقاله به تفصیل درباره کاتب نسخه و اینکه مؤلف مخلص الدین می باشد سخن گفته است. بنگرید به: حمد الجاسر، «مختصر جمهرة النسب»، مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق، المجلد السابع والعشرون (ربيع الثاني ۱۳۷۱)، ص ۴۱-۵۱؛ همو، «مختصر جمهرة النسب للمبارک بن یحیی بن المبارک الغسانی الحمصی»، العرب، المجلد ۲۷، الجزء آن ۵ و ۶، (۱۹۸۶/۱۴۰۶)، ص ۲۸۹-۳۱۲. احسان نص (کتب الأنساب العربية، دمشق، ۲۰۰۱/۱۴۲۱)، ص ۴۸-۶۲ خلاصه ای از مطالب حمد جاسر را آورده است.

صورت سید حسن بن ابی الحسن حسینی عاملی آمده است. وی در روز شنبه پنجم شعبان ۹۵۸ و نزد شهید ثانی از قرائت جلد دوم الروضة البهیة که باید از روی نسخه خود شهید ثانی کتابت کرده باشد، فراغت حاصل کرده است. نسخه های شناخته شده ای که از روی نسخه سید حسن بن ابی الحسن عاملی کتابت شده، چنین است: کتابخانه مرحوم بروجردی کرمانشاه، شماره ۱۳ و تصویر آن در مرکز احیاء میراث اسلامی شماره ۱۷۶۶؛ وزیری یزد به شماره ۲۹۰۷ (محمد شیروانی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیری، ج ۴، ص ۱۴۶۹): آستان قدس رضوی ۱۴۸۵۶ که تاریخ فراغت از کتابت در جلد دوم شنبه ۵ شعبان ۹۵۸ آمده است و دانشگاه تهران شماره ۶۶۷۹ (محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۳۳۱) و کتابخانه دانشگاه اصفهان به شماره ۱۰ (احتمال دارد که نسخه ۲۹۹۸ که جلد دوم الروضة البهیة در کتابخانه عمومی اصفهان است نیز استنساخی از همین نسخه شماره ۱۰ باشد که در آخر آن گفته شده اجازه ای از شهید دوم دارد. بنگرید به: فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۷، ص ۵۱-۵۲). در پایان نسخه دانشگاه اصفهان، اجازه شهید ثانی به سید حسن بن علی بن ابی الحسن عاملی آمده که متن آن چنین است:

« هذه صورة اجازة حضرت المصنف الشارح الشهيد المرحوم حشره الله تعالى مع سيده المعصوم لواحد من السادة العلماء والاجلة النقباء؛ الحمد لله و سلامه (دراصل سلام) على عباده الذين اصطفى وبعد فقد قرأ على اكثر هذا الكتاب وسمع سايره المولى الاجل الفاضل الكامل السيد السند شرف العترة جمال الأسرة غرة آل الرسول وقره عين البتول جمال الدين حسن بن السيد الجليل الصالح نور الدين على الشهير نسبه بابن ابى الحسن الحسينى (دراصل به خطا الحلبي) الموسوى ادام الله تعالى شرفه و خص بالرحمة والعاطفة والرضوان رهطه و سلفه قراءة مرضية مرعية مضبوطة و قد أجزت له رواية الكتاب و العمل بها اشتمل عليه من الفتاوى و كذلك بجميع ما صنفته و ألقته على قراره وصفه و كذلك اجزت له جميع ما روئته من كتب اصحابنا روايته من العلوم الشرعية و غيرها بطرقى المثبة الى كل واحد منها و هى كتبه فمن ثبت لديه طريق منها فهو.. على الرواية به احسن الله تعالى اليه و اسبغ نعمه عليه و لنذكر طريقاً

جامعاً لكتب الاصول الاربعة التي هي عماد الاسلام ودعائم الايمان وهي الكافي والتهذيب و الاستبصار و من لا يحضر الفقيه و به يتوصل الى غيرها من كتب الحديث و التفسير و غيرها انشاء الله تعالى و اجل طرقة الى هذه الاصول عن شيخنا الجليل و مولينا الجميل الصالح الفاضل الكامل القابل البذل نور الدين على بن عبد العالی الميسی - قدس الله تعالى لطيفه و اجزل تشريفه - عن شيخه الصالح شمس الدين محمد بن محمد بن محمد بن داود الشهير بابن مؤذن الجزيني عن الشيخ الصالح ضياء الدين على بن المرحوم المبرور السعيد الشهيد المحقق الفاضل الكامل شمس الدين محمد بن محمد بن مكى قدس الله تعالى روحه الطاهرة و افاض عليه المرحم الربانية عن والده السعيد الشهيد المذكور عن الشيخين الفقيهين السيد عميد الدين عبدالمطلب بن الاعرج الحسيني و الشيخ فخرالدين ولد الشيخ الفقيه الامام الاعظم محيي العلوم و مجدد الرسوم جمال الاسلام و المسلمين الحسن بن الشيخ الفقيه الامام الاعظم الدين يوسف بن على بن المطهر الحلبي انار الله برهانه و اعلى في فراديس الجنان مكانه عن شيخنا الفقيه العلامة الفاضل جمال الدين المذكور عن والده سديد الدين المذكور و شيخه الفقيه المحقق المبرور عماد الدين بن ابي القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد الحلبي كلاهما عن الشيخ نجيب الدين محمد بن نما الحلبي الربيعي عن الشيخ الفقيه المحقق الفاضل ابي عبدالله محمد بن ادريس الحلبي عن الفقيه عربي بن مسافر العبادي عن الياس بن هاشم الحائري عن الشيخ ابي على الحسن بن الشيخ السعيد فقيه اهل البيت مؤسس المذهب ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي عن والده الشيخ ابي جعفر قدس الله روحه و نور ضريحه بسنده المذكور في كتاب التهذيب و الاستبصار في كل حديث و كذلك غيره من كتبه و رواياته و طرقه في الفهرست و غيره و عن الشيخ ابي جعفر الطوسي عن الشيخ الفقيه الجليل محمد بن محمد النعمان الشهير بالمفيد عن الشيخ السعيد ابي جعفر محمد بن على بن بابويه بسنده في كتابه من لا يحضره الفقيه و غيره من كتبه كالعلل و العيون و كمال الدين و تمام النعمة و الأمالي و معاني الأخبار و الخصال و ثواب الأعمال و عقابها و غيرها من كتبه الحديثيه و عن الشيخ المفيد عن الشيخ ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه عن الشيخ الجليل ابي جعفر محمد بن يعقوب الكليني بكتابه الكافي و طرقه المودعة فيه المتصلة بأئمة الهدى صلوات الله تعالى عليهم ح

(جیلولة) و ارويها غايياً عن هذا الدرجة بالاسناد المتقدم الى الشيخ السعيد المحقق ابي القاسم جعفر بن سعيد عن السيد فخار بن معد الموسوي عن الشيخ نزيل مهبط وحى الله و دار هجره رسول الله شاذان بن جبرئيل القمي عن العماد محمد بن ابي القاسم الطبري عن ابي علي الحسن بن ابي جعفر الطوسي ح و ارويها غالباً بدرجتين بالاسناد الى شيخنا السعيد الشهيد محمد بن مكي عن الشيخ رضى الدين علي بن الشيخ جلال الدين احمد المزيدي الحلبي عن الشيخ السعيد جمال الدين محمد بن احمد بن صالح السبيي القيسي (دراصل القمي) عن فخار الموسوي باسناده المتقدم ح و مثله في العلو عن ابن صالح عن السيد الفقيه السعيد القاضى المعظم الزاهد رضى الدين محمد بن محمد بن محمد بن زيد الآوى العلوى الحسينى عن ابيه عن ابيه عن ابيه زيد الداعى الحسينى عن الشيخ ابي جعفر الطوسى و بهذا الاسناد عن الداعى عن السيد علم الهدى الشريف المرتضى رضى الله عنه و عن الفقيه الجليل سلا بن عبد العزيز الديلمى و عن الفقيه القاضى عبدالعزيز بن بحر بن البراج و عن الفقيه ابي الصلاح التقى بن نجم الحلبي جميع ما صنّفه المشايخ المذكورون عنهم بغير واسطة فليرو السيد ادام الله تعالى شرفه ذلك و جميع ما يجوز لى روايته بشرط الاعتبار عند اهل دراية الأثر و آخذ عليه بما آخذ على من العهد بتقوى الله تعالى و مراقبة و الاخلاص فى العلم و العمل فانه ملاك الامر و الاحتياط عن الفتوى فان المفتى على شفير جهنم الا ان يعصمه الله تعالى و التمس منه اجرائى على خاطره الشريف فى خلواته و عقيب صلواته تقبل الله تعالى عمله بمّته و كرمه قال ذلك و كتبه بيده الفانية العبد الفقير الى عفو الله تعالى زين الدين بن علي بن احمد الشامى العاملى مصنّف هذا الكتاب عامله الله تعالى بفضله و عفى عنه بمّته و كرمه ضحى يوم الاحد ثلاث عشرين شهر شعبان سنة ثمان و خمسين و تسعمائة حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً حسبنا الله و نعم الوكيل»^۱.

۱. تاريخ هاى ارايه شده در بغيه الراغبين براى زمان تولّد سيد حسين بن ابي الحسن موسوى و فرزندش سيد على بن حسين بن ابي الحسن موسوى كه به ترتيب ۹۰۶ و ۹۳۱ است ظاهراً صحيح نباشد (بغية الراغبين، ص ۱۲۰، ۱۳۱). سيد عز الدين حسين بن محمد بن حسين بن علي بن محمد بن ابي الحسن است كه معاصر شهيد ثانى بوده است. مرحوم شرف الدين تاريخ تولد او را ۹۰۶ و در جعب ذكر كرده است، با اين حال بنظر مى رسد كه تاريخ اخير صحيح نباشد دليل اين امر اجازه اى است كه تاج الدين فوعى از سادات بنوزهره در سال ۹۲۵ به

وی داده و در آن به اخذ اجازه از وی نیز اشاره کرده است که چندان با در نظر گرفتن سال ۹۰۶ به عنوان زمان تولد سید حسین بن ابی الحسن سازگاری ندارد چرا اجازه مدیج با توجه به سن کم سید حسین بن ابی الحسن و سن بالای تاج الدین فوعی سازگاری ندارد. این اجازه در کنار شجره نامه خانوادگی آل ابی الحسن به خط تاج الدین فوعی کتابت شده و متن آن توسط دوست عزیزم سید علاء بن عبدالعزیز بن علی بن الحسن بن علی بن محمد بن احمد بن مصطفی بن محمد بن ابی الحسن بن نورالدین علی بن علی بن الحسن الموسوی در اختیارم قرار گرفته است. متن این اجازه که هنگام آرایه شجره نامه خانوادگی آل ابی الحسن توسط فوعی کتابت شده، چنین است: «العبد الفقیر ابو عبد الله تاج الدین النقیب احببت أن الحق فروغ بنی زهره بهذا السفر الطاهر الجامع للفروع الموسویة الحسینیة المعظمة متبرکاً بیئت سیدنا العالم الجلیل رئیس ابی الحسن الموسوی العاملی و سلالاته الطاهرة من العلماء الاجلاء ولا سیما السید عزالدین الحسین - ایدہ الله بتأیده و عفی عنه - وقد اجزته بالروایة عنی فی جمیع ما رویه عن مشایخی الکرام و آبائی الأبرار و قد اجازنی بما رویه عن مشایخ الکرام و آبائه العظام کتبت الجمعة الخامس من شهر رجب المظفر سنة خمس و عشرين و تسعمائة بالشام دمشق و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین و الحمد لله رب العالمین».

در کنار اجازه مهر دایری تاج الدین فوعی با سجع «جعفر بن محمد بن زهره الحسینی» نیز آمده است. سید حسین بن ابی الحسن در دمشق با دختر شمس الدین محمد بن مکی عاملی شامی (متوفی جمادی الاولی ۹۳۸ (علی عاملی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۹) یا نهم جمادی الثانی ۹۳۸ که تاریخ اخیراً نجم الدین غزی در الکواکب السائرة، ج ۲، ص ۵۹-۶۰ آورده و در امل الامل، ج ۱، ص ۱۸۰ و اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۵۹ سال ۹۳۸ آمده است) ازدواج کرده است. فرزند وی از این پیوند یعنی سید نورالدین علی بن حسین بن ابی الحسن عاملی است اما با توجه به تاریخ تولد صاحب مدارک در ۹۴۶ و اجازه مورد اشاره در اینجا که نشان می دهد سید علی بن حسین بن ابی الحسن بیش از یک بار ازدواج کرده و سید حسن بن علی بن حسین بن ابی الحسن باید از ازدواج نخست او باشد، تاریخ ۹۳۱ نباید صحیح باشد. سید حسین بن ابی الحسن در صیدا به دسیسه قاضی معروف شامی صهیونی مسموم شد و جنازه او به جبع برده شد و پس از آنکه شهید ثانی برپیکر مطهرش نماز گزارد در همانجا به خاک سپرده شد. تاریخ درگذشت او شب نهم رجب ۹۶۳ ذکر شده است. شرف الدین بدون اشاره به قاضی معروف به مسموم شدن سید حسین بن ابی الحسن در صیدا اشاره کرده است. بنگرید به: بغیة الراغبین (بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۲۷/۲۰۰۶)، ص ۱۳۱-۱۳۲. گفته آقابزرگ درباره اینکه فرزند سید حسین بن ابی الحسن، یعنی سید نورالدین علی پس از شهادت شهید ثانی با مادر صاحب معالم ازدواج کرده و صاحب مدارک از این ازدواج است، صحیح به نظر نمی رسد، چرا که اولاً تاریخ تولد صاحب مدارک، سال ۹۴۶ است. همچنین مادر شیخ حسن صاحب معالم، به احتمال بسیار دختر شیخ محیی الدین میسی است که البته سید علی بن حسین بن ابی الحسن پس از شهادت شهید ثانی در ۹۶۵ با او ازدواج کرده و سید علی بن علی بن حسین بن ابی الحسن از این ازدواج است که در جبع و به سال ۹۷۰ متولد شده است. دست خط سید حسین بن ابی الحسن رانجام نسخه ای از ارشاد الاذهان علامه حلی به شماره ۵۸۴۹ در کتابخانه مجلس آمده که بسیار خلاصه در فهرست آن کتابخانه (ج ۱۷، ص ۲۵) نیز معرفی شده است (همچنین بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبة العلامة الحلی، ص ۳۹-۴۰). در انجامة ارشاد الاذهان کتابت

از دوست گرامی آقای سید محمد رضا حسینی اشکوری که تصویر چند برگ اخیر را در اختیارم قرار داد، بی نهایت سپاسگزارم. ممکن است که اجازهٔ اخیر در برخی نسخه‌های دیگر الروضة البهية نیز آمده باشد اما اطلاع آن در فهرس منعکس نشده است. ۳- نسخهٔ کتابت شده توسط سید ناصرالدین بن جمال الدین بن سید ناصرالدین حسینی علوی که تاریخ فراغت از کتابت جلد دوم آن، ۲۰ ربیع الاول ۹۵۹ بوده است؛ ۴- نسخهٔ کتابت شده توسط

شده توسط سلمان جبعی، سید حسین بن ابی الحسن اجازه ای به وی با ذکر اجمالی از طریق روایت وی در خصوص کتاب ارشاد الاذهان و دیگر مکتوبات فقهی و اشاره به داشتن اجازه از محقق کرکی و داده است. متن اجازهٔ اخیر منحصر به همین نسخه است و در جایی دیگر حتی در بخش اجازات الذریعه به دلیل در دسترس نبودن متن آن سخن نرفته باشد. در برگ ۱۹۶ الف، سلمان بن محمد جبعی در انجامهٔ خود تاریخ کتابت ارشاد الاذهان را روز سه شنبه هفدهم رجب ۹۳۷ ذکر کرده است (تتمته علی ید الفقیر الی الله تعالی سلمان بن محمد بن محمد الجباعی فی يوم الثلاثاء السابع عشر من شهر رجب الاصب من شهر سنة سبع و ثلاثین و تسعمائة هجرية نبوية علی مشرفها السلام والحمد لله وحده). متن اجازهٔ سید حسین بن ابی الحسن چنین است:

«الحمد لله حمداً كثيراً كما هو اهله ومستحقه والصلوة والتسليم علی افضل نبی من خیر صمیم محمد الفاتح ما يتعلق ابواب الهداية الفالاق لمنفتح مصاريع الشرك والغواية، انهاء وقفه الله تعالی لطاعته واعانه وایانا علی فعل الخیر وملازمته قراءة مهذبةً وقد اجزت له روايته ورواية باقی کتب المصنف - رحمه الله تعالی - عنی عن شیخی الأجل، الشيخ علی بن عبدالعالی الکرکی عن مشائخه بطرقه الواصلة الی المصنف - قدس الله سره - وكذا اجزت له رواية كتب الشيخ المشار اليه وما تنسب اليه من الحواشی والتراجيح وكذا باقی الكتب الفقهية المحققة النسبة الی احد من علماء الاصحاب كل واحد بطريقه المثبت فی الاجازة الكبرى التي بخطه - قدس الله سره - فليرو ذلك لمن شاء وأحب محتاطاً فی ذلك، مراعیاً شروط الرواية المعتبرة عند اهل هذا الفن المقرّر فی مفادتها و شرطت عليه عدم نسياني من صالح دعواته وخالص برکاته ونفایس تجلياته حياً وميتاً بالرحم والتوفيق لما يحبه ويرضاه والأخذ بزمان قلوبنا الی ما يحبه ويهواه انه علی كل شیء قدير وبالاجابة جدير وهو حسينا ونعم الوكيل، سطرها فقر العباد حسین بن ابی الحسن عفی الله عنه يوم السبت التاسع من شهر شوال سنة ثلاثین واربعين و تسعمائة هجرية نبوية علی مشرفها السلام والحمد لله وحده وصلى الله علی محمد وآله».

در حاشیهٔ نیز دست خط مرحوم سید محمد مشکات در معرفی نسخه آمده است. مرحوم مشکات برخی از نسخه‌های خطی خود را به کتابخانهٔ مجلس فروخته است (تذکر اخیراً مرهون دوست عزیزم آقای سید محمد حسین حکیم هستم). اجازهٔ اخیر دلیل دیگری بر نادرستی تاریخ ۹۰۶ تولّد سید حسین بن ابی الحسن است چرا که در اجازه او تصریح بر شاگردی نزد محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) دارد و باید مدتها پیش از ۹۳۷ که اجازهٔ اخیر را داده از محقق کرکی اجازه گرفته باشد و با توجه به سن او در صورت پذیرش سال ۹۰۶ اخذ اجازه از محقق کرکی کمی دشوار می نماید.



ملا محمود بن حمزه لاهیجانی در کتابخانه مدرسه غرب همدان به شماره ۱۹۶۸ که مشتمل بر جلد دوم کتاب است و تاریخ فراغت از کتابت آن چهارشنبه ۶ رجب ۹۵۹؛ نسخه کتابت شده از روی نسخه اخیر توسط الله وردی بن الله قلی ترکمان در ۹۵۹ که در کتابخانه فاضلیه مشهد بوده و اکنون در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۳۸۶۴ است و سرانجام ۵- نسخه کتابت شده توسط فضل الله بن محمد بن صقر عراقی نجفی کعبی که تاریخ فراغت از کتابت آن سه شنبه ۴ ربیع الثانی ۹۶۵ و در نجف ذکر شده و در کتابخانه علامه طباطبائی شیراز ۳۴۱/۲ موجود است. چند نسخه کهن دیگر از کتاب الروضة البهیه که در زمان حیات شهید ثانی یا اندکی پس از شهادت او کتابت شده، در دست است که احتمال دارد کاتبان آنها نیز از شاگردان شهید ثانی باشند از جمله نسخه مسجد اعظم قم به شماره ۱۹۰۹ که مشتمل بر جلد اول کتاب است و کاتب آن شخصی است به نام محمد بن فخرالدین حسینی سبزواری که در روز شنبه پنجم ربیع الثانی ۹۶۱ از کتابت نسخه در شهر تبریز فراغت حاصل کرده است. وی به احتمال بسیار باید همان امیر فخرالدین محمد سماکی استرآبادی باشد که مدتی در سبزواریه تدریس مشغول بوده و در هنگام سفر شهید به عراق در نجف وی را دیده و بعدها سه پرسش فقهی را به نزد شهید ثانی فرستاده و شهید به آنها پاسخ گفته است. قاضی احمد قمی در اشاره به سماکی نوشته است:

«وهم درین سال در شب دوشنبه نهم شهر ذی قعدة، سید الاعظم، جامع الفضایل و الحكم، حلال مشکلات الدقایق، کشف معضلات الحقایق، امیر فخرالدین محمد السماکی الاسترآبادی که از اکابر علمای زمان بود، در دارالسلطنة قزوین همراهی شاه جنت قرین بجوار رحمت ایزدی پیوست. میر از تلامذه استاد البشر امیر غیاث الدین منصور شیرازی بود و بعد از ترقیات مدتی در دار المؤمنین سبزواریه مدرس بود...» (خلاصة التواریخ، ج ۲، ص ۱۰۰۲).

نسخه ای دیگر مشتمل بر همین بخش از الروضة البهیه با همان تاریخ جز با حذف نام کاتب در کتابخانه الهیات مشهد به شماره ۱۴۰۴ موجود است (بنگرید به: محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱ ش، ج ۲، ص ۵۴۸-۵۴۹). در صورت صحیح بودن گمان اخیر، دو نسخه

اخیر که ظاهراً باید یکی استتساخ از دیگری باشد یا از نسخه ای مشترک، به عنوان نسخه های مهم و مادر الروضة البهية در عصر صفویه دانست که توسط شاگردان شهید ثانی کتابت شده اند.

همین گونه در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۳۸۱۶ جلد دوم الروضة البهية موجود است که حیدر محمد القاری ابن نظام الدین محمود بن مجد الدین محمد ابوعلی استرآبادی در روز سه شنبه ۱۹ ذی قعدة ۹۶۰ کتابت کرده است. در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۶۷۷ نیز جلد دوم الروضة البهية موجود است که آن را سید علی بن سلیمان بن علی بن ناصر حسینی موسوی اوالی توبلی جدّ خاندان آل قارون در پانزدهم جمادی الثانی ۹۷۱ در مشهد رضوی و در مدرسه شاروخیه (شاروخیه منسوب به شاهرخ تیموری متوفی ۸۵۰) کتابت کرده است.^۱

۱. نسخه ۵۱۵۷ کتابخانه آیت الله مرعشی به نام مفتاح الباب الحادی عشر تألیف میر ابو الفتح بن میرزا مخدوم حسینی عربشاهی در مشهد رضوی و در مدرسه شاهروخیه کتابت و تألیف آن به پایان رسیده است (..بالمشهد المقدس علی ساکنها التحية والسلام ثم وقع اتمام كتابة هذه الرسالة فی ظهر یوم الاثینین تاسع و عشر شهر شوال ختم بالخیر و الاقبال سنة ۹۵۵ فی المشهد الرضوية الرضوية علی مشرفها الف الصلوة و التحية فی المدرسة الشاهرخية حماها الله عن الآفات و البلیات). نام مدارس کهن دوره تیموری در مشهد، به دلیل تغییر کردن در بعد باعث می شود که دقیقاً نتوانیم مدرسه های ذکر شده در نسخه های خطی چون مدرسه حسن جاندار که علی بن قاسم موسوی نجفی از آن یاد کرده را بشناسیم. همچنین از میان رفتن برخی مدارس عصر تیموری در ادوار بعدی نیز دلیل دیگر در عدم امکان کامل شناسایی و تطبیق مدرسه های مذکور با آنچه که امروز باقی مانده است اما احتمال دارد که مراد از مدرسه حسن جاندار، مدرسه بالاسر باشد که از جمله مدارس عهد تیموری است. درباره مدارس مشهد بنگرید به: محمود پسندیده، اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد (مشهد، ۱۳۹۴ ش). شاهرخ مدرسه خانقاهی نیز در هرات ساخته است. برای مدرسه شاهروخیه هرات بنگرید به:

Maria Eva Subtelny and Anas B. Khalidov, "The Curriculum of Islamic Higher Learning in Timurid Iran in the Light of the Sunni Revival under Shāh-Rukh," *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 115, No. 2 (Apr. - Jun., 1995), pp. 210-236.

درباره مدرسه بالاسر یا شاهروخیه بنگرید به: محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان: مدارس علمیه مشهد (مشهد، ۱۳۸۵ ش)، ج ۱، ص ۸۸-۱۰۲. خاندان آل قارون از خاندان های عریق بجزین است و در کتاب منتظم الدین شرح حال سه برادر آمده جز آنکه نویسنده به دلیل در دسترس نداشتن فهرست آستان قدس رضوی و اکتفا به مطالب نقل شده از آن در الذریعه متوجه ارتباط میان سید هاشم بن سلیمان بن علی حسینی با

شهر حله در قرن هفتم و هشتم از مراکز مهم علمی شیعه است و خاندان‌های شیعی مهمی در آن حضور داشته‌اند و نام برخی از مدارس شیعه در آن شهر چون مدرسه شمسیه^۱ و مدرسه زینیه در انجامة‌های برخی از نسخه‌های خطی آمده و می‌توان با استخراج اطلاعات آمده در انجامة‌های نسخه‌های خطی تاریخ فرهنگی شهر حله و ارتباط آن با دیگر جوامع شیعی آن ادوار را به شکل وسیعتری مورد بررسی قرار داد. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی جلد سوم از کتاب مختلف الشیعة علامه حلی به شماره ۱۳۱۷ موجود است که کاتب آن در انجامة نوشته است: «تم الجزء الثالث من کتاب مختلف الشیعة فی احکام الشریعة ویتلوه فی الرابع بعون الله تعالی کتاب علی یدی مصنفه ادام الله ایامه فی منتصف شوال سنة اثنین و سبعمائة و علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف محمد بن محمد بن ابی طالب الآبی فی سلخ شهر شوال سنة اربع و سبعمائة فی بلد الحلة حماه الله تعالی من کل بلیة فی المدرسة الشمسیة حامداً لله تعالی و مصلياً و مستغفراً».

دو تن دیگری سید علی بن سلیمان بن علی حسینی و سید ناصر بن سلیمان بن علی حسینی نشده است. بنگرید به: منتظم الدین، ج ۳، ص ۱۴۵-۱۴۶، ۳۴۲-۳۴۵ و ۳۸۵-۳۸۶. از حجت الاسلام و المسلمین السید محمد حسن الموسوی آل العلامة الفقیه السید علی القارون الزاهد البحرانی که این مطالب را به بنده متذکر شدند، بی نهایت سپاس دارم. نمونه ای دیگر از اهمیت انجامة‌های نسخه‌های خطی برای شناخت خاندان‌های شیعی، مطلبی است که دوست گرامی ابوجعفر حلی گوشزد نموده اند. در کتابخانه مدرسه امام صادق علیه السلام شهر چالوس نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام علامه حلی مشتمل بر جلد اول (طهارت تا ابتدای نکاح) که عبدالمهدی بن الحسین بن ابی الحسن علی بن ابی العز محمد بن علی بن محمد بن علی بن خمیس بن لزماء القویقی التغلبی الحلی در آخر ظهر دوشنبه سلخ ربیع الاول ۷۱۷ در شهر حله کتابت کرده و نسخه دارای حواشی و تعلیقات بسیاری در حاشیه است. علامت بلاغ و سماع در جای جای نسخه نیز دیده می‌شود و برخی هوامش از علامه حلی با عبارت «قال دام ظلّه» است. نام نیای او یعنی ابوالعز محمد بن علی بن قویقی - منسوب به نهر قویق، رودی در شهر حلب است و در ضمن اسناد کتاب حجة الذاهب ابن معد موسوی نیز آمده است. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: محمود طیار مراغی، فهرست نسخه‌های خطی مدرسه امام صادق علیه السلام چالوس (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۱ش)، ص ۱۲۶. سپاس ویژه از دوست عزیزم ابوجعفر احمد علی مجید الحلی که این مطالب را در اختیارم قرار داد.

۱. بنگرید به: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۸، ص ۷۱۹.

نسخه در زمان حیات علامه حلی (متوفی ۷۲۶) کتابت شده و کاتب که از شاگردان علامه حلی است مکان کتابت نسخه را مدرسه شمسیه ذکر کرده که علی القاعده باید نام مدرسه ای باشد که علامه حلی در زمان اقامتش در حله در آنجا به تدریس مشغول بوده است. از آنجایی که اطلاعات اخیر به صورت ناقص در فهرست آمده، در منابع بعدی نیز مطالب اخیر از قلم افتاده است. جز آنکه فهرست نویسان عموماً یا اطلاعات اخیر را نادیده گرفته اند یا به شکل غیر دقیقی در فهرس خود منعکس کرده اند. به عنوان مثال درباره روابط میان فخرالمحققین با برخی اعیان شهر کاشان اطلاعات خوبی در میان نسخه های خطی وجود دارد. به عنوان مثال دانسته است که فخرالمحققین با فردی به نام تاج الدین ابوسعید بن عماد الدین حسین بن محمد بن احمد کاشی ارتباط داشته و به او اجازه روایت رساله ثلاث و اربعون حدیثاً عن النبی صلی الله علیه و آله را در آخر شعبان ۷۵۹ در حله داده است. فرد اخیر خود کاتب نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام که نامش در انجمنه نسخه حسین بن ابی الحسن بن محمد ابن حسن الکاشانی آمده که در هفتم صفر ۷۲۸ از کتابت قواعد فراغت حاصل کرده و نسخه به شماره ۵۶۴۳ در کتابخانه مجلس است.

شاگردان ایرانی علامه حلی که برخی از آنها در شام یا عراق اقامت گزیده اند، نقش مهمی در کتابت آثار علامه و ترویج آنها داشته اند. به عنوان مثال زین الدین / شرف الدین علی بن حسن بن حسین بن حسن سرابشروی ساکن و متولد در کاشان یکی از این افراد است. وی استاد روایی رضی الدین عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک بن فتحان قمی کاشانی (زنده در ۸۵۱) و عطاء الله بن اسحاق بن ابراهیم حسینی است که تعدادی از آثار علامه به خط او موجود است؛ از جمله تسلیک النفس الی حظیره القدس که در ۷۱۵ یا نسخه ای از نهج المسترشدین که در ۷۱۵ کتابت کرده است. همچنین نسخه ای از کتاب مبادی الوصول الی علم الاصول علامه حلی در کتابخانه بریتانیا موجود است که علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشروی در ۷۱۵ کتابت کرده است (نجز الكتاب علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشروی فی سلخ رجب سنة خمس و سبعمائة حامداً مصلیاً). سرابشروی نسخه را نزد فخرالمحققین خوانده

ووی اجازة روایت کتاب را بر ظهر نسخه به خط خود نوشته است (قرأ علیّ المولی السید المعظم الحسیب النسیب شرف آل أبی طالب العالم الفاضل الزاهد العابد الورع زین الدین علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشروی کتاب مبادئ الوصول إلى علم الأصول قراءة تشهد بفضله وتدل علی علمه وقد أجزت له رواية هذا الكتاب عنی عن والدی المصنّف أدام الله أيامه وكذلك أجزت له رواية جميع ما قرأتها ورويته وأجزلی روايته فلیرو ذلك علی الشرائط المقررة وكتب محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر فی غرة جمادی الأولى سنة خمس عشر وسبعمائة والحمد لله وحده وصلى الله علیه وآله وسلم تسليماً كثيراً). نسخه مقابله و تصحیح شده و دارای بلاغ مقابله است که شاید خود کاتب یا شخص دیگری این کار را انجام داده باشد (بلغت المقابلة مع نسخة قرئت علی الامام العالم فخر الملة والدين ابن الإمام العالم الكامل مصنف الكتاب الحسن بن یوسف (بن) المطهر أدام الله ظلّهما). پدروی حسن بن حسین بن حسن سرابشروی نیز از سرشناسان کاشان در عصر خود بوده و نسخه ای از تحریر الاحکام الشرعیة علامه حلی موجود است به شماره ۳۷۵۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی که از آغاز کتاب تا پایان عتق است و حسن بن حسین بن حسن سرابشروی از کتابت آن در اول جمادی الاولی ۷۳۵ در کاشان فراغت حاصل کرده و نسخه بعدها در تملک یکی از افراد خاندان فتحان یعنی محمد بن عبدالله الواعظ بوده است.^۱ افندی نسخه ای از کتاب قواعد

۱. در پایان جزء اول کتاب تحریر الاحکام، کاتب در انجامه نوشته است: «...تم الجزء الاول من کتاب التحریر و يتلوه القاعدة الثانية فی العقود علی يد اضعف عباد الله واحوجهم الی غفرانه حسن بن الحسين بن الحسن السرابشروی ببلدة قاسان حماها الله من الحدثنان شهر سنة خمس وثلاث وسبع مائة حامداً مصلياً مستغفراً والحمد لله وحده». در پایان کتاب العتق نیز آمده است: «...علی يد العبد الفقير الی الله حسن بن الحسين بن الحسن السرابشروی يوم الأول من جمادی الاولی شهر سنة خمس وثلاثين وسبعمائة ببلدة قاشان حماها الله عن الحدثنان حامداً مصلياً مستغفراً الله اغفر كاتبه وقاريه ولمن قال آمين يارب العالمين». در زیر آن دو تملک است از جمله «(من كتب الفقير محمد بن عبدالله الواعظ عفی عنهما) که یکی از افراد خاندان فتحان قمی است که در کاشان سکونت داشته اند. ادامه کتاب از نکاح تادیات که بخشی از آن افتاده است، به شماره ۴۸۳۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که حسن بن حسین بن حسن سرابشروی در ۲۲ جمادی الآخر ۷۳۵ در محله باب ورده کاشان از کتابت جزء سوم فراغت حاصل کرده است (... و فرغ كاتبه العبد الفقير الی الله تعالی حسن بن الحسين بن الحسن السرابشروی ببلدة قاشان حماها الله من الحدثنان فی محله باب ورده الثاني والعشرين من جمادی الآخر شهر سنة خمس وثلاثين وسبعمائة حامداً مصلياً مستغفراً).

الاحکام را دیده که سرابشنوی بر ظهران اجازه ای برای فرزندش زین الدین علی نوشته کما اینکه نسخه ای از نهج البلاغه را دیده که سرابشنوی اجازه ای بر ظهران به تاریخ شب نوزدهم ذی الحجة ۷۲۸ برای نجم الدین ابو عبد الله حسین بن اردشیر بن محمد طبری نوشته است. افندی به دقت نام و شهرت حسن بن حسین سرابشنوی را در اجازات مذکور نقل کرده است که بر اساس نقل های وی می توان گفت که سرابشنوه در همان ادوار به صورت سراوشنوه نیز شناخته شده بوده و ظاهراً بعدها هر دو صورت نام سرابشنوه و سراوشنوه به صورت خلاصه تر «وشنوه» درآمد است. افندی به نقل از ابن ابی الجمهور که در طریق هفتم خود از شیخ روایت خود عبدالله بن علاء الدین فتح الله بن عبد الملك بن فتحان واعظ قمی یاد کرده طریق خود را به تاج الدین حسن سرابشنوی که از علامه اجازه روایت داشته، رسانده است و ظاهراً در نسخه ای که در اختیار افندی بوده، سرابشنوه روستایی در عراق معرفی شده که البته ظاهراً مراد عراق عجم است و با توجه به اقامت سرابشنوی در کاشان می توان تغییر در صورت تلفظ روستای سرابشنوه / سراوشنوه به وشنوه کنونی را پذیرفت.^۱

از میان شخصیت های برجسته شیعه، علامه حلی (متوفی ۷۲۶) را باید نام برد که لازم است تا پژوهشی کامل از نسخه های خطی آثار ایشان صورت گیرد و اطلاعات مختلف آمده در انجامة ها یا آغاز نسخه های کهن کتابت شده ایشان به صورت کاملی استخراج شود. پژوهش مهم مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی با عنوان مکتبة العلامة الحلی (قم، ۱۴۱۶) قدم مهمی در انجام چنین کاری است و آثار بسیار کهنی از علامه در دست است که شاگردان او کتابت کرده اند که گردآوری کامل اطلاعات آمده در انجامة این آثار می تواند برای تحقیق بیشتر در

۱ بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵، ج ۳، ص ۳۹۹ که توضیح درباره سرابشنوه را بار دیگر نقل کرده است؛ بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۰. افندی متن اجازه حسن سرابشنوی به فرزندش را در ضمن شرح حال زین الدین علی بن حسن سرابشنوی آورده است. بنگرید به: ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۹۷-۳۹۸. بر اساس شهرت افراد کاشانی که عموماً اهل روستاهای اطراف کاشان هستند شاید بتوان گفت بیشتر اهل خود شهر کاشان سنی مذهب و روستاهای اطراف آن شیعه مذهب بوده اند. بنگرید به: حمد الله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶۸.

خصوص تاریخ تشیع در قرن هفتم و هشتم مفید باشد.^۱ به عنوان مثال یکی از شاگردان علامه حلی، شخصی است به نام ابوالفتح احمد بن ابی عبدالله بلکو بن ابی طالب آوی که مجموعه‌ای مشتمل بر قواعد المرام فی علم الکلام ابن میثم بحرانی؛ مبادی الوصول الی علم الاصول علامه و نهج المسترشدين فی اصول الدین همورا کتابت کرده و دو کتاب اخیر را نزد علامه و فرزندش خوانده و اجازه روایت دریافت کرده است. مجموعه اخیر به شماره^۴ در

۱ برخی عالمان امامی که خطی نیکو داشته اند، در کار کتابت نسخه هانیز بوده اند و از این رهگذر گذران زندگی می کرده اند. به عنوان مثال یکی از شاگردان شهید ثانی به نام محمد بن احمد بن سید ناصر الدین علوی حسینی حلی که ساها در دمشق و جبل عامل ساکن بوده، به کار کتابت نسخه های شیعی و گاه غیر شیعی مشغول بوده است که به نظرمی رسد برای گذران زندگیش بوده است. برای بحثی درباره وی بنگرید به:

Devin. J. Stewart, "A Case of Twelver Shiite Taqiyyah in 16th-Century Damascus: Claimed Adherence to the Shāfi'ī Legal School," *Rivista degli studi orientali* (forthcoming).

از عالمان امامی اهل حله قرن نهم هجری که در کار کتابت نسخه بوده، می باید به علی بن منصور بن حسین مزیدی اشاره کرده که می دانیم دست کم شاید سه بار کتاب تذکره الفقهاء علامه حلی را کتابت کرده است؛ بار نخست در سال ۸۶۷؛ بار دوم در ۸۷۰ و بار سوم در ۸۷۴. از بار نخست کتابت او مجلدات اول تا سوم مشتمل بر کتاب طهارت به شماره ۱۱۱۷ در کتابخانه مجلس (سنا) با تاریخ فراغت از کتابت ۱۹ رجب ۸۶۷ موجود است که شهرت المزیدی او در فهرست کتابخانه مجلس به المرندی تصحیف شده است (ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳) و مجلد چهارم مشتمل بر زکات و صوم و آغاز حج در کتابخانه آیت الله حکیم به شماره ۳۱۸ (تاریخ فراغت از کتابت ۱۹ رمضان ۸۶۷). از کتابت بار دوم مجلدات دوازدهم و سیزدهم با تاریخ فراغت از کتابت هشتم ربیع الثانی ۸۷۰ در کتابخانه مدرسه فیضه قم به شماره ۴۴۱ و از بار سوم کتابت مجلد مشتمل بر کتاب حج، جهاد و بیع و شفعه با تاریخ کتابت ۸۷۴ در کتابخانه اهیات مشهد دانشگاه فردوسی به شماره ۶۶ موجود است. مجلدی مشتمل بر جلد دهم و یازدهم از کتاب تذکره الفقهاء در کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام نجف موجود است که تاریخ کتابت آن ذکر نشده است. مزیدی همچنین کتاب مختلف الشیعة را کتابت کرده که اکنون بخشی از آن که وی در ۱۵ صفر ۷۵۹ از کتابت آن فراغت حاصل کرده و بعدها در ۷۶۳ آن را مقابله کرده به شماره ۶۶۹۹ در دانشگاه تهران موجود است. درباره مزیدی و دیگر آثار کتابت شده توسط او بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۶۹؛ طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۱۰۰-۱۰۱. ظاهرا کاتب ایضاح الفوائد مجموعه طباطبائی مجلس به شماره ۹۵ که علی بن محمد بن حسین مزیدی است همین علی بن منصور بن حسین مزیدی باشد که در ۷۶۱ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. شهرت مزیدی توسط فهرست نگار محترم مرندی خوانده شده است. بنگرید به: سید محمد منصور بهبهانی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی: کتابهای اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (تهران، ۱۳۸۱ش)، ج ۲۴، ص ۸۶.

کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. وی در پایان کتاب قواعد المرام، در اشاره به جایگاه ابن میثم بحرانی و زمان تألیف و کتابت نسخه توسط خود نوشته است:

«...اتفق فراغ مصنفه و مؤلفه مولا ملک العلماء الدهر مفتی الطوائف، کاشف الحقائق و اللطائف، کمال الملة والدين میثم بن علی بن میثم البحرانی - تغمده الله برحمته و اسکنه ببحوحة جنته - بمدينة السلام فی العشرين من ربيع الاول سنة ست و سبعین و ستمائة و وقع الفراغ من کتابته ظهر یوم العشرين من رجب المرجب لسنة سبع عشر و سبعمائة بسلطانية رحم الله محدثها علی یدی صاحبه ابی الفتوح احمد بن ابی عبدالله بلکوبن ابی طالب الآوی بورک له و بامثاله بحق محمد و آله».

برخی کاتبان انجامة نویسنده در خصوص زمان نگارش کتاب را حذف می کرده اند به همین دلیل نسخه هایی که به نوعی به زمان نگارش کتاب اشاره دارند، اهمیت خاصی از جهت روشن کردن زمان نگارش کتاب یا حتی گاه زمان تقریبی حیات نویسنده دارند. مرحوم آقابزرگ در ذیل القواعد الالهية فی الکلام و الحکمة ابن میثم بحرانی به برخی نسخه های کهن و زمان تألیف کتاب اشاره کرده است. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۷۹. نسخه ای کهن از کتاب قواعد المرام کتابت شده در ۶۹۹ در اختیار مرحوم فخرالدین نصیری بوده است. ابن میثم بحرانی کتاب قواعد را به درخواست عزالدین ابوالمظفر عبدالعزیز بن جعفر بن لیث اشتری نیشابوری (متوفی ۶۷۲) نوشته است (برای شرح حال کوتاه او بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۲۴/۲۰۰۳)، ج ۱۵، ص ۲۴۳) و براین اساس تاریخ تألیف کتاب که ابن بلکو ۶۷۶ ذکر نموده باید ۶۶۶ باشد چرا که با توجه به تقدیم کتاب به عبدالعزیز بن جعفر به نظر می رسد که ابن بلکو در نگارش کلمه ستین به سبعین مرتکب خطا شده است (بنگرید به: عبدالزهراء عویناتی، ابن میثم البحرانی: حیات و آثاره (قم، ۱۳۹۳ش)، ص ۱۴۸). در سنت تراجم نگاری، بخش مهمی از اطلاعات در خصوص افراد بر اساس مطالب آمده در انجامة کتابهای خود شخص تنظیم می شده است. نمونه ای مهم از این سنت، کتاب ریاض العلماء افندی و کتاب طبقات اعلام الشیعة مرحوم آقابزرگ طهرانی است.

نسخه‌ای از کتاب شرح الكلمات المائة من كلام بحر العلوم الزاخر والشرف الفاخر الامام الهمام والاسد القمقام امير المؤمنين وسيد الوصيين على بن ابي طالب عليه افضل الصلوات و اكمل التحيات تأليف الامام الفاضل البارع كمال الدين ميثم بن على البحراني در دست است که شخصی به نام حسن بن محمد بن علی بن مشرف عینائی در ۸۷۰ برای بزرگی به نام شمس الملة والدين محمد بن مجیر کتابت کرده است. متأسفانه درباره کاتب و شخصی که کتاب به جهت او کتابت شده، اطلاعی در دست نیست اما به احتمال بسیار باید یکی از اعیان و اشراف شام باشد. نسخه اخیر اساس تصحیح کتاب ابن ميثم توسط مرحوم محدث ارموی بوده و اکنون همراه دیگر نسخه‌ها باید در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود باشد. انجامة کامل کتاب چنین است:

«وتم الكتاب بعون الملك الوهاب القوى الغلاب ليلة السبت عشية الخامسة من شهر ربيع الاول سنة سبعين وثمانين من هجرة سيد المرسلين على يد العبد الفقير المحتاج الى ربه القدير في التجاوز عن سيئاته و غفران هفواته و العون على قضاء حاجاته حسن بن محمد بن على بن مشرف العينائي - أصلح الله داريه و وفقه للخير و أعانه عليه - آته جواد كريم، خدمة للشيخ التقى و الشهاب المضى الذي تستم من الفضائل أعلى باب و تلبس من التقى و العفة أحسن جلاباب الشيخ شمس الملة و الدين محمد بن مجير لازالت ايامه لامعة بالاقبال و لياليه مقمرة لا يغادرها آفات بمحمد و آله خير آل»^۱.

با توجه به وضعیت مالی عالمان امامی در قرون هفتم تا دهم هجری عموماً آنها خود کاتبان نسخه‌های خطی هستند که نزد استادانشان خوانده‌اند و بر این اساس می‌توان کاتبان نسخه‌های دارای انهاء قرائت بر مؤلف را به احتمال بسیار شاگرد مؤلف دانست، به عنوان مثال نسخه شماره ۲۷۵ کتابخانه آیت الله مرعشی که نسخه‌ای از کتاب مهذب البارع است

۱. تعبیر به کاررفته توسط کاتب دلالت بر تشیع شخصی دارد که نسخه به جهت او کتابت شده است. خواندن بخشی از عبارت انجامة به لطف دوست و سرور گرامی عبدالحق جنبی میسر شد.

توسط فردی به نام علی بن رستم همدانی کتابت شده است.^۱ کاتب در انجامه تنها روز و ماه فراغت از کتابت را ذکر کرده است (وقع الفراغ فی رابع و العشرین صفر ختم الله بالخیر و الظفر علی ید العبد الفقیر المذنب الراجی الی رحمة ربه علی بن رستم الهمدانی غفر الله له). در کنار انجامه کاتب نسخه که پراز حواشی است که نشان می دهد متن به درس نزد ابن فهد خوانده شده است، انهاء قرائت توسط ابن فهد نوشته است (انها ایده الله فی مجالس متعدده آخرها سلخ شوال ختم بالاقبال من سنة خمس و ثلاثین و ثمانائة قراءة و بحثاً و شرحاً و فهماً کتب اضعف العباد احمد بن محمد بن فهد مؤلف الكتاب الحمد لله وحده و صلی الله علی سیدنا محمد و آله). به احتمال بسیار تاریخ کتابت نسخه همان سال ۸۳۵ باشد و کاتب علی بن رستم همدانی از شاگردان ناشناخته ابن فهد حلی باشد که پس از کتابت نسخه، آن را نزد ابن فهد خوانده است. همین گونه حسین بن محمد بن حسن جویانی عاملی مویشی نسخه ای از کتاب مذهب البارع را کتابت کرده که تاریخ فراغت از کتابت جزء اول آن یکشنبه ۲۱ شعبان ۸۱۲ در مدرسه زینیه است و نسخه را سه بار بر ابن فهد خوانده و ابن فهد هر بار گواهی بر قرائت کتاب برای او نوشته است. این نسخه به شماره ۶۷۳۶ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.^۲ از افراد خانواده حر، علی بن محمد بن حر عاملی را می شناسیم که در صفر سال

۱. کتابت برخی از آثار فقهی چون ارشاد الاذهان الی احکام الایمان یا آثار فقهی شهید اول و ثانی و تألیفات محقق کرکی، در قرن دهم تا حدی دلالت بر این دارد که کاتب خود از عالمان است که گاه کاتب با تعبیر «لنفسه» به این مطلب که نسخه را برای استفاده خود کتابت کرده، اشاره کرده است. نام بسیاری از عالمان امامی این دوران در لابه لای فهرس آمده که نامشان در کتابهای تراجم قرن یازدهم و دوازدهم هجری از قلم افتاده است. به عنوان مثال در کتابخانه سید معصوم حسینی قهستانی در شهر قائن به شماره ۱۷ نسخه ای از کتاب ارشاد الاذهان الی احکام الایمان موجود است که حسین بن سلطان علی ورامنی (ورامینی) در روز یکشنبه ۲۶ ذی قعدة ۹۶۷ در شهر ساوه از کتابت آن فراغت حاصل کرده است (...تمت الكتاب بعون الملك الوهاب علی ید الفقیر الحقیر الراجی الی رحمة الله الملك الغنی حسین بن سلطان علی الورامنی غفر الله ذونهما و ستر عیوبهما و قد وقع الفراغ من تسوید فی یوم الاحد سادس و عشر من شهر ذی قعدة الحرام سنة سبع و ستین و تسعمائة... و کتبه فی بلدة ساوه). نسخه تصحیح شده و حواشی بسیار مفصلی در اطراف آن کتابت شده که نشان از آن دارد که نسخه در مجلس درس و بحث مورد استفاده بوده است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه جعفریه (زهان - ایران)، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران،



۸۴۳ نسخه ای از کتاب البیان شهید اول را کتابت کرده و در انجامة نسخه‌های اخیر که ضمن مجموعه شماره ۶۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است، خود را چنین معرفی کرده است: «... فرغ من تعلیقه العبد الفقیر الراجی عفوربه علی بن محمد بن حر العاملی من قریة حدائا و ذلک یوم ثمانیة و عشرین من شهر صفر سنة ثمانمئة و ثلاث و اربعین هجریة حامداً مصلياً علی محمد و آل محمد». در کنار انجامة اخیر انهاء قرائت نسخه به خط احمد بن محمد بن علی بن خاتون بدون اشاره به نام فردی که نسخه را خوانده، چنین آمده است: «انهاه ایده الله قراءة و بحثاً و فهماً و فقه الله و ایتانا لمراضیه و اعانه و ایتانا علی اجتناب معصیته و الانزجار عن نواهیة فی عدّة مجالس آخرها یوم الأحد ثانی عشری ذی قعدة من شهور سنة سبع و تسعمائة هجریة نبویة علی مشرفها الصلوة و السلام و کتب ذلک افقر عباد الله و احوجهم الی عفوه احمد بن محمد بن علی بن خاتون حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً».

در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه‌ای به شماره ۵۶۰۱ موجود است که مشتمل بر تعدادی از آثار ابن فهد به جزیک رساله از شهید اول است. در پایان رساله دوم نام کاتب علی بن موسی البتشی - منسوب به روستای بتشیث در نزدیکی نبطیه - آمده و ظاهراً تمام نسخه به خط او باشد. کاتب نسخه الموجز الحاوی لتحریر الفتاوی ابن فهد را نزد علی بن علی بن محمد بن طی خوانده و او انهایی به تاریخ دوازدهم شوال ۸۵۱ برای او نوشته است (انهاه احسن الله توفیقه و سهل الی کلّ خیر طریقہ قراءة و سماعاً و بحثاً و سأل عن مشکلاته و غوامض مضمراته فاثبت له ذلک بحسب الجهد و اجزت له زاده الله توفیقاً روايته بحق الاجازة عن شیخنا الاعظم عزّ الدین و الدنیا رفع الله... حسن ابن الشیخ جمال الدین یوسف ابن العشرة عن مصنف الكتاب تغمده الله برحمته و لیرو ذلک... محتاطاً فی الروایة و کتب اقل عباد الله علی بن علی بن طی عفی الله عن سیئاته ثانی عشر شوال سنة احد و خمسين و ثمانمئة... و صلی علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم). اجازة اخیر نشانگر آن است که علی بن علی بن طی از شاگردان ابن عشرة کسروانی (متوفی ۸۶۲) بوده است که خود از شاگردان ابن فهد بوده

است (درباره کسروانی بنگرید به: بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹-۲۱۰).
 کاتب المحرر فی الفتاوی ابن فهد را نزد محمد بن احمد شمسطاری خوانده و او انهاء و اجازة روایت برای او نوشته است. شمسطاری در انهاء خود طریق خویش به ابن فهد را نیز آورده است (انهاء - آدم الله فضائله و اسبغ مواصله - قراءة و بحثاً و ضبطاً و سأل فی اثناء البحث عن معضلاته و دقائق مشکلاته، فأجبت (فأثبت؟) له ذلك بحسب ما رویته و قد أجزت له - زاده الله علماً و فضلاً - روایة هذا الكتاب و هو کتاب المحرر فی الفتوی بحق الإجازة عن سيدنا و مولانا، السيد المعظم و المولى المكرم، السيد شمس الملة و الحق و الدين ابن المولى السيد عز الدنيا و الدين ابن السيد المفضل أبی القاسم الحسينى عن الشيخ الامام العالم العامل الفاضل المحقق المدقق صنّف الكتاب جمال الملة و الحق و الدنيا و الدين أبو العباس ابن فهد - تغمده الله برحمته و أسكنه أعلى غرف جنته مع سيد الانبياء محمد و أصفياء عترته - فليرو ذلك لمن شاء و أحب محتاطاً لى و له فى ذلك و كتب أضعف عباد الله محمد ابن احمد شهير بالشمسطارى - عفى الله عن زلله - فى الثانى و العشرين من شهر ربيع الآخر من شهور سنة ثلاثة و خمسين و ثمانمائة هجرية و الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد و آل محمد أتک حميد مجيد فعال لما يريد. تم). شمسطاری سبط يانوه دختری شمس الدين محمد بن عبدالعالى بن نجدة كركى است که در سرار صفر ۸۷۴ درگذشته است (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۸ که شهرت شمسطاری - منسوب به روستای شمسطار - در متن چاپ شده به سمیطاری تصحيف شده است). در اجازات و انهاءات اخير نام چند تن به عنوان شاگردان و راویان از ابن فهد حلی آمده که هویت آنها چندان شناخته شده نیست، شاید فردی که شمسطاری از وی در اجازة به عنوان شیخ روایت نام برده، محمد بن حسن بن ابی القاسم حسینی باشد که نامش به عنوان کسی که انهاء قرائت نسخه ای از تحریر الأحكام موجود در کتابخانه آیت الله مرعشى به شماره ۲۷۲ آمده، باشد. نسخه ۲۷۲ تحریر الأحكام - جلد اول - موجود در کتابخانه آیت الله مرعشى را فردی به نام حسین بن عبدالله بن ترکی الخلیجی در ۸۳۱ کتابت کرده است (تمت القاعدة الاولى و هى العبادات من کتاب تحریر الاحكام و هو آخر الجزء الاول منه و يتلوه فى الثانى القاعدة الثانية فى المعاملات آخر نهار الخميس ثامن جمادى الآخرة سنة احدى و ثلاثين و

ثمانمائه علی ید الفقیر الی الله الغنی حسین بن عبدالله بن ترکی الخلجی حامداً لله تعالی علی نعمه و مستغفراً و مصلياً علی النبی و آله الطاهرين و مسلماً اللهم اغفر لنا و لوالدینا و لمعلمینا و الاخواننا المؤمنین انک انت الغفور الرحیم و اختتم اعمالنا بالخیر یا کریم). در کنار انجامة اخیر دو انهاء قرائت آمده که نام افراد مجیزیکی محمد بن حسن بن ابی القاسم الحسینی و دیگری احمد بن فهد است و کاتب نخست نسخه را نزد ابن فهد و بعد نزد حسینی خوانده است (انهاه ائیده الله فی مجالس متعدده آخرها عاشر جمادی الاولی من سنة اثنین و ثلاثین و ثمانمائه هلالی قراءه و بحثاً و فهماً و استشرحاً و ضبطاً و کتب احمد بن فهد عفی الله عنه؛ انهاه ائیده الله و احسن توفیقه فی مجالس متعدده آخرها خامس شهر ربیع الآخر من سنة ثمان و اربعین و ثمانمائه و کتب محمد بن حسن بن ابی القاسم الحسینی عفی الله عنه). نام حسین بن عبدالله بن ترکی خلجی از شاگردان ابن فهد شناخته شده نیست اما نسخه اخیر دلالت روشنی بر این دارد که وی از شاگردان ابن فهد بوده و کتاب تحریر الاحکام را نزد او خوانده است.^۱ تقریباً دست خط نسخه یکی است و به احتمال قوی علی بن موسی بتشیثی که نامش در پایان رساله دوم آمده، از شاگردان ابن طی و شمسطاری باشد که متأسفانه جز همین نسخه اکنون اطلاع دیگری از او در دست نیست.

در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۴، نسخه ای از کتاب مبادی الوصول و نهج المسترشدين علامه حلی موجود است که کاتب آن احمد بن ابی عبدالله بلکوبن ابی طالب بن علی الآوی است که از کتابت کتاب مبادی الوصول در رمضان سال ۷۰۳ فراغت حاصل کرده و کتاب را نزد علامه حلی خوانده و بر ظهر نسخه اجازه ای از علامه به او آمده است. او همچنین نهج المسترشدين را نزد فخر المحققین خوانده و اجازه روایت آن را گرفته است. نسخه ای از کتاب مبادی الوصول به شماره ۴۹ در همان کتابخانه موجود است که هارون بن حسن

۱. همچنین بنگرید به: سید عبدالعزیز طباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۸۶-۸۷. آقابزرگ نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام را دیده که حسین بن عبدالله بن ترکی خلجی از نگارش تعلیقات خود بر آن در روز چهارشنبه اول محرم سال ۸۲۶ فراغت حاصل کرده است. طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۴۷-۴۸. تاریخ اخیر مؤیدی بر این است که خلجی می توانسته از نظر زمانی شاگرد ابن فهد (متوفی ۸۴۱) بوده باشد.

بن علی طبری در روز دوشنبه بیست و یکم شعبان ۷۰۰ در حله (بحروسة حله) کتابت کرده و از علامه در ۷۰۱ اجازه روایت آن را گرفته است (وی آثار دیگری از علامه را کتابت کرده و از علامه اجازه گرفته است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۹۰-۲۹۱).

درباره رواج تشیع امامی در طبرستان بر پایه نسخه های خطی می توان اطلاعات خوبی را یافت به عنوان مثال نسخه ای مشتمل بر جلد اول تحریر الاحکام به شماره ۳۸۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که کاتب آن شخصی است به نام محمد بن علی طبری که در روز سه شنبه شش روز باقی مانده به ماه صفر ۷۳۷ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده که باید از جمله شاگردان علامه حلی (متوفی ۷۲۶) باشد (..وافق الفراغ يوم الثلاثاء لست بقین من صفر ختم الله بالخیر والظفر لسنة سبع وثلاثین وسبعمائة علی يد العبد الضعیف المحتاج الی رحمة به اللطیف الفقیر الی الله الغنی محمد بن علی الطبری والحمد لله رب العالمین وصلى الله علی محمد النبى وآله الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً). نسخه وقف شده اما مشخص نیست که این را کاتب نسخه انجام داده یا یکی از مالکان بعدی. نسخه بعدها در اختیار شخصی به نام اسکندر بن مهدی الاسترآبادی در ۷۴۹ و محمد بن نعمت الله العقدائی در اول رجب ۷۷۲ و سرانجام در تملک یونس بن حسن بن سیف صیمری بوده است (صاحب و مالک اسکندر بن مهدی الاسترآبادی انتقل منی الی ولدی محمد ابقاه الله تعالی ووقفه لملازمة طاعته ولاسکندر بن مهدی الاسترآبادی فی تاریخ سنة تسع والاربعین وسبعمائة هجرية؛ انتقل الی العبد المحتاج الی رحمة الله الغنی محمد بن نعمت الله العقدائی فی تاریخ غرة رجب سنة اثنی وسبعین وسبعمائة؛ هو؛ من عواری الزمان دخل فی نوبة.. یونس بن حسن بن سیف الصیمری الجزائری...).

نسخه کهن و نفیسی از کتاب النهایة فی مجرد الفقه والفتوی شیخ طوسی به شماره ۲۴۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی مشتمل بر جلد اول و دوم کتاب موجود است که کاتب آن در پایان جزء اول خود را حمزة ابن نصرالله ابن احمد الموصلی معرفی کرده که کتابت نسخه را در چهارم شوال سال ۵۰۷ به پایان برده است (تمّ الجزء الاول من کتاب النهایة یتلوه فی الجزء الثانی کتاب المتاجر والحمد لله رب العالمین. وصلى الله علی سیدنا محمد النبى وآله الطاهرين کتبه

الفقیر الی رحمة الله تعالی حمزة ابن نصر الله ابن احمد الموصلی حامداً لله تعالی و مصلياً علی محمد و اله علیه و علیهم السلام و هو یسأل الله تعالی المغفرة و التوبة له و لجميع المؤمنین و وافق الفراق من نسخه رابع عشر شوال من سنة سبع و خمس مائة و لله الحمد و المنه). این نسخه بعدها در اختیار کسانی بوده از جمله مالکی که نامش نیامده اما در ۷۲۷ از قرائت نسخه نزد حسن بن سداد فراغت حاصل کرده و انهایی توسط همو برایش نوشته شده است (انهاه احسن الله توفیقه و اجزل له من کل عارفه فضله و مزیده قراءه و شرحاً نفعه الله و ایانا به ب محمد و آله و کتب حسن بن سداد فی جمادی الاول من سنة سبع و عشرين و سبع مائة). بر ظهر نسخه نیز اجازه روایت عامی از عبدالله بن علی خواری است که ظاهر در مکه هنگام سفر حج و دیدار با عالم امامی به نام زین الدین علی بن الحسن بن ... الحلّی در ۶۹۱ به او داده است و تنها بخشی از آن قابل خواندن است (يقول العبد الضعیف... عبدالله بن علی الخواری عفا الله عنه انه لما اتفق له السفر الی الحجاز و فقه الله تعالی بالحصول الی المطلوب اجتمع بکثیر من العلماء و الفضلاء... فشهد بصحبتهم فمن جملتهم الحاج العالم العامل الفاضل الكامل العابد الزاهد زین الدین علی بن الحسن ابن... الحلّی.. فوجدته منه اثر الدین و الصلاح مع صفاء... و الاطلاع علی العلوم الدینیة فطلب منی لحسن ظنه و اعتماده بأهل الخیر الاجازة مصنفاً اصحابنا رضی الله عنهم... و کذا أجزت له رواية تصانیف المولی جمال الدین احمد بن طاووس و المولی نجم الدین ابی القاسم جعفر بن سعید... تغمدهم الله جميعاً برحمته و اسکنهم بمبوحه... و کتبت... سنة احدى و تسعين و ستمائة و الحمد لله..). نسخه اخیر بعدها در تملک حسین بن محمد بن علی بن شجاع الانصاری نیز بوده است.

در قرن دهم هجری، راه رسمی کاروان های حج برای حجّاج ایرانی رفتن به دمشق بوده است. حجّاج ایرانی در دهه اول شوال خود را باید به دمشق می رساندند تا با کاروان های حج از در دهه دوم شوال شهر دمشق را ترک می کردند، به سمت حجاز بروند.^۱ برای رفتن به

۱. برای زمان حرکت قافله های شامی از دمشق بنگرید به: عبدالله بن حسین سویدی (متوفی ۱۱۷۴)، النفحة المسکية فی الرحلة المکية، تحقیق عماد عبدالسلام رؤوف (ابوظبی، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ص ۲۸۳ که بیستم شوال را

دمشق، حجاج ایرانی نخست به تبریز رفته و از آنجا به وان، سپس آمد و از آمد به حلب و دمشق می رفتند. در راه بازگشت نیز حجاج ایرانی از همین مسیر به ایران بازمی گشتند.^۱ در

زمان حرکت کاروان حج یاد کرده است. اولیاء چلیپی نیز که در سال ۱۰۸۱ به حج از طریق قافله شامی رفته از رسیدن کاروان حجاج ایرانی در ماه شوال به دمشق سخن گفته و اشاره نموده که از حجاج ایرانی مالیات سنگینی گرفته شد که بخشی از درآمد برای راه اندازی کاروان حج را تأمین کرد (... و قد وصل ألفین من حجاج ایران فی نفس هذا الیوم أيضاً. و تم تحویل خمس عشرة قطعة ذهبية عن کل حاج ایرانی مما شکل عوناً مادياً کبیراً آنذاک... و أخيراً و فی العشرین من شوال سنة إحدى وثمانین و ألف من الهجرة النبوية خرجنا من الشام...). بنگرید به: اولیا چلیپی، الرحلة الحجازية، ترجمها عن التریکیة و قدّم لها الصفصافی احمد المرسی (قاهره: دارالافاق العربیة، ۱۹۹۹/۱۴۲۰)، ص ۷۱-۷۲. برای بحث کلی از اهمیت کاروان حج شام بنگرید به: صالح موسی درادکة، طرق الحج الشامی فی العصور الإسلامية بترکیز علی الطرق فی شرق الأردن (عمان، ۱۹۹۷)؛ محمد محمود خلف العنقره، الحياة الإقتصادية فی الحجاز فی عصر دولة الممالیک (ریاض، ۱۴۲۵)، ص ۶۶-۶۸. کاروان حج شام چند روزی در راه خود در کرک توقف می کرد و نزدیکی کرک به روستای های جبع و جزین فرصت مناسبی برای عالمان امامی ایرانی و ارتباط برقرار کردن با عالمان عاملی بوده است. اما باید توجه داشته در ادوار مختلف و بسته به شدت و ضعف روابط صفویه با عثمانی مشکلاتی وجود داشته است. اسناد آرشیو عثمانی اشارات در این خصوص دارند. به عنوان مثال حکم شماره ۴۶۵ به تاریخ ۱۸ محرم ۹۵۲ از سلطان سلیمان به حاکم شام (دمشق) در پاسخ به عریضه او مبنی بر این که مقامات حکومت دمشق یکی از حاجیان سرشناس ایرانی به نام سید قاسم را که متهم به همکاری با صفویان در سرکوب اهل تسنن در ایران و پیروی از مذهب رفض و الحاد بوده، دستگیر کرده اند و اوزیر استنطاق گفته است که شیعه مذهب نیست و سنی شافعی است و اصالتاً از همدان (در متن بصورت صهران) است و ریاست شافعیان آن ولایت را از زمان قراقوینلوها پدران و خود او بر عهده داشته اند. همچنین اقرار کرده که سنیان همدان مجبور هستند برای شاه سالی یک یا دو بار پیشکش بفرستند. از او همچنین سوال شد که چرا اهل سنت ایران در سالهای اخیر از رفتن به حج پرهیز می کنند و او پاسخ داد که به دلیل بازداشت یکی از حجاج سنی ایرانی به نام خواجه خلیل نخجوانی توسط مقامات عثمانی و نشر اخبار آن در ایران اهل سنت از رفتن به حج پرهیز می کنند. در حاشیه این عریضه سلطان سلیمان به حاکم دمشق دستور داده که این سید قاسم را در زندان نگه ندارد و به او و همراهانش اجازه دهد که برای حج به حجاز بروند. بنگرید به:

Topkapı Sarayı Arşivi, H. 951-952 Tarihi ve E-12321 Numaralı Mühimme Defteri, ed. Halil Sahillioglu (Istanbul: IRCICA, 2002), pp. 336-337.

تشکر از دوست عزیزم دکتر کیومرث قرقلو که مطلب اخیر، از تذکرات ایشان است که از سر لطف متن آن را نیز برای بنده به صورت مکتوب فرستادند.

۱. اعلان تشیع در قرن دهم و منازعات مذهبی صفویه و عثمانی تأثیرات فراوانی بر زندگی شیعیان داشته است. شیعیان شام و جبل عامل که تحت حکم عثمانی می زیسته اند، به همان سنت معهود پیشین خود یعنی تقیه

عمل می کرده اند. شیعیان حجاز خاصه اقلیم بحرین قدیم - مشتمل بر اوال، قطیف و احساء - نیز که در سال ۹۵۷ به قلمرو عثمانی افزوده شد، با مشکلات خاص خود روبرو بوده اند. دوست و سرورم دانشمند عبدالحالق جنبی در اشاره به مشکلات شیعیان در دوره اخیر خاصه سالهای ۹۵۷-۱۰۸۲ در چند یادداشتی مکتوب متذکر شدند: «کتابت فصلاً موثقاً بالمصادر حول معاناة شیعة القطیف و الاحساء مع الدولة العثمانية التي احتلت بلادهم منذ العام ۹۵۷ للهجرة و حتى العام ۱۰۸۲ للهجرة، و ذكرت فيه ما لاقوه من الاضطهاد و ظلم منهم، و ما فعلوه لرفع هذا الاضطهاد و الظلم و ذلك في كتابي: تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين القديم (بيروت: دار المحجة البيضاء، ۲۰۱۵/۱۴۳۶)، انظر الصفحات ۵۸۱-۶۱۱». ایشان در تکمیل مطلب اخیر یادآور شدند: «سبق أن عرض .. کتابين عن تهميش و إقصاء و اضطهاد العثمانيين للشیعة في العراق و بلاد الشام ... (فاطمة حسين العبيدي، سياسة الإقصاء في العهدین العثماني و الدولة العراقية: إقصاء الشیعة إنموجاً، ۲۰۱۶؛ ستيفان ویتتر، الشیعة في لبنان تحت الحكم العثماني، ترجمة محمد حسين المهاجر (بيروت،) و قد وثقت في الطبعة الثانية من كتابي (تاريخ التشيع لأهل البيت في إقليم البحرين القديم) لانطلاق الدولة العثمانية في حربها للصفويين و الشیعة بصفة عامة من مرتکز طائفی حيث استصدر سلاطينها منذ حکم السلطان سليم الأول فتاوی دينية بجواز أو وجوب قتل الشیعة، و سلب أموالهم، و سبي أولادهم و نسائهم باعتبارهم كفاراً غير مسلمين، و هذا الأمر صرح به كثير من ولاة العثمانيين على البلدان الشیعة أو ذات الأغلبية الشیعية التي احتلوها، و هو أمر مدون في الوثائق العثمانية المعتمدة حينها كدفاتر المهمة و دفاتر الطابو و ما شابه». سیاست مصادرة اموال شیعیان در بحرین قدیم، باعث شد تا شیعیان به شیوه های شرعی اموال خود را حفظ کنند. برای این کار آنها دوراه را انتخاب کرده بودند: فروش اموال خود به اشخاصی از اهل سنت که مورد اعتماد بودند و از آنها سندی شرعی دال بر عدم حق تصرف می گرفتند و یا بهره گرفتن از وقف. استاد ارجمند عبدالحالق جنبی در توضیح راه های شرعی حفظ اموال توسط شیعیان یعنی شیوه اول متذکر شدند: «هذه كانت إحدى الطرق التي اتبها القطيفيون و الأحسائيون لحفظ بساتينهم، و هو أن يقوموا ببيعها صورياً على أحد من يثقون به من البدو أو الشخصيات السنية لكي لا تصادر منه، و يأخذ عليه بالمقابل ورقة كهذه ليحفظ بها حقه». سندی که در این عبارت از آن سخن رفته و نحوه های دیگری از آن نیز در دست است، در مجله الواحة، العدد السادس و الستون، السنة الحادية و العشرون، الربع الثالث ۲۰۱۵، چاپ شده است. در توضیح بیشتر ایشان آوردند: «و هو أسلوب - اي بيع الصوري - اتبعه شیعة القطيف و الأحساء حتى قبل استيلاء بنی خالد على الحكم في البلدين، فقد كان العثمانيون أدهى و أمر لآتهم كانوا ينظرون إلى الشیعة على أنهم كفار لا يتوارثون، فكان الوالي العثماني يأخذ ميراث من يموت منهم، و لا سيما الأغنياء و لا يسمح لورثته بأخذها، و تضح دفاتر المهمة العثمانية لتلك الحقبة بالكثير من شکاوى الأهالی من هذا الحال. و من الحيل التي ابتكرها شیعة القطيف و الأحساء لحفظ أموالهم و بساتينهم بالإضافة إلى الحيلة الواردة في هذه الوثيقة حيلة أخرى تقوم ببيع أحد الأغنياء الشیعة لبستان أو أكثر على شخص مقرب و معروف لديه، ثم يقوم هذا الشيخ بوقف تلك البساتين على ذرية الوهاب، و يتم تسجيله كذلك في الأوقاف، و توجد أكثر من وثيقة ذلك، و منها وثيقتان لأبى السعود القطيفی ذاته الوارد في هذه الوثيقة، و هو جد الأسرة القطيفية المعروفة بأل أبى السعود و كان من أكثر القطيفيين غنى و ثراء في زمنه». وثيقة مورد اشاره در یادداشت استاد ارجمند عبدالحالق جنبی که مشخصات چاپش را بیشتر آوردم، چنین است: «نص الوثيقة: أقول و أنا الفقير إلى الله تعالى عبد الرحمن بن

دهه های پنجاه و شصت قرن دهم هجری یعنی میان سالهای ۹۵۰ تا ۹۶۰ عالمان ایرانی از فرصت اخیر برای دیدار با عالمان شیعی شام خاصه زین الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی استفاده می کرده اند. درانجامه های برخی نسخه ها اطلاعاتی از اقامت عالمان ایرانی در روستاهای جبل عامل آمده است. از جمله نسخه ۸۱۵۸ مجلدی از کتاب مختلف الشیعة - که اکنون نسخه حاضر مشتمل بر بخشی از جلد چهارم و پنجم آن در دست است، که کاتب تصریح به کتابت نسخه در روستای میس کرده است. نام کاتب که نسخه را مقابله کرده علی بن انوشیروان مازندرانی است و به شواهد فراوان مقابله نسخه در سراسر نسخه و تصریح به آن در پایان نسخه (بلغ مقابله) وی، باید از عالمان امامی باشد که متأسفانه شرح حال وی در دیگر منابع یا کتابهای تراجم نیامده است. اینکه وی در میس میهمان چه کسی بوده در نسخه اشاره ای نشده است اما می دانیم که خاندان علی بن عبدالعالی میسی (متوفی ۹۳۸) - که از عالمان سرشناس جبل عامل بوده و همراه با علی بن عبدالعالی کرکی مشهور به محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) در سنت فقهی از آنها به علیان یاد شده - در میس اقامت

محمد بن عفالق بأن المبیعات النخیل المتقلات من أبا (أبی) السعود إلیّ، وهو النخل المسمی بالبدارنی، والنخل المسمی بشطیب الحلا (الجالی؟)، والنخل المسمی بالعمارة، مع النخل المسمی بالفلیتی، والنخل المسمی بالغرسات، والنخل المسمی بالکلیبی، کل هذی النخیل المذکورات لیس لی فیهم حق، ولا مستحق، ولا دعوی، ولا طلب بوجه من الوجوه، و لیس لی علیهم إجارة ولا صبرة، ولا رهن ولا إباحة، ولا لی من ثمانية آلاف قلیل ولا کثیر، وإنما هذا مواطاة علی صورة قصدنا بها نفع أبا السعود عن ید غاشمة تخرج نخیل أبا السعود عن یده، وإلا فالی من هذی النخیل حق ولا مستحق، ولا دعوی ولا طلب بوجه من الوجوه وهذا خطی شاهد علیّ، وکبی بالله شهیداً وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم. حضر لذلك محمد بن حسين ابن عفالق؛ حضر لذلك عبدالله بن محمد بن عفالق؛ حضر لذلك وأنا على بن عبدالله آل عمران». در توضیح بیشتر سند منتشر شده در پاورقی آمده است: «هذه الوثيقة غير مؤرخة، لكن يستدل من موضوعها على أنها كتبت في العقد الثاني من القرن ۱۳ هـ ففي هذه الفترة ظهرت وثائق أخرى مشابهة، حول إقرار أشخاص من الأخوة أهل السنة بوضع أيديهم على بعض مملكات أخوتهم الشيعة حفظاً لها من الإغتصاب، وإعطاء ملاكها هذه الأوراق إقراراً منهم بعدم ملكتهم لها. والسبب - كما هو ظاهر من نصوصها - أن أملاك أهل القطفيف تعرضت للإغتصاب بذريعة أنهم ليسوا مسلمين. يمكن الرجوع في ذلك الكتاب (عنوان المجد في تاريخ نجد، تأليف عثمان بن عبدالله بن بشر، تحقيق عبدالرحمن بن عبداللطيف بن عبدالله آل الشيخ، مطبوعات دائرة الملك عبدالعزيز، الرياض، ط ۴، ۱۴۰۲ هـ ۱۹۸۲ م، ج ۱/۱۷۸)».

داشته‌اند و به احتمال بسیار علی بن انوشیروان مازندرانی باید میهمان آنها بوده باشد. کاتب به احتمال بسیار دوره ای کامل از کتاب مختلف الشيعة را کتابت کرده که متأسفانه تنها اکنون در اختیار ما همین مقدار از کتاب می باشد. کاتب در پایان جزء چهارم نوشته است:

«وقع الفراغ من تحريره في ليلة واحد وعشرين من شهر رمضان ختم الله لنا بالرحمة والغفران بمحمد وآله صلوات الله عليه وعليهم ما اختلف الجديان، بيد العبد الحقير الفقير على بن انوشيروان المازندراني غفر الله له ولوالديه وللمؤمنين والمؤمنات في ولاية الشام بقرية ميس والحمد لله وحده والصلوة على محمد وآله وصحبه في سنة سبع وخمسين وتسعمائة من الهجرة النبوية صلى الله عليه وآله واصحابه واعوانه» و در پایان جزء پنجم نوشته است: «تم الجزء الخامس من كتاب مختلف الشيعة في احكام الشريعة بحمد الله تعالى ومنه على يد احوج الخلق الى عفوه وكرمه في الدنيا والآخرة على بن انوشيروان المازندراني في ضحويوم الخميس المنتظم في شهر شوال ختم الله لباقيه بالخير والاقبال بمحمد وآله ذوى المجد والكمال في قرية ميس من قرى الشام في سنة سبع وخمسين وتسعمائة من الهجرة النبوية... والحمد لله حمداً كثيراً صلى الله على محمد وآله صلوة دائمة بما دامت السموات والارضون».^۱

اهمیت لزوم استخراج اطلاعاتی از این دست تنها بدست آوردن مطالبی برای تکمیل شرح حال افراد نیست و برای تبارشناسی نسخه‌های خطی نیز می توان از آنها بهره برد. به عنوان

۱. نسخه به دقت توسط دوست عزیزم آقای جواد بشری در فهرست کتابخانه مجلس معرفی شده است. بنگرید به: جواد بشری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران، ۱۳۸۸ش)، ج ۲۷، بخش اول، ص ۲۸۶-۲۸۸. اطلاع دیگری که از مازندرانی داریم، کتابت نسخه ای از شرح الالفية في فضل الصلوة اليومية محقق کرکی است که به شماره ۲۴۸۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است و در آنجا نام کاتب علی بن انوشیروان مازندرانی آمده اما ظاهراً نسخه فاقد تاریخ کتابت باشد و در توصیف آن تنها گفته شده که در قرن دهم کتابت شده است. نسخه از جمله موقوفات امیر جبرئیل در ۱۰۳۷ بر آستانه رضویه است. متأسفانه امکان رویت نسخه فراهم نشد. تداوم وجود خاندان‌های شیعی مراکز ایرانی پیش از صفویه مانند خاندان فتحان قمی که در کاشان ساکن بوده‌اند، نیز به واسطه ذکر همین شهرت در نسخه‌های خطی قابل پیگیری است. به عنوان مثال در کتابخانه رضوی کاشان به شماره ۸۸ نسخه ای از کتاب مختلف الشيعة موجود است که کاتب آن فردی به نام عبدالرزاق بن عبدالفتاح ادیب قاری فتحانی معرفی شده که علی القاعده باید از همان خاندان فتحان کاشان باشد و در قرن دهم در قید حیات بوده است. بنگرید به: فنخا، ج ۲۸، ص ۷۲۲.

مثال در بررسی نسخه های کتاب منتهی المطلب علامه حلی دریافتیم که یک دوره از این کتاب به درخواست شیخ حسن صاحب معالم کتابت شده و او خود مجلدات کتابت شده را مقابله کرده است اما اجزاء این دوره از کتاب اکنون به صورت پراکنده در کتابخانه های مختلف موجود است. به واقع آثار چند جلدی کتابت شده به صورت پراکنده در کتابخانه های مختلف نگهداری می شود و با بررسی فهرست نسخه ها اکنون می توانیم مجلدات دوره ای از این دست آثار را پیدا کنیم که برای تبارشناسی و نسخه گزینی تصحیح کتب خطی اهمیت فراوانی دارد.^۱

اهمیت حله به عنوان مرکز علمی تشیع در قرون هفتم و هشتم هجری نیز با وجودی که تاریخنگاری محلی درباره این شهر تألیف نشده، می تواند بر اساس اطلاعات فراوانی که در نسخه های خطی عموماً کتابت شده توسط عالمان امامی ساکن یا مهاجر به حله باقی مانده،

۱. نسخه ای از کتاب منتهی المطلب علامه در کتابخانه ملک موجود است که انجامه مهمی دارد که متن آن چنین است: «...تم الجزء الثانی من کتاب منتهی المطلب فی تحقیق المذهب والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین وخلاصة صفوة رب العالمین محمد النبی وعترته الطاهرين المعصومین کتبه العبد الفقیر الی الله مصنفه حسن بن یوسف بن مطهر الحلی غفر الله له ولوالدیه ولکافة المؤمنین والمؤمنات فی ثامن عشر من شهر ربیع الاول من سنة ثلاث وثمانین وستمائة هجرية نبوية. برسم خزانه السید النقیب الطاهر الفاخر الحائز محاسن خصال المفاخر الممتاز باحسن الصفات بین السادات الافاخر مروج طرق الشریعة الغراء رافع لواء الدین بالمحجة البیضاء نقیب نقباء آل ابی طالب شرف اشرف بنی غالب وحید الدنیا والدین بن السید السند النقیب الطاهر شاه اسد الله الحسینی احسن الله احوال المؤمنین بدوام بقاءه ومد الله ظل ظلیله علی محبیه واولیائه ولا زال ممتعاً بالعمر السعید والعیش الرغید آمین اللهم رب العالمین وقد تشرف باتمام هذه النسخة اقل الناس جرماً واعظهم جرماً تراب اقدام المؤمنین الفقیر المحتاج الی رحمة ربه الغنی محمد بن شمس بن علی بن حسن بن ابی الحسن بن جعفر الغسانی الشیبانی الخطی اصلاً والغری مولداً ومسکناً وكان ذلك فی بلد قزوین حرس الله من فیها من المؤمنین ووقع الفراغ من نسختها عصریه یوم الاثنين لخمس خلون من شهر ربیع الاول من شهر احد وثمانین و تسعمائة من الهجرة علی مهاجرها الصلوة والسلام والتحیة والاکرام...». کاتب تصریح دارد که اهل خط و بحرینی است و در نجف سکونت دارد و نسخه را در قزوین نوشته است. به احتمال بسیار کاتب در راه سفر به مشهد رضوی بوده است. نسخه بعدها در تملک شیخ بهایی بوده و عبارت تملک او در پایان انجامه آمده است. شخصی به نام عنایة الله در کنار انجامه از مقابله نسخه سخن گفته و نوشته است: «بلغ مقابله وتصحیحاً بحسب الجهد والطاقة الا ما زاغ عنه البصر فی عصر یوم الثلاثاء خامس والعشرین من شهر جمادی الاول سنة احد و ثمانین و تسعمائة». عبارتی دال بر خرید نسخه توسط یکی دیگر از مالکان نسخه در کنار انجامه آمده است (از جهت نور چشمی ام آقا محمد نصیر ابتیاع شد) و سجع او نیز در زیر عبارت آمده است. بنگرید به: فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک (تهران، ۱۳۵۲ش)، ج ۱، ص ۷۴۵.

اساس تحقیق و پژوهش قرار گیرد. مرکزیت علمی حله خاصه در دوران علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین باعث مهاجرت عالمان امامی از دیگر مناطق به حله برای تحصیل علم شده است. نسخه نفیسی از کتاب النهایة شیخ طوسی که توسط ابوالفرج مسعود بن علی بن ابی الفرج در نیمه روز یکشنبه هجدهم جمادی الاولی ۵۴۶ کتابت شده به شماره ۴۸۷ در کتابخانه مرحوم اصغر مهدوی موجود است. نسخه بعدها در اختیار کسی بوده که هویت او در نسخه موجود ذکر نشده اما وی کتاب رانزد نصر بن محمد بن ابی البرکات در روز پنجشنبه سوم صفر ۷۲۶ خوانده و همو انهایی برای فردی که نسخه رانزدش خوانده در پایان جزء اول کتاب النهایة نوشته است (أنهأ أحسن الله توفيقه وتسديده قراءةً وبحثاً وفهماً وضبطاً وفقه الله وإياناً لمراضیه وأعانہ علی امتثال أوامره والانزاجار عن نواهیہ، وذلك فی مجالس آخرها یوم الخمیس ثالث شهر صفر ختم بالخیر من سنة ست وعشرین وسبعمائة وکتب نصر بن محمد بن أبی البرکات...). پیشتر این نسخه در اختیار علی بن احمد نامی بوده که او نسخه را با نسخه ای دیگر مقابله کرده و در توصیف نسخه ای که کار مقابله را با آن انجام داده در پایان جزء اول، نوشته است:

«بلغ مقابلة وتصحيحاً بأصل قابلته وصحخته من خط علی بن السکون وعلیه خط الشيخ السعيد محمد بن ادریس العجلی رحمه الله و ذکر أنه قابله بخط المصنف وما حکيته علی الهامش عن المصنف فانی نقلته من خط محمد بن ادریس کما وجدته. کتبه علی بن احمد فی العشر الأواخر من ربيع الآخر من سنة ثلاث وستين وستمائة ولله المنة».

علی بن احمد بار دیگر در پایان کتاب در ذیل انجامة مؤلف نوشته است:

«بلغ هذه الكتاب من أوله الى آخره مقابلة وتصحيحاً من نسخة قابلتها بنسخة الشيخ السعيد محمد بن ادریس العجلی - رحمه الله - وهی بخط علی بن السکون و ذکر الفقيه محمد بن ادریس انه قابلها بخط المصنف - قدس الله روحه - وما حکیه علی الهامش فانی نقلته حکایة عن محمد بن ادریس وذلك فی جمادی الاولی من سنة ثلاث وستين وستمائة کتبه علی بن احمد فی التاريخ».

علی بن احمد بن طراد حلی شخصیتی شناخته شده است و بر اساس دو عبارتی که او

نوشته مشخص است که نسخه زمانی در تملک او در ۶۶۳ بوده است جز آنکه تاریخ اخیر را می توان ۷۶۳ نیز خواند. تاریخ دقیق درگذشت او را محمد بن علی جباعی در مجموعه خود به نقل از شهید اول، روز جمعه اول رجب سال ۷۶۲ ذکر کرده است اما به نظر می رسد که خطایی در ذکر سال درگذشت ابن طراد رخ داده باشد و سال درگذشت او به جای ۷۶۲ در صورتی که وی با فردی که نامش در انجامة نسخه النهایة آمده یکی باشد، تاریخ باید ۷۶۳ باشد البته این در صورتی است که علی بن احمد همان علی بن احمد بن طراد مطارآبادی باشد. ابن طراد حلی مطارآبادی از شاگردان علامه حلی (متوفی ۷۲۶) بوده و بر اساس اطلاع اخیر مشخص می شود که عمری نسبتاً طولانی داشته و شهید اول در ششم ربیع الآخر سال ۷۵۴ در حله او را دیده و چندین حدیث به طرق مختلف او به واسطه مشایخش از وی روایت کرده است (افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۶). برخلاف علی بن احمد که هویتش شناخته شده می باشد، فرد دیگری یعنی محمد بن نصر بن ابی البرکات فرد شناخته شده ای نیست تنها به نظر می رسد که از عالمان امامی حله بوده باشد. افندی (ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۴۳) از فقیهی به نام نصر بن ابی البرکات نام برده که از بزرگان فقهاء معاصر علامه یا پس از او بوده و اطلاع دیگری در خصوص او در دست نبوده که شاید وی همین نصر بن محمد بن ابی البرکات باشد که نامش به عنوان شیخ اجازه (مجیز) در اینجا آمده است. اما پرسش این است که مالک نسخه و شخصی که مجاز از محمد بن نصر بن ابی البرکات بوده چه کسی بوده است؟ نام وی که باید در تاریخ مذکور مالک نسخه نیز بوده است، در اوراق فعلی نسخه نیامده و شاید در اصل نسخه نیز او نام خود را متذکر نشده باشد. پاسخ به پرسش اخیر در نسخه ۲۰۲ کتاب شرائع الاسلام موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی است که کاتب آن شخصی است به نام حسین بن محمد استرآبادی که نسخه ای از شرائع الاسلام را کتابت کرده که اکنون جزء اول آن به شماره اخیر در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است و عباراتی که در انجامة آورده می توان دریافت که وی تنها فردی کاتب نبوده است و اساساً نسخه های شرائع کتابت شده در فاصله قرن هفتم تا دهم عموماً توسط عالمان امامی کتابت شده است. او در انجامة زمان فراغت از کتابت نسخه را به همراه توضیحاتی چنین ذکر کرده است:

«تم آخر الجزء الأول و الحمد لله وحده و يتلوه في الثاني كتاب النكاح فرغ من تعليقه يوم الخميس رابع ربيع الآخر من سنة ثلاثين و سبعمائة الهجرية العبد الفقير الى الله تعالى حسين بن محمد الإسترآبادى المجاور فى تاريخه و الحمد لله رب العالمين و صلواته على سيدنا محمد و آله الطاهرين رب اختم بالحسنى يا ارحم الراحمين».

تعبیر «مجاور» به نحو مطلق ظاهراً دلالت بر اقامت کاتب در مگه دارد مگر آنکه قرینه‌ای برای توضیح لفظ مجاور بتوان یافت که در این مورد نیز ظاهراً مراد از مجاور اقامت حسین بن محمد استرآبادی در نجف یا کربلاء باشد. حسین بن محمد استرآبادی از کتابت نسخه‌ای از مصباح السالکین ابن میثم بحرانی در چهارشنبه ۲۲ محرم ۷۳۰ در نجف فراغت حاصل کرده که نسخه اخیر به شماره ۱۹۷ در کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهر اردکان موجود است و خط آن نیز با خط نسخه ۲۰۲ شرائع الاسلام کتابخانه آیت الله مرعشی یکسان است. وی در انجامة مصباح السالکین نوشته است:

«... وقع الفراغ بمنه و لطفه يوم الاربعاء ثانی و عشرين محرم سنة ثلاثين و سبع مائة الهجرية و ذلك بالمشهد الشريف الغروی صلوات الله على مشرفه، آمنه الله تعالى من البليات علقه العبد الفقير الى الله تعالى المحتاج الى عفو و غفرانه حسين بن محمد الاسترآبادى المجاور عفا الله عنه و لمن قال آمين يا رب العالمين و الحمد لله وحده»^۱.

براین اساس حسین بن محمد استرآبادی زمانی که در نجف مجاور بوده یعنی ۷۳۰ نسخه‌ای از کتاب شرائع الاسلام علامه حلی را کتابت کرده و تعلیقه زده و بعدها به حله سفر کرده و آن را نزد مشایخ آنجا بار دیگر خوانده است که دوانه‌ها آمده در زیر انجامة کتابت شده از او به این مطلب اشاره دارد.^۲ در زیر عبارت انجامة حسین بن محمد استرآبادی دوانه‌ها آمده است

۱. برای گزارش نسخه و تصویر انجامة آن بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام (اردکان - ایران) (قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۴ ش/ ۱۴۲۶)، دفتر اول، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲. تاریخ فراغت از کتابت نسخه توسط حسین بن محمد استرآبادی به خطا در فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی (ج ۱، ص ۲۳۳) سال ۷۰۳ آمده و همین خطا به فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۸، ص ۸۳۹ نیز سرایت کرده است. خوشبختانه تصویری از انجامة نسخه در بخش تصاویر آمده که به وضوح تاریخ در آن

یکی از نصر بن محمد بن ابی البرکات در شانزدهم محرم سال ۷۵۱ (انهاه احسن الله توفيقه و تسديده و اجزل من كل عارفة حظه و مزیده قراءة و بحثاً و فهماً و ضبطاً و شرحاً وفقه الله و ایتانا لمراضیه و اعانه على امتثال اوامره و الانزجار عن نواهیه... سادس عشری المحرم الحرام.... سنة احدى و خمسين و سبعمائة و كتب نصر بن محمد بن ابی البرکات حامداً لله تعالى مصلياً على رسوله...) و دیگری از علی بن طراد در میانه صفر ۷۳۳ (انهاه وفقه الله تعالى و اتم نعمته عليه.. معروفة... قراءة و بحثاً و ضبطاً و شرحاً نفع الله تعالى... به بئنه و لطفه في منتصف شهر صفر ختم (بالخير و الظفر) سنة ثلاث و ثلاثين و سبعمائة و كتب على بن طراد...).. برای این اساس شاید و به احتمال بسیار شخص مجاز در نسخه النهایه کسی جز حسین بن محمد استرآبادی نیست که مالک نسخه بوده و آن را در حله نزد مشایخ بزرگ حله که شاگردان علامه حلی بوده اند، خوانده و اجازه روایت گرفته است. نسخه اخیر ارتباط علمی میان عالمان ایرانی استرآبادی و حله را نشان می دهد. به واقع توجه به شواهد نسخه شناسی حتی در مواردی می تواند فقدان اطلاعات در منابع تاریخ نگاری رسمی درباره عالمان امامی سده های گذشته را نشان دهد که در جوامع سنی نشین تقیه کرده و خود را عموماً شافعی معرفی می کرده اند.

مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی در تالیف ارزشمند خود درباره رجال امامیه یعنی طبقات اعلام الشیعة، بخش مهمی از اطلاعات خود را از یادداشت ها و اطلاعات آمده بر ظهر نسخه های خطی، خاصه کتابخانه های عراق گردآوری کرده است، ظاهراً برای چنین کاری ایشان فهرستی قابل استفاده برای خود از کتابخانه های مختلف که امکان مراجعه و رؤیت نسخه های آنها برایش میسر می شده، فراهم می کرده است از جمله این فهرست ها، به تصریح حسین علی محفوظ^۱، فهرستی از کتابهای متعلق به کتابخانه حرم علوی بوده است. در مواردی مطالب

۷۳۰ خوانده می شود.

۱. بنگرید به: حسین علی محفوظ، «فهرست الخزانة الغرویة بالنجف فی مشهد أمير المؤمنين الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)»، معهد المخطوطات العربیة، المجلد الخامس، ذو القعدة ۱۳۷۸، الجزء الاول، ص ۲۳-۳۰. محفوظ (ص ۲۳) در اشاره به فهرست آقابزرگ از کتابخانه امیر المؤمنین نوشته است: «زار هذه الخزانة فئة من الأفاضل، منهم شیخنا العلامة المعمر المورخ... آقابزرگ... ثم وقفت إلى زيارتها فی السنة الماضية و قید أسماء بعض كتبها و قابلته بالفهرس الذي صنعه الشيخ الطهرانی...». آقابزرگ ظاهراً در خصوص تمام کتابخانه هایی که امکان رؤیت

دیگری در کتابهای تراجم نگاری خاصه اهل سنت می‌توان یافت که از آنها جهت تکمیل اطلاعاتی که مرحوم آقابزرگ آورده بهره جست، در مواردی نیز به دلیل عدم انتقال میراث‌های برخی مناطق شیعه نشین خاصه شام به سمت عراق به دلایل مختلفی، شرح حال برخی عالمان شیعی خاصه مناطق جبل عامل منحصر در کتابهای تاریخی، تاریخ نگاران شام باقی مانده است. در سده‌های گذشته، عالمان امامی که به محافل اهل سنت رفت و آمد داشته‌اند یا در شهرهای که غلبه با اهل سنت بوده، اقامت داشته‌اند یا سکنی گزیده‌اند، روزگار خود را به تقیه می‌گذرانده‌اند و در خصوص فقیهان شیعی دانسته است که بنا بر یک سنت بسیار کهن در محافل سنی خود را شافعی معرفی می‌کرده‌اند از این روشگفت نخواهد بود که شرح حال برخی از عالمان شیعی را بتوان در کتابهای تراجم عالمان شافعی یافت.

نمونه‌ای جالب توجه از این عالمان ابوالخیر مبارک بن یحیی بن مبارک بن مقبل حمصی (متوفی ۶۵۸) است. شرح حال عالم مذکور حتی در منابع شرح حال نگاری کهن شیعی نیز نیامده است. از این گونه مطالب نیز به عنوان افزوده‌هایی لازم است تا در تصحیح مجدد طبقات اعلام الشیعة بهره جست. قطب الدین موسی بن محمد یونینی (متوفی ۷۲۶) که شرح حال ابن مقبل را آورده، در اشاره به او نوشته است: «المبارک بن یحیی بن المبارک بن مقبل ابوالخیر مخلص الدین الغسانی الحمصی کان من الفضلاء المشهورین بمعرفة الادب والانساب وایام الناس، سنی المذهب (در چاپ دیگری از کتاب به جای تعبیر اخیر عبارت و هو احد مشایخ الشیعة آمده که ظاهراً در نسخه‌های بعد به تعبیر سنی المذهب تغییر داده شده است. ذهبی در تاریخ الاسلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۲۴)، ج ۱۴، ص ۹۰۱ شرح حال ابن مقبل را به نقل از یونینی آورده و تعبیر سنی المذهب را آورده است. در هر حال ذکر تعبیر اخیر و تصریح به آن نشانگر آن است که در خصوص مذهب ابن مقبل حرف و حدیث‌های بوده که منابع رجال نویسی سنی منکر آن بوده‌اند. با توجه به اینکه ابن مقبل تقیه می‌کرده در

نسخه‌هایش برای او فراهم بوده، فهرستی قابل استفاده برای خود تهیه کرده و اطلاعات این فهرست‌ها را به تفاریق در کتاب الذریعه والطبقات آورده است. درباره این شیوه از گردآوری اطلاعات که باعث ورود اطلاعات و عناوین تکراری در کتاب الذریعه شده، در آخر نوشتار حاضر توضیح داده شده است.

محافل سنی، باید تظاهر به شافعی بودن می کرده است) اختصر کتاب الجمهرة فی الانساب لابن الكلبي اختصاراً حسناً دلّ علی غزارة فضله و معرفته وله كتاب المشجر فی النسب ایضا و غیر ذلك من جموع مفیدة و لما ورد التترالی الشام فی هذه السنة خرج من حمص مجفلاً فی شهر ربیع الآخر و لجأ الی جبل لبنان یعتصم فی بعض القرى الوعرة التي بأجبل فأدرکته منيته و قد نیف علی الستین سنة من العمر و دفن حیث توفی رحمه الله تعالی و من شعره مما نقلته من خطه علی ظهر مجلد...». بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی، ذیل مرآة الزمان (حیدرآباد دکن: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۵/۱۹۵۵)، ج ۲، ص ۳۶-۳۸.

پناه بردن ابن مقبل به روستای درکوه های لبنان - که باید روستای شیعه نشین باشد - جالب توجه است. دلالت روشن تر بر شیعی بودن ابن مقبل، مطالبی است که یونینی در شرح حال شاگرد وی ابن ملی بعلبکی آورده است. یونینی در ذیل درگذشتگان سال ۶۹۹ نوشته است: «و فیها، توفی الشیخ الإمام العالم البارع الكبير نجم الدین ابوالعباس أحمد بن محسن بن ملی يعرف بالأنصاری البعلبکی الشافعی الأصولی المتکلم، مولده سنة سبع عشرة و ست مئة ببعلبک سمع من البهاء عبدالرحمن و أبی المجد القزوينی و ابن الزبیدی و ابن رواحه، و اشتغل بدمشق، و أخذ العربية عن أبی عمرو بن الحاجب، و الفقه عن ابن عبدالسلام الشافعی و الحديث عن الزکی المنذری، و الأصول عن جماعة، و قرأ القانون و کتبا کثیرة فی الطب و الأصول و الهندسة و أظنه اشتغل علی عزالدین بن معقل فی مذهب الشيعة، و غیر ذلك من العلوم، و درّس و أفتی... و كان إماماً فی مذهب الشافعی و كذلك مذهب الشيعة، یقتدی به و كان عنده خلاف لكل من اجتمع به من أصحاب المذاهب... و توفی بقریة یجمعون من جبل الظنین»^۱.

از سوی دیگر در میان عالمان شام و جبل عامل دست کم از قرن ششم هجری به بعد، شواهد روشنی در دست است که عالمان مذکور به عنوان سنی متداول به مراکز علمی اهل سنت رفت و آمد داشته و اجازات روایت از همتایان سنی خود اخذ می کرده اند که البته در این موارد خود را شافعی معرفی می کرده اند. مرحوم آقا بزرگ در مجلد مربوط به عالمان شیعی قرن

۱. بنگرید به: قطب الدین موسی بن محمد یونینی، ذیل مرآة الزمان، دراسة و تحقیق حمزة عباس (ابوظبی، المجمع الثقافی، ۲۰۰۷)، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۳۷.

هشتم (الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة)، صفحه ۵-۶ عالمی به نام احمد بن حسن بن علی بن خلیفه الحسینی الآوی را نام برده است. تنها منبع آقابزرگ در معرفی فرد اخیر متن وقف نامه ای است که برادرزاده فرد اخیر به نام سید صدرالدین محمد بن شرف الدین محمود بن عزالدین حسن در سال ۷۷۵ بر ظهر نسخه ای از شرح القصيدة البائية بر خزانه غرویه نگاشته است. آقابزرگ که اطلاع بیشتری درباره دو فرد اخیر نداشته در ادامه مطلب گفته که احتمال دارد که وقف مذکور پس از درگذشت مالک نسخه صورت گرفته باشد (و ظاهر آنه من کتب عمه وقفه بعد وفاته). تقریباً مطالب دانسته در سنت شرح حال نگاری امامیه درباره فرد اخیر محدود به همین مطالب بوده است (برای مثال بنگرید به: مکتبة الروضة الحیدریة، ص ۶۸). شرح حال نسبتاً مفصّلی از سید احمد بن حسن بن علی بن خلیفه آوی در طبقات الشافعیة الکبری تاج الدین سبکی (متوفی ۷۷۱) آمده است. وی در جلد نهم کتاب خود، صفحات ۷-۸ شرح حال او را چنین گزارش کرده است:

«أحمد بن الحسن بن علی بن خلیفه الحسینی الآوی (در متن چاپ شده الأنجلی که ناشی از خطای مصححان و ناآشنایی با نام آوه است و به همین دلیل در پاورقی نیز مطالبی درباره انچه آورده اند که البته بی ربط است)، صاحبنا السید الإمام المحقق النظار، السید مجیرالدین ابوالعباس، ولد تسع وثمانین وستمائة وقرأ فی بلاد العجم المعقولات فاحکها عند الشیخ بدرالدین الششتری وابن المطهر (مراد علامه حلی است که البته ظاهراً این شکل ذکر نام او برای عالمان سنی شناخته شده نبوده و دستکم چندان با آن آشنا نبوده اند و ممکن است که گمان می کرده اند نام عالمی شافعی در عراق عجم یا عرب باشد که آوی نزد او تحصیل کرده است) و غیرهما. وبرع فی المنطق و الکلام و الأصول مع مشارکته فی الفقه و ناظر فی بلاده و شغل بالعلم. ثمّ قدم الشام سنة تسع و ثلاثین و سبعمائة و استوطنها و جرت له فیها مباحث جليلة مع الوالد رحمه الله و مع غیره. وکان ذا مال جزیل و مع ذلك لا یفتر عن طلب العلم، و یشغل الطلبة صیحة کلّ یوم و لم یرج جارنا الأدنى فی المسکن، و صاحبنا الأکید إلی أن توفی فی شهر رمضان سنة خمس و ستین و سبعمائة عن ستّ و سبعین سنة»^۱.

۱. ابن فهد مکی در کتاب لحظ الألاحظ، ص ۱۴۴ به کوتاهی از احمد بن حسن در ذیل درگذشتگان ۷۶۵ یاد

خوشبختانه درباره مجیرالدین ابوالعباس احمد بن حسن بن خلیفه حسینی آوی، اطلاعات دیگری به دست آمده که می تواند مطالب دانسته درباره او را تکمیل کند از جمله برخی نسخه هایی دیگر که توسط برادرزاده اش - صدرالدین محمد بن شرف الدین محمود بن حسن بن علی بن خلیفه آوی - وقف حرم علوی شده از جمله نسخه ای از کتاب الإرشاد فی علم الخلاف و الجدل تألیف رکن الدین محمد بن محمد عمیدی سمرقندی که سید صدرالدین آوی در روز هشتم رجب ۷۷۶ وقف حرم کرده است.^۱ مرحوم سید محسن امین، نسخه ای از شرح مقصوده ابن خالویه را در کتابخانه حرم علوی دیده که بر روی آن اجازه ای از ابن خالویه به ابوالحسن محمد بن عبدالله شاعر مشهور به سلامی (متوفی ۳۹۳) بوده و بر روی آن اجازه ای نیز از سلامت بن محمد بن حرب به محمد بن عبیدالله عجمی در ۳۷۵ نیز

کرده و در اشاره به او نوشته است: «...والشرف الإمام مجد الدین ابوالعباس أحمد بن الحسن ابن علی بن خلیفه الحسینی التاجر فی لیلۃ الأربعاء رابع عشری شهر رمضان ومولده فی سنة إحدى وتسعين وستمائة». در میان اجازات تا کون شناخته شده علامه حلی، نام و نشانی از احمد بن حسن بن علی بن خلیفه حسینی نیامده است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، «اجازات علامه حلی»، میراث حدیث شیعه، دفتر نهم، ص ۵۱۰-۵۳۱.

۱. بنگرید به: السید هاشم المیلانی، مکتبه الروضة الحیدریة: جهود و جهاد (نجف: منشورات الإجتهد، ۲۰۰۸/۱۴۲۹)، ص ۱۱۶. نسخه ای نیز از کتاب المباحث السنیة فی المعارضات التصیریة در دست است که در ۷۱۸ توسط عبدالرومی نامی کتابت شده و در آخر آن آمده است: «قول علی الأصل المنقول عنه». نسخه اخیر در کتابخانه امیر المؤمنین است و از جمله کتابهایی است که سید صدرالدین محمد بن حسن بن علی بن خلیفه الحسینی آوی به نیابت از عمویش مجدالدین احمد بن حسن بن علی در ۷۷۵ وقف حرم کرده است. بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی (قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۳۷۴/۱۴۱۶ ش)، ص ۱۶۸-۱۶۹. حسن بن علی بن خلیفه آوی برادر دیگری هم به نام حیدر دارد که فرزند او عزالدین علی بن بهاء الدین حیدر بن عزالدین حسن بن علی بن خلیفه حسینی آوی نسخه هایی را وقف بر کتابخانه حرم حضرت علی علیه السلام نموده که از جمله آنها جزء سوم از المنصص فی شرح الملخص دبیران قزوینی علی بن عمر کاتبی که عبارت وقفیه ای به تاریخ ۷۱۶ بر آن درج شده اکنون در کتابخانه حرم حضرت علی علیه السلام موجود است. بنگرید به: طبقات اعلام الشیعة: الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة، ص ۱۴۰. اطلاعات آقاییزگ درباره نسخه های گاه قدیمی موجود در کتابخانه حرم حضرت علی علیه السلام در میان آثار او به صورت پراکنده فراوان است جز آنکه کمتر توصیفات کاملی از آنها ارائه شده است. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۵، ص ۵۰ که نسخه ای کهن از کتاب صفوة الصفا بن بزاز و احتمالاً نسخه به خط مؤلف را معرفی کرده اند.

بوده است. بر ظهر نسخه وقف نامه ای بوده که مرحوم سید محسن امین متن آن را نیز نقل کرده است. وقف نامه اخیر، متن وقف نامه سید صدرالدین بوده که در آن توضیح داده، نسخه حاضر و ظاهراً دیگر نسخه که توسط او وقف شده، به وصیت عمویش بوده است. متن وقف نامه چنین است:

«هذا ما اوقفه السيد المعظم، صدر الدين بن محمد ابن السيد شرف الدين بن محمود ابن الحسن بن خليفة الآوى وهو وقف عن عمه السيد السعيد احمد بن الحسن بن على بن خليفة الآوى بموجب وصية صدرت عنه على الحضرة الشريفة الغروية وان لا يخرج منها الا برهن يحفظ القيمة فن بدله بعدما سمعه الآية (بخشى از آیه بقره ۱۸۱ که در اشاره به عدم تغییر در وقف و حرمت آن عموماً در نسخه‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد) و کتب فی رجب سنة خمس و سبعین و سبعمائة» (اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۲۲؛ مکتبه الروضة الحیدریة، ص ۷۷. از دوست عزیز ابوجعفر حلی که متن وقف نامه را برایم فرستاد سپاس فراوان دارم که بر اساس تصویر ارسالی او برخی کلمات افتاده در متن اعیان اصلاح شد).

نمونه‌های ارایه شده در این نوشتار نشان می‌دهد که چگونه پژوهشگر تاریخ تشیع می‌تواند با بهره‌گیری از نسخه‌های خطی و اطلاعات آمده در انجمنه یا ظهر نسخه‌های خطی به تحقیق درباره تاریخ تشیع در سده‌های گذشته بپردازد؛ کاری که هنوز در ابتدای آن هستیم و در مقاله‌ای مفصل اهمیت گردآوری چنین اطلاعاتی برای شناخت خاندان آل حسام شام را به تفصیل نشان داده‌ام^۱ و استاد ارجمند حجت الاسلام والمسلمین حسین واثقی نیز در دو کتاب

۱. محمد کاظم رحمتی، «آل حسام خاندانی شیعی از جبل عامل»، میراث شهاب، شماره ۸۳، سال بیست و دوم (بهار ۱۳۹۵ش)، ص ۳-۴۰. درباره تشیع در شام و اساس سنت‌های جوامع شیعه نشین تا پیش از قرن دهم به نحو عام و اخذ اجازه توسط عالمان امامی از همتایان سنی خود، این نکته را در جایی دیگر به تفصیل متذکر شده‌ام که اساساً اخذ چنین اجازاتی بر اساس تقیه بوده و عالمان امامی برای رفع خطرات احتمالی و یا تصدی سمت تدریس در مدارس اهل سنت که تدریس فقه شیعه در آنها ممنوع بوده، به اخذ اجازات اهتمام داشته‌اند هر چند اخذ چنین اجازات فواید علمی دیگر نیز داشته است (بنگرید به توضیحات محقق کرکی در ضمن اجازه خود به قاضی صفی‌الدین عیسی در بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۷۹-۸۰). دشواری زندگی شیعیان در شام به گونه‌ای بوده که گاه عالمان امامی که متصدی سمت‌هایی بوده‌اند، به دلیل بیم از شناخته شدن به تشیع اجازه روایت یا حتی استنساخ آثار خود را به دیگر عالمان امامی معاصر خود نداده‌اند. این مطلب در شرح حال ابوالاعز

ارزشمند التراث المکی (قم، ۱۴۳۱) و المدنیات (قم، ۱۴۳۳/۱۳۹۱ش) نیز با تمرکز بر نسخه‌های خطی، اطلاعات ارزشمندی درباره تشیع در مکه و مدینه گردآورده‌اند که برای مطالعه تاریخ این دو شهر در سده‌های گذشته منبعی بسیار ارزشمند است. دو شهر حله و استرآباد نیز از شهرهای هستند که تاریخ محلی ندارند اما اطلاعات فراوانی درباره آنها در نسخه‌های خطی و انجامة نسخه‌ها موجود است که استخراج آنها برای مطالعه تاریخ دو شهر اخیر و شناخت خاندان‌ها و عالمان شیعی ساکن در این دو شهر مهم که پیش از صفویه از مراکز مهم علمی تشیع بوده‌اند، بسیار ضروری است. به عنوان مثال نسخه‌ای مشتمل بر بخشی از کتاب ارشاد الازدهان علامه حلی در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۶۷۱۹ موجود است که کاتب آن شخصی است به نام حسین بن حسن بن حسین حاجی استرآبادی. وی در انجامة کتاب از کتابت نسخه خود در هنگام عصر روز چهارشنبه اوایل رجب سال ۷۹۹ در مدرسه استادش سخن گفته اما متأسفانه این بخش نسخه چندان خوانا نیست (...تم الكتاب والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین و فرغ من نقله وقت العصر یوم الاربعاء من اوایل شهر رجب المرجب سنة تسع وتسعین و سبعمائة علی ید العبد الضعیف النحیف حسین بن حسن بن حسین حاجی استرآبادی فی مدرسة مولانا معظم مولانا ادام...). به فارسی در کنار انجام کاتب نوشته است: خدایش بیامرز هر کس که بدین کتاب ارشاد رسد / ما را بیک فاتحه فریاد رسد. نسخه رابعدها کسی به نام برهان بن صفی الجرجانی خریده است (نقل الی هذا الكتاب بالبیع الشرعی وانا العبد برهان بن صفی

اشرف بن اغر حسنی مشهور به تاج العلی که در روز یکشنبه آخر صفر ۶۱۰ در حلب درگذشته، مورد تصریح ابن ابی طی قرار گرفته و او ضمن نام بردن از تعدادی از آثار تاج العلی گفته وی در پاسخ به تقاضایش که اجازه استنساخ آنها و قرائت بر او را داشته، متصدی سمتی در نزد ابویان را ذکر کرده و از دادن چنین اجازه‌ای به ابن ابی طی اجتناب کرده است (...فسألته أن یأذن لی فی نسخ هذه الكتب وقراءتها، فاعتذر بالتقیة وأنه مستزرق من طائفة النصب...). بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۲۴/۲۰۰۳)، ج ۱۳، ص ۲۳۶. تاج العلی اجازاتی از همتایان سنی خود داشته هر چند در خصوص طرق روایی او حرف و حدیث‌های نیز بوده است. برای شرح حال تفصیلی او بنگرید به: ابن عدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، حقه و قدم له سهیل زکار (بیروت، ۱۴۰۸/۱۹۸۸)، ج ۴، ص ۱۸۷۵-۱۸۸۴.



الجرجانی). همچنین بنگرید به: سید عبدالعزیز طباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۳۶. دربارهٔ مدرسهٔ زینیه حله که یکی از مدارس مشهور شهر حله برای چند قرن بوده، در مقاله‌ای دیگر سخن گفته ام (بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «مدرسهٔ زینیه حله»، میراث شهاب، سال بیست و یکم، شمارهٔ سوم و چهارم، مسلسل ۸۱-۸۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش)، ص ۱۵۹-۱۶۸) اکنون این مطلب را نیز باید به آن مقاله افزود که نسخهٔ ۶۷۳۲ کتابخانهٔ آیت الله مرعشی که نسخه‌ای از کتاب تحریر الاحکام مشتمل بر قاعدهٔ اول و دوم است توسط محمود بن محمد بن بدر در روز سه شنبه ششم رجب ۷۲۲ در مدرسه زینیه، در کنار مقام صاحب الزمان کتابت شده جز آنکه نام مدرسه پاک شده است (...تتمت القاعدة الاولى وهی العبادات من کتاب التحرير ویتلوه الجزء الثاني منه وهی القاعدة الثانية فی المعاملات و فرغ من تسويده مصنفه حسن بن يوسف بن مطهر فی... الثلاثاء عاشر ربيع الاول من سنة تسعين و ستمائة والحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين. هذه صورة خط المصنف دام الله .. و فرغ العبد الاصغر من كتابته وهو محمود بن محمد بن بدر... سادس من شهر رجب الاصم عام ثلاث وعشرين و سبعمائة.. غفر له ولوالدینا ولجميع المؤمنین والمؤمنات بحق محمد وآله الاخيار الابرار... صاحب الزمان بحروسة الحلة حماه الله...). ارجاع اخیر مطلب مهمی است که از شهرت مدرسهٔ زینیه و مقام صاحب الزمان در روزگار علامه حلی خبر می دهد. در کنار انجامهٔ نسخه علامه حلی انهاء قرائت ظاهراً برای کاتب نوشته است (انها ایده الله تعالی قراءة و بحثاً وفهماً وضبطاً واستشراحاً و ذلك فی مجالس آخرها سادس عشرين جمادی الآخر من سنة اربع وعشرين و سبعمائة و کتب حسن بن يوسف المطهر الحلی... مصلياً مستغفراً)¹.

۱. همچنین بنگرید به: سید عبدالعزیز طباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۷۹؛ احمد علی مجید الحلی، تاریخ مقام صاحب العصر والزمان علیه السلام فی الحلة (قم: دلیل ما، ۱۴۲۶)، ص ۴۲-۴۶. همین گونه شهر نجف که روزگار درازی است که مرکز علمی تشیع بوده و هست، فاقد تاریخ محلی است اما اطلاعات بسیار فراوانی در خصوص فعالیت های علمی عالمان امامی در ادوار مختلف تاریخی دربارهٔ آن در نسخه های خطی وجود دارد. به عنوان مثال نسخه ای کهن و احتمالاً از قرن هفتم از کتاب الارشاد شیخ مفید به شمارهٔ ۷۲۲۰ در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی وجود دارد که فردی به نام سلمان / سلیمان بن محمد بن سلمان / سلیمان الحائری کتابت کرده و گاه تعلیقاتی نیز در حاشیهٔ نسخه افزوده است. وی در پایان جزء اول در انجامه نوشته است: «...تم الجزء الاول تعلیقاً»

همچنین به دلیل اطلاعات بسیار اندک از حیات علمی جوامع شیعه در بحرین قدیم مشتمل بر اوال، احساء و قطیف، مراجعه به نسخه های خطی کتابت شده در این مناطق می تواند اساس مهمی برای مطالعه تاریخ تشیع در این منطقه گردد کاری که استاد گرانقدر عبدالحالق بن عبد الجلیل جنّبی در تحقیقات مهم خود از جمله تاریخ التشیع لأهل البیت فی إقليم البحرين القديم (بیروت: دار المحجة البيضاء، ۲۰۱۵/۱۴۳۶) و کتاب بحوث تاریخیة و جغرافیة ذات علاقة بشرق الجزيرة العربية (بیروت: دار المحجة البيضاء) انجام داده اند.^۱ به

فی اوقات متفرقة علی يد اضعف العباد و افقرهم و احوجهم الی رحمة مالک الدنيا و المعاد، اسیر ذنبه المرتین بعمله، الراجی بشفاعة سادته و موالیه العفو و الصفح عن خطله و زلله و سوء عمله، سلمان بن محمد بن سلمان الحائری المجاور بالظل الاشرف الغروی صلوات الله و رحمته و بركاته علی مشرفه؛ اللهم اغفر ذنوبه و استر عیوبه و عجل له الفرج بجمع شمله بموالیه و سادته و احسن بهم خاتمه و عاقبته و ابداء بالمؤمنین و المؤمنات و بصاحبه و بوالديه و من به یارب العالمین و یا ارحم الراحمین بحق محمد و آله الطیبین الطاهیرین». تعبیر مجاور و نحوه ای دیگر که در مقاله آمده نشان از سنت متداول در میان عالمان امامی سده های گذشته دارد که عموماً در اواخر عمر به قصد مجاورت به نجف مهاجرت کرده و در همانجا نیز به خاک سپرده می شده اند. فرد اخیر خود اهل کربلاء بوده با این حال به نجف مهاجرت کرده است. نسخه اخیر زمانی در تملک فتحعلی شیرازی، شاگرد میرزا محمد اخباری بوده و در کنار انجامة جزء اول او در یادداشتی به تملک خود بر نسخه اشاره کرده است (اللهم اغفر لجدی الامجد الخاقان المغفور و السلطان المحبور المجدد محمد کریم خان زند و ارفع درجاته و لوالدی ولی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات بحمد و اهل بیته الهداة حرر فی لیلة الخمیس من شهر رجب المرجب من سنة ۱۲۴۷ بشیراز صانها الله عن الاعواز فتحعلی عفی الله عنه).

۱. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از جوامع الجامع فضل بن حسن طبرسی مشتمل بر نیمه اول به شماره ۳۶۰۱ در دست است که کاتب آن ناصر بن سلیمان بن یحیی بن علی بن ابراهیم بن علی بن النجیل (النجیل یا البخیل) بن الاشراف الاولی معرفی شده که از کتابت نسخه در روز پنجشنبه ۲۸ ربیع الآخر ۹۶۵ فراغت حاصل کرده است. بنگرید به: فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱۰، ص ۳. همچنین در کتابخانه آیت الله بروجرودی کرمانشاه مجموعه ای است (به شماره ۱۲۳) مشتمل بر نیمه دوم جوامع الجامع ابوعلی فضل بن حسن طبرسی و الناسخ و المنسوخ ابوالقاسم هبة الله بن سلام نحوی که کاتب جوامع الجامع ناصر بن سلیمان بن یحیی بن علی بن ابراهیم البخیل است که از کتابت نسخه در روز ۲۴ ربیع الثانی ۹۵۲ فراغت حاصل کرده (فرغ العبد المذنب المحتاج الی ربه الغنی ناصر بن سلیمان بن یحیی بن علی البخیل من کتابته و توقيعه فی الیوم الرابع و العشرين من شهر ربیع الثانی لسنة اثنی و خمسين و تسعمائة و الحمد لله حق حمده و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و ذلك بقریة بنی حمرة من قراء اوال حمیت عن الاهوال و الزلزال بحمد و آله غفر الله لکاتبه و لمالکه و للناظر فیہ و لمصنفه و للمؤمنین) و در پایان الناسخ و المنسوخ خود را کاملتر سلیمان بن یحیی بن علی بن ابراهیم البخیل بن الاشراف البحرانی الاولی معرفی کرده و سال کتابت نسخه ۹۵۳ است (.. ليقرب علی من الناظر فیہ

عنوان مثال مرحوم علامه سید محمد علی روضاتی در ضمن معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه خود، به نسخه‌ای از کتاب الاستبصار به شماره ۲۶ اشاره می‌کند که فردی به نام محمد بن عبدالله بن ابی الفتیة البحرانی الأوالی کتابت کرده و مشتمل بر جزء اول تا اواخر جزء دوم یعنی کتاب الحج است. تاریخ پایان کتابت نسخه نیز ۲۲ شوال ۹۶۵ است. با این حال از فرد اخیر نامی در احیاء نیامده است و از فرد مذکور نیز نامی در فهرس دیگر نیافتیم. به احتمال بسیار فرد مذکور باید از عالمان بحرانی اهل اوایل باشد. نسخه اخیر بعد ها در اختیار دانشمندی بوده که او آن را نزد سید محمد بن علی بن ابی الحسن عاملی یعنی صاحب مدارک قرائت کرده و در حواشی آثار مقابله و تصحیح آمده و در پایان کتاب صوم اجازة روایت کتاب را دریافت کرده است. حواشی بسیاری با رمز «م د سلمه الله یا مد ظله» از اوایل تا اواخر جزء دوم نوشته شده که ظاهراً از سید محمد مذکور و به خط مجاز است. متأسفانه متن اجازة در فهرست نیامده و تصویری از آن نیز ارایه نشده است. درباره بخشی از نام کاتب یعنی ابن ابی الفتیة امکان دارد که قرائت بدیلی را بتوان ارایه کرد. دوست عزیز و استاد ارجمند عبد الخالق جنبی در خصوص صورت محتمل قرائت نام فرد اخیر متذکر شدند که:

يسال من الله السلامة من الزيادة والنقصان والمنعة من عنده تمّ الناسخ والمنسوخ بعون الله تعالى وحسن توفيقه و صلى الله على سيد رسله محمد النبي وآله الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً برحمتك يا ارحم الراحمين تمّ على يد العبد الضعيف سليمان ابن يحيى ابن على بن ابراهيم البخيل ابن الاشم البحراني الاوالى النازل بقرية بنى حمرة من قراء اوائل حميت عن الذلل والاختلال سنة ثلاث وخمسون وتسعمائة والحمد لله رب العالمين). نسخه در اختيار ابوالقاسم بن فتح الله حسيني بوده و در ماه رجب ۹۷۵ در نجف آن را مقابله و تصحیح کرده است (هو الموفق؛ قد تشرف بتوفيق مقابلته من اوله الى آخره مع النسخ المتعددة بعضها لا يخلو من صحة وتوثيق و... مباحثه و تحشيتة و تصحيحه و تنقيحه من اوله الى قريب بأخر سورة آل عمران و نرجو من الله اتمام مطالعته على النهج... عبيد عبيد عتبة سلطان ولاية الولاية منجى مستمسكها من الضلالة والغواية افقر الفقراء الى كرم الله الغنى ابوالقاسم بن فتح الله الحسيني جعل الله قلبه جوامعاً لجامع تفسير معضلات التبيان ولسانه مصفحاً عن مجملات مجمع البيان في مجالس متعددة آخرها آخر شهر الله الاصب رجب المرجب عام خمس وسبعين وتسعمائة الهجرية المصطفوية على منسوبها الف التحية موافق توشقان بيل في النجف الاشرف الابهي الاسن حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً لله). بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی (کرمانشاه - ایران)، ص ۹۸-۱۰۱. اشغال احساء و قطیف در ۹۵۷ توسط عثمانیها و فشارهای آنها بر شیعیان در سالهای بعد باعث مهاجرت برخی از شیعیان آن منطقه شده است.

«...ألا يجوز أن يكون ابن أبي الفتيه هو تحريث ابن أبي ظبية و عليه يكون اسمه الصحيح هو محمد بن عبدالله بن أبي ظبية الأوالى البحرانى. وعلى الرغم من أننى لا أعرف شخصاً بهذا الاسم إلا أن أسرة آل أبي ظبية أسرة أوالية علمية كانت معروفة فى القرن الحادى عشر، و خرج منها علماء معروفون، و لعل الأخوة الأوليين يفيدوننا أكثر».

با این حال همان مقدار اطلاعات آمده در فهرس را باید غنیمت شمرد و با دقت بررسی کرد و از طریق همان مطالب به تکمیل اطلاعات در فهرس مختلف پرداخت.^۱ به عنوان مثال نسخه ای از کتاب الاستبصار در کتابخانه آیت الله مرعشى به شماره ۵۸۹ موجود است که در حاشیه تصحیح شده و عبارت «بلغ تماماً أیده الله تعالى» دال بر بلاغ نسخه در صفحات مختلف آمده است. حاشیه نویسی اندکی با نشان «س م درحه الله» دارد و تملک حسین بن محمد بن ابی الحسن الحسینی فرزند صاحب مدارک را دارد. شاید نسخه اخیر با نسخه ای که مرحوم روضاتی از آن سخن گفته اند، ارتباطی داشته باشد اما تصویری از هیچ یک از دو نسخه در اختیار بنده نبود که بتوان این حدس را بررسی کنم. گاه بررسی نسخه می تواند اطلاعات بیشتری در اختیار ما قرار دهد اما در این موارد نیز تنها برگگی از نسخه در اختیارم بود.

۱. توجه به جنبه های نسخه شناسی اهمیت های دیگری نیز دارد. در ادوار گذشته نسخه های خطی متعددی را می شناسیم که کاتبان برای عرضه و فروش به افرادی جز مؤلف اصلی نسبت داده اند و عموماً به دلیل شهرت برخی افراد نام اصلی مؤلف یا حذف شده یا توسط کاتب به دلایل مختلفی چون عدم ذکر نام مؤلف اصلی در نسخه اساس کتابت به فرد دیگری نسبت داده شده است (برای نمونه هایی از انتساب نسخه های به مؤلفانی دیگر بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «جا حظ و کتاب التاج منسوب به او»، جستارهایی در تاریخ اسلام و ایران (تهران: بصیرت، ۱۳۹۰ش)، ص ۱۰۱-۱۱۴؛

Ismail K. Poonawala, "Anonymous Works and Their Ascription to Famous Authors: Are They Cases of Mistaken Identity of an Outright Forgery?," *Arabica* 62 (2015), pp 404-410; Mohsen Zakeri, "Yet Another Pseudo-al-Jāhīz? Kitāb al-Hijāb and its Probable Author Ibn al-Marzbān (d. 309/921)," *Journal of Abbasid Studies* 3 (2016), pp.1-28; Louise Marlow, "Abū Zayd al-Balkhī and the Naṣīḥat al-mulūk of Pseudo-Mawardī," *Der Islam*, Volume 93, Issue 1, pp.35-64.

گاه توجه به چنین مشکلاتی می تواند به پژوهشگران در خصوص بحث از عقاید و منظومه فکری برخی عالمان که بر اساس پذیرش انتساب اثری مورد بحث قرار می گیرد، کمک کند.



نسخه ای از کتاب الدروس الشرعية شهید اول به شماره ۷۶۴۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که در مسجد جویدی کتابت شده و کاتب در انجامة نسخه خود را چنین معرفی کرده است:

«...و كان الفراغ من تسويد بياضه عصر الخميس آخر شهر رمضان اثنین و ستین و تسعمائة هجرية بمسجد الجويدى كتب من اوله الى آخره... تمت بعون الله على يد اقل عباد الله و احوجهم الى رحمة ربه الغنى غريق بجر الذنوب و الخطايا لنفسه على عجله مع اشتغال البال محمد بن الشيخ حسن بن على الاحسائى مولداً و منشا و الاولى اصلاً من آل بن العاقل من القرية و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين آمين آمين رب العالمين و سلم كثيراً برحمتك يا ارحم الراحمين.»

کاتب در دو طرف انجامة اشعاری نیز نوشته است. در سمت راست:

«يبقى الكتاب و تفنى الكاتبون له و فاعل الخير فى الفردوس محبوراً... يا هذا و كن حذراً من الكتاب الذى يلقاه مسطوراً.»

و در سمت چپ:

«يبقى الكتاب و يفنى يد كاتبه كم حل دار البلى من كف خطاط و كم اباد صروف الدهر من رجل قد كان للعلم جماعاً و محتاطاً.»

دوستان قطفی در تکمیل اطلاعات آمده در خصوص مطالب آمده در نسخه اخیر تذکراتی برای بنده دادند. در القاره مسجدی به نام مسجد الندیدی وجود دارد که دستکم از حیث نوشتاری با نام مسجد الجویدی یا الحویدی تشابه بسیار دارد. در خصوص مکان قریه دوست گرامی الفیصل متذکر شدند که: «توجد منطقتان فى البحرين تعرفان باسم القرية، مع الاختلاف فى الضبط، إحداهما فى جزيرة سترة و الأخرى قرب الجنبية. القرية بكسر القاف و سکون الراء و فتح الياء فى جزيرة سترة و القرية بضم القاف و فتح الراء و تشدید الياء مع الفتح مصغر القرية (بفتح القاف و سکون الراء) منطقة قرب الجنبية.» که با توجه به آنکه کاتب ضمه بر روی حرف قاف نهاده مرادش مکان نزدیک جنبیه است. خاندان عاقل نیز اکنون در روستای عالی زندگی می کنند. مکان مسجد جویدی احتمالاً جای ما بین تیمیه و رمیلة است (هذه الوثيقة المخطوطة

...کشفتم لنا عن شخصية اصلها بجرانى انتقلت الى الاحساء فى منتصف القرن العاشر الهجرى، ونسخت بعض الكتب وكشف لنا عن وجود مسجد الجويدى ويتوقع وجوده ما بين بلدة التيمية وبلدة الرملية بالاحساء وكشفت لنا انه من اسرة آل عاقل، من بلدة القرية بجزيرة البحرين، اوال وكذلك ان اول فى منتصف القرن العاشر تطلق على جزيرة البحرين الحالية). دوست گرامى احمد البدر الاحساى به تفصيل بيشتدر خصوص نسخه اخير متذکر شدند که: «...ناسخ الوثيقة هو الشيخ محمد بن الشيخ حسن بن على الأوالى الأحساى، من قرية الرملية كما نسب نفسه لها فى بعض النسخ المخطوطة، له ذكر وترجمة فى بعض المصادر ومنها اعلام هجر، هاجرالى منطقة جبل عامل وتلمذ بها على يد بعض علماءها، نسخ عدد من الكتب العلمية وذكر فى بعض المصادر باسم محمد بن الشيخ حسن وبعضها محمد بن الشيخ حسين ويبدو أن الأصح محمد بن الشيخ حسن كما هو مكتوب بخطه فى الوثيقة المعروضة، أما بالنسبة لمسجد الجويدى فإن صح أنه فى الأحساء، هو الإحتمال الأرجح كون الناسخ أحسائى، فالأقرب أنه بقرية الرملية بلدة الناسخ ولا أرى سبب إقحام قرية التيمية بالموضوع ولو كان بقرية أخرى غير قرينته فمن المقترض ذكرها للتوضيح أنه خارج بلد الناسخ». دوست گرامى عبد الخالق الجبنى نیز متذکر شدند که: «بخصوص ورقة..التى ورد فيها مسجد الجويدى...يبدو أن هذا المسجد منسوب إلى شخص اسمه جويد، ويوجد عائلة أحسائية عريقة يقال لهم آل جويد فلعل هذا المسجد له علاقة بجدهم جويد أو أحد أولاده والله اعلم». دوست ديگرى متذکر شده که: «عائلة آل جويد موجودة أيضاً فى القارة ومنها القارى الحسينى المعروف الملا جويد، لكن حسب معرفتى المتواضعة لا يوجد مسجد الجويدى فى القارة» يا آنکه «متوقع ان المسجد موجود فى بلدة الصبايخ لأن العائلة موجودة هناك». نسخه اى از كتاب اختيار مصباح السالكين ابن ميثم بجرانى به شماره ۷۰۴۶ در كتابخانه آيه الله مرعشى موجود است که بر ظهران اجازه اى از عبدالمحمود بن امير حاج عاملى به عالمى احسائى در نجف و ايام مجاورت عاملى دارد. متن اجازه که دوست عزيز ابو جعفر حلى آن را خوانده اند، چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير المرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليمًا؛ اما بعد فقد اجزت رواية هذا الكتاب والعمل بما فيه للمولى

الشیخ العالم، الفاضل الكامل، شمس الدین محمد بن المولی العالم الفاضل الكامل الشیخ جمال الدین احمد الفقیه للحساوی، كما أجازنی المولی الشیخ العالم الفاضل المحقق المدقق، لسان الحکماء و المتکلمین، وارث علوم الانبیاء و المرسلین ابو عبد الله المقداد الاسدی - قدس الله سره - ... شیخه الامام العلامة السید جلال الملة و الحق و الدین شرفشاه الحسینی - طاب ثراه - عن شیخه المولی الامام الاعظم، قدوة علماء الأمة، فائق المجتهدین الشیخ فخر الملة و الدین ابی طالب محمد عن والده المولی الشیخ العالم الفاضل الكامل المکمل، قدوة العلماء و لسان الحکماء و سلطان المجتهدین جمال الملة و الدین ابی منصور الحسن بن سدید الدین یوسف بن مطهر عن مصنف هذا الكتاب؛ فأجزت له قراءة هذا الكتاب متنه و شرحه و روایتها فلیرو ذلك محتاطاً بالشرائط المعتمدة لمن شاء و أحب و كتبه الفقیر الی الله تعالی عبدالمحمود بن امیر حاج المجاور عفا الله عنهما فی تاریخ سادس عشر شهر محرم الحرام سنة احد و اربعین و ثمانمائة و الحمد لله وحده». درباره محمود بن امیر حاج عاملی اطلاع چندانی در دست نیست جز آنکه از شاگردان حسن بن یوسف بن عشره کسروانی بوده و اجازه اخیر که باید در اواخر عمر او صادر شده باشد نشان از مهاجرت وی از جبل عامل به نجف دارد، جایی که او به قصد مجاورت اقامت گزیده است.^۱

کاتب در انجمله به صراحت تصریح دارد که کتاب را برای استفادة خود کتابت کرده و اساساً کتابی چون الدروس الشرعية کتابی است که تنها به کار فردی متبحر در فقه می آید و این خود نشانگر آن است که کاتب فردی عالم است. اشاره مهم کاتب به مسجد جویدی با توجه به نبود هیچ اثر تاریخ نگاری در خصوص احساء و قطف در ادوار گذشته، بسیار مهم است.

همین گونه اطلاعات فراوانی درباره جبل عامل و منطقه شام در نسخه های خطی موجود است و تدوین و استخراج مطالب در خصوص آنها بر اساس نسخه های خطی کاری است که باید صورت گیرد. به عنوان مثال نسخه ای از کتاب شرائع الاسلام به شماره ۷۴۶۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است که محمد بن حسن بن محمد غزنوی از کتابت جزء اول آن در نهم صفر ۷۳۸ فراغت حاصل کرده است (...یتلوه الجزء الثانی.. کتاب النکاح و کتبه

۱. همچنين بنگريد به: طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع في القرن التاسع، ص ۱۳۵.

الفقیر الی الله الغنی محمد بن حسن بن محمد الغزنوی فی تاسع صفر ختم بالخیر والظفر من سنة ثمان وثلاثین و سبع مائة هجرية و المنة لله سبحانه). نسخه تصحیح شده و در کنار جزء اول انہائی توسط حسن بن الحداد العاملی به تاریخ ۲۱ محرم ۷۳۹ به احتمال بسیار برای کاتب نسخه موجود است (انہاہ ایدہ الله تعالی و ابقاہ قراءہ و بحثاً و شرحاً و استشرحاً و فہماً و ضبطاً لمسائلہ نفعہ الله تعالی و ايانا بذلك بمحمد و آلہ الطاہرین و ذلك فی عدۃ مجالس آخرها الحادی و العشرون من المحرم الحرام من شهور سنة تسع و ثلاثین و سبع مائة کتبہ اضعف العباد حسن بن الحداد العاملی حامداً لله تعالی و مصلياً علی رسوله و آلہ و مستغفراً و مسلماً.. و الحمد لله رب العالمین). اشارہ ای بہ مکان سماع و قرائت نسخه و برگزاری مجالس درس نشدہ اما بہ احتمال بسیار با توجه بہ آنکہ حسن بن حداد ساکن در جبل عامل بودہ، کاتب نسخه از جملہ فقیهان و عالمان امامی بودہ کہ برای طلب علم بہ جبل عامل سفر کردہ است. در حقیقت از اواخر قرن ہشتم و در قرون نہم و دہم فقیهان امامی بسیاری را می شناسیم کہ از مناطق مختلف ایران برای تحصیل علم بہ جبل عامل سفر می کردہ اند و مدتی در نزد عالمان آن سامان بہ خواندن برخی متون فقہی می پرداختہ اند. از خاندان حداد عاملی افراد دیگری را می شناسیم کہ در قرن نہم می زیستہ اند. در کتابخانہ آیت الله مرعشی بہ شماره ۵۴۳ نسخه ای از مجلد اول کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علامہ حلی موجود است کہ احمد بن محمد بن علی الحداد العاملی در روز چهارشنبه ربیع الآخر ۸۵۷ از کتابت جزء اول آن فراغت حاصل کردہ و جزء دوم را محمد بن احمد بن الرکن در روز سہ شنبہ ششم جمادی الاولی ۸۶۵ کتابت کردہ است (دربارہ او بنگرید بہ: الضیاء اللامع، ص ۵). در انجامة جزء اول آمدہ است: «تمت القاعدة الاولى و هي العبادات من كتاب التحرير وهو آخر الجزء الاول و يتلوه في الثاني القاعدة الثانية المعاملات فرغ من ... العبد الفقير الى رحمة رب الجواد احمد بن محمد بن علي الحداد العاملی بتاريخ نهار الاربعاء من شهر ربيع الآخر من شهور سنة سبعة و خمسين و ثمان مائة حامداً مصلياً علی محمد و ...». در دو طرف انجامة عبارت «قوبل علی حسب الجهد و الطاقة الا ما زاغ عنه البصر و حسر عنه النظر» توسط ابن حداد نوشتہ شدہ است. در پایان انجامة جزء دوم کاتب چنین نوشتہ است: «.. و يتلو ذلك في المجلد الثالث كتاب النكاح الذي فيه القاعدة

الثانية من كتاب تحرير الاحكام الشرعية على مذهب الامامية ولكن اضيف كتاب النكاح الى الموضوع المذكور ليتساويا حجماً وكتب يوم الثلاثاء السادس من شهر جمادى الأول من شهور سنة خمسة وستين وثمانمائة هجرية نبوية على مشرفها السلام بقلم العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن الركن غفر الله له ولوالديه وللمؤمنين آمين يا رب العالمين وصلواته على محمد وآله وصحبه وسلم وحسبنا الله نعم الوكيل»^۱.

اطلاعات گسترده‌ای که در میان نسخه‌های خطی درباره‌ی عالمان منطقه‌ی جبل عامل می‌توان یافت بسیار با اهمیت است. اثر اصلی درباره‌ی عالمان عاملی کتاب امل الآمل است که شیخ حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) تألیف کرده است. شیخ حر عاملی اطلاعات خود درباره‌ی عالمان عاملی را با مراجعه به اجازات، نسخه‌های خطی و مطالب شفاهی متداول در سمت جبل عامل گردآوری کرده است و علیرغم آنکه کتاب وی اهمیت بسیاری برای تحقیق و پژوهش در خصوص عالمان جبل عامل دارد، مطالب فراوانی وجود دارد که در کتاب وی نیامده است. در مواردی نیز اطلاع دقیقی درباره‌ی عالمان جبل عاملی نداریم جز آنکه نامشان در ضمن آثار دیگر عالمان عاملی آمده اما عصر و زمان حیات آنها مشخص نیست. از این دست عالمان شخصی است به نام عزالدین حسن بن ناصر بن ابراهیم بن حداد عاملی که کفعمی از او در آثارش نقل کرده و کتابی به نام طریق النجاة به او نسبت داده است. بر اساس نقل قولهای کفعمی از حسن بن ناصر تنها می‌توان گفت که او از عالمان امامی جبل عاملی پیش از وی بوده اما اطلاع دیگری در باب او بر اساس نقل قولهای کفعمی نمی‌توان گفت و ظاهراً کتاب وی نیز باقی نمانده است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۷۰۵ نسخه‌ای کهن از کتاب قواعد الاحکام علامه حلی موجود است که شخصی آن را نزد حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی خوانده است. در برگ ۲۱۴ الف، انهاء قرائتی توسط حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی برای کسی که نسخه را نزد او خوانده آمده است (انهاه - ایده الله تعالی و ابقاه - قراءة و بحثاً و استشراحاً و حفظاً و ضبطاً لما وصل من معانیه وفقه الله تعالی و ایتانالذک بمحمد وآله الطاهرين و ذلک فی عدّة مجالس آخرها خامس جمادى الآخرة سنة خمس و عشرين و سبعمائة

۱. همچنين بنگرید به: مکتبه العلامة الحلی، ص ۸۹.

و کتبه العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی و غفرانه حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی حامداً لله و مصلياً و مستغفراً و الحمد لله رب العالمین). این عبارت به صراحت دلالت دارد که حسن بن ناصر بن ابراهیم از عالمان امامی قرن هشتم است و احتمال بسیار دارد که با توجه به قرب عهدش با علامه حلی حتی از شاگردان علامه حلی بوده باشد آنچه که این گمان را تقویت می کند. نسخه بعدها در اختیار محمد بن ابراهیم بوده و ظاهراً وی کسی باشد که نسخه را نزد حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی خوانده باشد. او در برگ ۲۱۴ ب تاریخ درگذشت علامه حلی را شب ۲۰ محرم ۷۲۶ ذکر کرده و در اطلاعاتی درباره فرزندانش خود داده است و گفته فرزندش جمال الدین یوسف بن محمد بن ابراهیم در صبح دوشنبه ۲۳ رمضان ۷۷۳ و خواهر تنی او بنام مریم در شب یک محرم ۷۷۵ متولد شده است. دیگر فرزند او ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم نزدیک نیمه شب سه شنبه پنجم ذی القعدة ۷۸۳ و برادر تنی او عزالدین حسن در صبح گاه شنبه شانزدهم ربیع الثانی ۷۸۷ دیده به جهان گشوده است.^۱

همین گونه اطلاعاتی که در انجامة یا نسخه های خطی درباره خود خاندان حر عاملی آمده جالب توجه است و نام افرادی از خاندان شیخ حروا عقاب و اجداد او را می توان در میان نسخه ها یافت که حر عاملی خود ذکری از آنها در امل الآمل نکرده است. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام به شماره ۱۲۹۲ موجود است که در روز یکشنبه سوم رمضان سال ۸۴۶ کتابت شده است و متأسفانه در پایان جزء اول و انجامة کاتب، نام کاتب نسخه نیامده است. نسخه مقابله شده و نزد استادی خوانده شده و سراسر نسخه پراز

۱. دو نقل در برگ ۲۱۷ ب است که در آن آمده است: «نقلت عن شیخنا الشیخ جمال الدین دام ظلّه...» و «نقلت عن شیخنا جمال الدین دام ظلّه عن الشیخ زین الجبعی عن الشیخ عزالدین ابن عبدالعالی انه وجد بخط الشهید...» که متعلق به مالکان بعدی نسخه است و باید توسط عالمی از قرن دهم نوشته شده باشد. برای گزارشی از نسخه و چند تصویر از آن بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۵ (تهران، ۱۳۳۵ ش)، ص ۱۹۷۵-۱۹۷۸. اطلاع اخیر نشان از وجود عالمان جبل عاملی با همین شهرت در قرن هفتم در میان شاگردان علامه حلی دارد. آقا بزرگ تنها از حسن بن ناصر بن ابراهیم بن حداد عاملی در میان عالمان امامی قرن نهم نام برده اما با توجه به اطلاع اخیر وی باید در میان عالمان امامی قرن هشتم ذکر شود. بنگرید به: طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۴۵.

حواشی مختلف است. در برگ انجامه نسخه، کاتب یادداشتی در حاشیه نوشته که نشان از ارتباط کاتب نسخه با حسین بن حسام دارد. عبارت کاتب چنین است:

«بخط الشيخ الحاج حسين بن الحسام نقلت عن الشيخ عزالدین ابن فضل عن الشيخ... الزاهد فتاوی جمال الدین و فخر الدین و عمید الدین و کذا کل حاشیه تنیس الی ابن النجار مع صحتها و کذا ما یوجد بخط الشهيد قدس الله نفسه یجوز العمل به و نقله الی الغیر و کذا التتقیح للشیخ المقداد فتاویہ منقولة عن مصتفه یجوز العمل به و کتب.. حسین بن علی بن الحسام عفی الله عنهم بمنه و کرمه و کتب حسین بن الحر».

در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۷۵۷ نسخه ای از کتاب فتح الابواب ابن طاووس وجود دارد که در برگ آخر آن شیخ محمد بن حر در سال ۹۴۵ از تصحیح و مقابله نسخه سخن گفته و در اشاره به مقابله نسخه نوشته است:

«نظر فی هذا الكتاب المبارك من أوله إلى آخره أحقر عباد الله محمد بن الحر ابن مکی العاملی عامله الله بلطفه الخفی و أصلح منه ما أمکنه من التحریف و التصحیف ابتغاء لوجه الله سبحانه، و رجاء لصالح دعوات مالک، و هو الولد الصالح النقی الفالح، العالم العامل الجلیل، الفاضل الكامل النبیل... حفظه الله و أسعده و رباه و سرّ بطول بقائه و تمام ارتقائه أباه، و هو المولی الفاضل المعظم، العالم العامل المکرم... ختم الله له بصالح الأعمال، و رقاہ فی العلم و العمل إلى غاية الکمال، و رزقه فی ولدیہ ما یتمناه و یحبہ و یهواه بمحمد النبی و آلہ الطیبین الطاهرین، و ذلك فی شهر رمضان المعظم قدره من شهور سنة خمس و أربعین بعد تسع مئین من هجرة سيد المرسلین و الحمد لله رب العالمین».

ظاهراً این نسخه در تملک شیخ حر عاملی بوده و نسخه خانوادگی آنها باشد و کاتب عبارت های اخیر به احتمال بسیار پدر شیخ عزالدین بن شمس الدین حسین است. از افراد خانواده حر، علی بن محمد بن حر عاملی رامی شناسیم که در صفر سال ۸۴۳ نسخه ای از کتاب البیان شهید اول را کتابت کرده و در انجامه نسخه اخیر که ضمن مجموعه شماره ۶۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است، خود را چنین معرفی کرده است:

«... فرغ من تعلیقه العبد الفقیر الراجی عفورته علی بن محمد بن حر العاملی من قرية حدائثا

وذلك يوم ثمانية وعشرين من شهر صفر سنة ثمانمائة وثلاث واربعين هجرية حامداً مصلياً
 على محمد وآل محمد». در کنار انجامه اخیر آنها قرائت نسخه به خط احمد بن محمد بن علی
 بن خاتون بدون اشاره به نام فردی که نسخه را خوانده، چنین آمده است:

«انهاه ائده الله قراءة و بحثاً و فهماً و فقه الله و ایتانا لمراضیه و اعانه و ایتانا علی اجتناب معصیته
 و الانزجار عن نواهیة فی عدة مجالس آخرها يوم الأحد ثانی عشری ذی قعدة من شهر سنة
 سبع و تسعمائة هجرية نبوية علی مشرفها الصلوة و السلام و كتب ذلك افقر عباد الله و
 احوجهم الی عفوه احمد بن محمد بن علی بن خاتون حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً».

نام برخی از روستاها که در نسخه های قرن هشتم و نهم یادی از آنها رفته اکنون شاید
 موجود نباشد و این شواهد سوای اهمیت برای جغرافیای تاریخی منطقه جبل عامل نشان از
 وجود جریان های علمی در بخش های مختلف جبل عامل دارد و نشان از توجه عالمان و فقیهان
 عاملی به میراث فقیهان جبل عامل نیز دارد و عموماً مطالب آمده بر ظهر نسخه های خطی،
 دانسته های ما درباره فقیهان امامی را وسعت می بخشد. به عنوان مثال انهایی از علی بن محمد
 الحسام در پایان جزء اول شرائع به شماره ۶۷۵۷ در کتابخانه مرعشی موجود است. نسخه
 اخیرا فردی به نام احمد بن محمد بن حسن بن المصیرد البلیدایی که از کتابت نسخه در روز
 یکشنبه ۲۲ صفر ۸۹۹ فراغت حاصل کرده، استنساخ نموده و شهرت بلیدایی اشاره به نام
 روستای بلیدا دارد. روی برگ اول چند تاریخ تولد و وفات و تملک عبدالعالی بن لطف الله
 عاملی با مهر مربع «عبدہ عبدالعالی بن لطف الله» که ظاهراً فرزند شیخ لطف الله میسی باشد،
 آمده است. آنها علی بن محمد بن الحسام برای کاتب نسخه که کتاب را نزدش خوانده،
 نوشته شده است. انجامه جزء اول چنین است: «تم الجزء الأول من کتاب شرائع الاسلام فی
 مسائل الحلال و ما الحرام و یتوہ الجزء الثانی ان شاء الله کتاب النکاح و الحمد لله رب العالمین.
 فرغ تعلیقه لنفسه اضعف عباد الله و احوجهم الی رحمة و غفرانه احمد بن محمد بن حسن بن
 المصیرد البلیدایی غفر الله له و لوالديه و لمن قرأ فیہ و دعاهم بالمغفرة و ذلك لظہر يوم السبت
 لست خلون من شهر شعبان المبارک سنة سبع و تسعین و ثمانمائة هجرية نبوية علی مشرفها
 الصلوة و السلام». ابن حسام در حاشیه نوشته است: «انهاه ادام الله توفیقه و سهل الی کل

خیر طریقہ و هو الولد العزیز الشیخ احمد بن الفقیہ محمد الشهر ببصیص قرآة مرضیة و بحشا و شرحا بحسب الجهد و الطاقة و ذلك فی عدّة مجالس آخرها الرابع و العشرون من شهر الله المعظم من شهور ثمانية و تسعين و ثمان مائة و كتب ذلك اقل عباد الله علی بن محمد بن الحسام عفا الله عنه و الحمد لله وحده و صلى الله علی سیدنا محمد و علی آلہ و صحبه و سلم». عبارت «بلغت قراءة ایدہ الله تعالی» نیز در این صفحہ و صفحات دیگر نسخه نیز آمده است. در پایان جزء دوم همان کتاب چنین نوشته است: «فرغ من تسویدہ لنفسه اضعف عباد الله تعالی و اقلهم عملاً احمد بن محمد بن حسن عرف بالمصیرد فی قرية بليدا و ذلك بمجلس الشیخ ظهير الدين - قدس الله سره - يوم الأحد لثمان بقين و شهر صفر ختم بالخیر و الظفر من شهور سنة تسعة و تسعين و ثمانائة علی مشرفها السلام و الحمد لله وحده و صلى علی من لا نبی بعده». در صفحہ اخیر نیز بلاغ مقابله (بلغت قراءة ایدہ الله تعالی) نیز آمده است.

در کتابخانه رئیس کتاب استانبول به شماره ۸۹۷ نسخه ای به نام حدیقة النفوس و حجلة العروس موجود است که به قلم خود کفعمی است و به لطف دوست گرامی جناب آقای سید محمد حسین حکیم دسترسی به تصویری از آن میسر شد. کتاب فاقد مقدمه و خطبه است اما در دو جا و در ضمن عبارتی به نام کتاب تصریح شده است؛ در برگ ۶۰ ر (قلت: و من محاسنها کتابنا هذا الذي نحن بصدده و هو کتاب حدیقة النفوس و حجلة العروس و کذا غیره من کتبنا مثل کتاب الحدیقة الناظرة و کتاب مشکوة المصباح و کتاب نهاية الإرب و غیر ذلك) و جایی دیگر در ضمن شرح حال خود نوشت کفعمی که از نام کتاب سخن رفته است (کتاب حدیقة النفوس و حجلة العروس و هو هذا الكتاب). در جایی از کتاب (۱۹۰ پ- ۱۹۱ پ) کفعمی شرح حال خود را نسبتاً به تفصیل آورده است. بر اساس گفته های خود کفعمی وی هنگام نگارش اثر اخیرش در جبع ساکن بوده است. کفعمی بعدها نسخه حاضر را به یکی از سادات نجف به نام سید محمد بن شرف الدین لیث حسینی نجفی در ۹۰۳ فروخته و فرد اخیر در حاشیة شرح حال کفعمی یادداشتی در خصوص تاریخ وفات کفعمی آورده که ضمن آنکه تاریخ دقیق درگذشت کفعمی را نشان می دهد، دلالت دارد که کفعمی پس از ۸۸۸ و در حدود ۸۹۰ جبع را ترک کرده و تا آخر عمر خود در کربلا ساکن شده است. عبارت سید محمد

حسینی چنین است:

«ثم انتقل شيخنا المرحوم المبرور تقي الدين ابراهيم الجبعي الكفعمي المذكور من بلده جبع المذكور الى المشهد الشريف الحايري الحسيني - على مشرفه السلام - و أقام به مدة عشر خمسة عشر (كذا) سنة مشتغلاً بالعبادة والإفادة إلى أن توفي إلى رحمة الله ورضوانه في شهر رجب المرجب من شهور سنة خمس وتسعمائة ودفن بأرض كربلاء تغمده الله تعالى برحمته ورضوانه وأسكنه محبوبه جنانه بمحمد وآله وكتبه الفقير إلى رحمة الله الغني محمد بن شرف الدين ليث الحسيني النجفي عفا الله عنه».

كفعمی نسخه حدیقه النفوس رادر محرم ۹۰۳ به شمس الدین محمد بن شرف الدین یحیی بن لیث حسینی نجفی فروخته و نسخه را برای او که ظاهراً باید در نجف ساکن بوده باشد، فرستاده است. كفعمی خود عبارت مبايعه نامه ای بر ظهر نسخه، هنگامی که پول نسخه را دریافت کرده، نوشته و نسخه را پس از دریافت پولش برای سید محمد حسینی فرستاده است. عبارت مبايعه نامه که كفعمی خود بر ظهر نسخه نوشته، چنین است:

«انتقل هذا الكتاب من العبد الكاتب تقي الدين ابراهيم بن علي الجبعي الكفعمي عفا الله عنه بالاتباع الصحيح الشرعي إلى ملك السيد الحسين النسيب الأعظم، خلاصة نوع بنی آدم شمس الملة والحق والدين محمد بن السيد الأعظم شرف الدين يحيى بن ليث الحسيني النجفي ووصل ثمنه إلى كاتبه تاماً كاملاً في شهر المحرم سنة ثلاث وتسعمائة هجرية على مشرفها السلام».

كفعمی اشاره ای به اینکه هنگامی که پول کتاب بدستش رسیده نکرده اما از گفته خود سید محمد حسینی نجفی می توان دریافت که به احتمال بسیار در آن هنگام كفعمی در كربلا بوده و پس از دریافت پول کتاب، گواهی دال بر بیع کتاب بر ظهر آن نوشته و نسخه را برای شمس الدین محمد بن شرف الدین یحیی بن لیث حسینی فرستاده است. پس از آنکه نسخه به نزد شمس الدین رسیده، او در گوشه چپ و بالای عبارت بیع نامه كفعمی، عبارتی دال بر تملک نسخه نوشته است (فی نوبه الفقير إلى عفوربه الغني محمد بن شرف الدين بن ليث الحسيني النجفي بالوجه الصحيح الشرعي) و مهری ناخوانا نیز در زیر عبارت او آمده که به

اهمیت نسخه های خطی برای مطالعه تاریخ تشیع

احتمال بسیار سجع اوست. در زیر عبارت کفعمی چندین گواهی نامه بر بیه نسخه و دریافت پول آن آمده است. در سمت راست و در زیر عبارت کفعمی، گواهی نامه محمد مساعد بن حسن الحسینی الحائری آمده است (انتقل هذا الكتاب الى ملك السيد الأعظم الأفخرو الاكرم السيد محمد لیث بالانتقال الشرعی و شهدت بذلك علی صاحب الشیخ تقی الدین المشار إليه اعلاه و كتب علیها... شهدت بصحة البیع و القبض علی البایعین و كتب محمد مساعد بن حسن الحسینی الحائری عفی الله عنهما) ^۱ در زیر عبارت او شخصی که به سختی

۱. در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۴۳۶۰ نسخه ای از کتاب الدروس الشرعیة شهید اول موجود است که ابراهیم بن علی کفعمی در ۸۵۰ کتابت کرده و بر ظهر نسخه صورت قرائتی با امضاء محمد بن مساعد بن حسن حسینی به تاریخ ۹۱۰ است که همین شخص مذکور است (انهاه وقع الله تعالی لمراضیه و اعاننا و ایاه لامتمثال او امره و الانزجار عن نواهیة قراءة و تحقیقاً و مجتاً و تدقیقاً و ذلك فی عدّة مجالس آخرها سابع عشری ربیع الاول لسنة عشر و تسعمائة و كتب الفقیر الی الله تعالی محمد مساعد بن حسن الحسینی الحائری عفا الله عنهما حامداً مصلیاً مستغفراً). در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۷۹۹ نیز نسخه ای از کتاب الدروس الشرعیة موجود است که ابراهیم بن علی کفعمی از کتابت آن در ۵ رجب ۸۵۶ فراغت حاصل کرده است. دوست عزیزم سید علاء الموسوی در اشاره به سید محمد حسینی و مطالب آمده در ظهر نسخه حاضر در تذکری مکتوب متذکر شدند: «الشاری هو السيد الجلیل شمس الدین محمد بن شرف الدین یحیی بن لیث الحسینی النجفی، العالم الزاهد، المترجم فی ماضی النجف و حاضرها نقلاً عن حبیب السیر علی ما فی البال. و السيد ابن لیث هذا ترجم له السيد عبدالرزاق کمونة فی منیة الراغبین نقلاً عن ماضی النجف و حاضرها إلا أنه توهم أن المترجم أعرجی النسب، و الحال أن المترجم زیدی النسب، و عندی نسبه کاملاً. و نص شراء السيد ابن لیث کتبه السيد محمد المعروف بمحمد مساعد و هو والد السيد حسین المعروف بعبدالحسین النسابة، صاحب نسخة العمدة المعروفة باسمه، نسخة ابن مساعد، و يظهر خطه أعنی خط السيد حسین بن مساعد فی زاویة اليسری للصفحة، تحت عبارة (صح مضمونه) حسین بن مساعد الحسینی) و يظهر كذلك خط السيد حسن الحسینی الحائری، و هو علی ما فی البال ابن السيد محمد مساعد، أو ابن أخیه، لا یحضرنی الآن بالضبط. و كذلك يظهر فی زاویة اليسری العلیا للصفحة، تملک السيد محمد ابن لیث اللکتاب، بخطه، و قد کتب: (فی نوبة الفقیر الی عفوربه الغنی محمد بن

عبارت بیع نامه اورامی توان خواند. در کنار عبارت ابن مساعد، جمال الدین ابن العزندس نیز شهادت بر بیع داده است (ذلک كذلك حرره جمال الدین العزندس عفی الله عنه). در سمت چپ و در زیر عبارت مبیعه نامه کفعمی، ابن ابی جمهور احسایی که ظاهراً باید در آن تاریخ در عراق بوده باشد، در گواهی بر مبیعه نوشته است: «حضر لذلك وبه يشهد الفقير الى الغفور الفقير محمد بن علي بن ابي جمهور الاحساوي بخطه عفی الله عنه». در زیر عبارت ابن ابی جمهور عبدالسمیع بن فیاض اسدی نیز نوشته است: «شهدت على الكاتب البایع بصحة ما تضمنه اعلاه حرره عبدالسمیع بن فیاض الاسدی». در زیر آن نیز حسین بن مساعد نوشته است: «صح مضمونه حرره السيد حسين بن مساعد الحسيني» و شخص دیگری «وكذا قول الفقير الى الله احمد الجباعي عفی الله عنه». نسخه بعدها در تملک ابی بکر بن رستم شروانی (متوفی ۱۱۳۵) یکی از مجموعه داران مهم عثمانی درآمده و بر ظهر نسخه و در گوشه سمت راست عبارت مبیعه نامه کفعمی عبارت دال بر تملک خود بر نسخه را نوشته است (الله حسبی، و کتب ابی بکر بن رستم الشروانی عفی عنهما). شهادت دیگری بر مبیعه نامه در

شرفست، ذات خجسته صفاتش بکارم اخلاق و محاسن اوصاف موصوف و اوقات فرخنده ساعاتش باصناف طاعات و عبادات مصروف). شیخ جعفر الشیخ باقر آل محبوبه در اشاره به او یعنی محمد المعروف بلیث نوشته است: «هو أحد نقباء النجف المعاصرين للشاه اسماعیل الأول... وکان له ولد نسابه اسمه السيد یوسف بن محمد لیث الحسینی النجفی، رأى بخطه الشريف السيد آغا نجفی النسابه مشجرة لبني الداعي الافطسیین تاریخ تمامتها سنة ۹۴۳ و کتب تلك المشجرة باستدعاء السيد عبدالحی من ذرية الداعي الافطسی». ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۳۱۳. سلسله نسب سید شمس الدین محمد بن لیث چنین است: «محمد بن یحیی بن الحسین بن محمد بن لیث بن گبش بن ناصر بن علی بن احمد بن ابی المرّجّان بن علی بن ابی الغنائم محمد بن محمد الأغرّ بن محمد بن الحسین بن علی بن محمد بن الحسین بن یحیی بن یحیی بن الحسین بن زید بن علی

سمت چپ نسخه آمده که به درستی خوانده نمی شود. نسخه حدیقة النفوس مشتمل بر ۴۳۷ برگ است و میان سالهای ۸۸۴ تا ۸۸۸ تألیف شده است.^۱ در کنار مهاجرت عالمان جبل عامل و دیگر مناطق شیعی خارج از قلمرو صفویه، باید به سادات مهاجر به ایران نیز اشاره کرد که برخی از آنها حتی پیش از صفویه به ایران سفر کرده و گاه به مقام نقیب النقبائی نیز می رسیده اند. اطلاعات اندکی درباره این افراد در کتابهای نسب موجود است اما با مراجعه به نسخه های خطی می توان دست کم اطلاعات بیشتری درباره حیات علمی آنها یافت. از این افراد می توان به سید حیدر بن علاء الدین علی حسنی سبزواری بیزه ای / بیزئی (بیزوی) اشاره کرد که خاندانش در حله ساکن بودند و او به روستای بیزه سبزواری مهاجرت کرده و در همانجا ساکن شده است. وی از عالمان و مشایخ اجازه قرن دهم بوده و اطلاعات چندی در خصوص او در بخش اجازات بحار آمده و دانسته است که شماری از نسخه های خطی شیعی را نیز کتابت کرده است. سید حیدر بن علاء الدین علی بن حسن الحسینی البیزئی که نسخه ای از عیون اخبار الرضا را در سال ۹۸۰ در شهر مشهد کتابت کرده و اکنون این نسخه به شماره ۷۸۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. وی در انتهای کتاب در انجامه ای نسبتاً طولانی چنین نوشته است:

«شرفت بکتابه هذا الكتاب اعنى كتاب عيون اخبار الرضا صلوات الله عليه و على آبائه و اولاد الطاهرين تأليف الشيخ الخیر علی لسان القايم عليه السلام الصدوق ابی جعفر محمد بن

۱. برای فهرستی از مطالب حدیقة النفوس بنگرید به: الصحیفة السجادية الكاملة للامام زين العبادين علی بن الحسين عليهما السلام، نسخه برگردان دستخط ابراهيم بن علی كفعمی مورخ سنة ۸۶۷ هجری قمری از مجموعه سید جلال الدین یونسی، با مقدمه سید محمد حسین حکیم (تهران: کتابخانه ملی و بنیاد طباطبائی، ۱۳۹۴ ش)، ص ۱۶۵-۱۶۷. کتابت برخی آثار شیعی برای کتابخانه های سلطنتی نشان از تمایلات شیعی سلطان مذکور دارد. به عنوان مثال نسخه ای کهن از کتاب المصباح الکبیر شیخ طوسی مشتمل بر جزء چهارم موجود است که برای کتابخانه طغرل تکین ابومظفر مسعود بن مودود بن زنگی آق سنقر (متوفی ۵۸۹) کتابت شده و به شماره ۱۴۲۲۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. در آغاز جزء چهارم کتاب کاتب در اشاره به کتابت نسخه برای امیر مذکور نوشته است: «لحزانة كتب مولانا المولى الملك العادل العالم المؤيد المظفر المنصور عز الدنيا والدين، ركن الإسلام و المسلمين، ملك امراء الشرق والغرب، طغرل تکین اتابک ابی المظفر مسعود بن مودود بن زنگی بن آق سنقر نصیر أمير المؤمنين».

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی رضی الله عنه فی مشهد سیدنا و امامنا و مقتدانا بضعة رسول رب العالمین سمی وصی خاتم النبیین ثامن الأئمة الاطیین الطاهیرین ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه و علی آباءه و اولاده الطاهیرین الف الف صلوة و الف الف ثنا فی کل صباح و مساء یوم الخمیس سادس شهر ذی الحجة من سنة ثمانین و تسعمائة هجرية نبوية علیه و آله الف صلوة و تحية و انا العبد المحتاج الی عفو الله الغنی حیدر بن علاء الدین علی بن حسن الحسینی البیزئی عفا الله عنهم بمحمد سید المرسلین و آله الطاهیرین حامداً علی نعمه العظام و مصلياً علی نبيه و آله الكرام علیهم الصلوة و السلام و مسلماً».

نوع تعابیر به کار رفته در این انجامه نشانگر آن است که فرد اخیر از عالمان امامی این قرن است. نام سید حیدر بن سید علاء الدین علی بن حسن حسینی بیزئی در بخش اجازات بحار و نام مشایخ سید حسین بن حیدر کرکی (متوفی ۱۰۴۱) نیز آمده است اما تصحیفاتی در متن چاپی رخ داده است. نخست شهرت حسینی او که به صراحت در نسخه مرعشی آمده متأسفانه به حسینی تصحیف شده است. دیگر آنکه شهرت او یعنی بیزئی که اشاره به روستای بیزه در اطراف سبزوار دارد، به صورت های مختلفی چون البیروی، البیزوی، التبریزی یا البیروبی تصحیف شده است (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۶، ص ۱۶۵ عبارت علاء الدین بن علی را که در صدر اجازه آمده به صورت علاء الدین علی اصلاح کنید؛ ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶). به تصریح خود سید حیدر بن علاء الدین حسینی، او از مجازین حسین بن عبدالصمد حارثی است که پیش از ۹۸۴ وی را دیده و از او اجازه روایت اخذ کرده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی مشجره ای موجود است که به صدر الدین محمد دشتکی (متوفی ۹۰۳) نسبت داده شده و در اختیار میرزا علی اصغر بن محمد جعفر نسابه خراسانی (متوفی ۱۰۹۸) بوده است. وی بر مشجره دشتکی تعلیقاتی دارد از جمله در خصوص سادات بیزه (بالباء الموحدة ثم المثناة التحتانية ثم الزاء المعجمة) و اشاره نموده که بیزه یکی از روستاهای سبزوار است و گفته که سادات بیزه از جمله سادات حسینی هستند که از حله به آنجا آمده اند. تاریخ فراغت از تعلیقه نویسی میرزا علی اصغر بر مشجره مذکور ۱۰۹۶ است. از دوست عزیزم سید علاء الموسوی که این معلومات را در اختیارم قرار داد، سپاسگزار هستم. توجه به آمدن نام سید حیدر در بخش

اجازات بحار نیز مرهون تذکر دوست دیگرم، حجت الاسلام والمسلمین سید حسن موسوی بروجردی است. سید حیدر بن علاء الدین حسنی البیڑنی تا سال ۱۰۰۳ که در کربلاء به سید حسین بن حیدر کرکی اجازه روایت دیگری داده، در قید حیات بوده است (بنگرید به: بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۹). نام سید حیدر بیڑنی در الروضة النضرة، ص ۱۹۲-۱۹۳ آمده و شهرت او به التبریزی ضبط شده است. همچنین شهرت حسنی او حسینی آمده و نام جد اعلی او یعنی علاء الدین علی به صورت سید حیدر بن علاء الدین بن علی بر اساس تصحیف رخ داده در تصحیح بحار الانوار، ذکر شده است. همین اشکالات در اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۷۱ نیز رخ داده است. در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۴۲۳ نسخه‌ای از امالی شیخ طوسی موجود است که حیدر بن علاء الدین علی بن حسن حسنی سبزواری بیڑوی از کتابت آن در روز پنج شنبه غره ذی قعدة ۹۸۳ فراغت حاصل کرده است که کسی جز شخص مورد بحث نیست که فهرست نگار نسبت او را صحیح خوانده است. بنگرید به فنخا، ج ۴، ص ۸۳۵-۸۳۶. از دیگر آثار سید حیدر بن علاء الدین حسنی بیڑنی الاربعون حدیثاً است که او آن را به نام حاکم خراسان ابراهیم میرزا (حکومت ۹۴۶-۹۸۴) تألیف کرده و نسخه‌ای از آن به شماره ۱۴۹۷۳/۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (ج ۳۷، ص ۶۳۹) که احتمالاً در حیات مؤلف کتابت شده و دارای حواشی با نشان «شیخ بهاء الدین دام ظلّه» است. بنگرید به: فنخا، ج ۲، ص ۹۳۳. همچنین بخشی از کتاب کافی - بخشی از اصول و کتاب الزکات و الصوم - در کتابخانه مرکز احیاء به شماره ۱۶۸۰ موجود است که تصحیح شده و حواشی از سید حیدر حسنی بیڑوی دارد که در فهرست به خطا بیڑوی آمده است (فنخا، ج ۲۵، ص ۶۷۷). در کتابخانه مرحوم مشکات به شماره‌های ۷۱۹ و ۷۲۰ نسخه‌ای از کتاب ذکری الشیعة فی احکام الشرعیة شهید اول موجود است که تاریخ آمده در پایان نسخه اول ذی الحجة ۹۷۹ است و کاتب آن سید حیدر بن علاء الدین سبزواری است که کسی جز همین شخصیت مورد بحث یعنی سید حیدر بن علاء الدین بیڑوی نیست. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۵ (تهران، ۱۳۳۵ش)، ص ۱۸۸۲-۱۸۸۳. در کتابخانه مجلس رساله ششم مجموعه ۸۹۰۰، برگ‌های

۱۱۴ پ-۱۳۳، نسخه ای موجود است که نامش موالید النبی و الأئمة الطاهرة نام دارد و مؤلف آن سید حیدر بن علاء الدین حسینی بیژنی معرفی شده است که وی همین شخص مورد بحث ماست و نسبت حسینی که در نسخه به علت بدخوانی کاتب چنین آمده باید حسنی باشد.^۱ افراد اخیر نقش مهمی در گسترش تشیع در عصر نخست صفویه داشته اند.



۱ بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۹، بخش اول، ص ۲۶۷-۲۶۸.